

حلقه کامل



نشریه اختصاصی جامعه کاربری اوبونتو

شماره ۶۴ - شهریور و مهر ۹۱



Photo : Marcel Oosterwijk (Flickr.com)



ویرایش ویدیو با KDENLINE

دیگر نیازی به چسب و قیچی نیست!

مجله حلقه کامل به کانونیکال نه وابسته است و نه از آن حمایت میشود.

نظرات



داستان من صفحه ۳۶



عقیده من صفحه ۳۸



مرور صفحه ۴۱



نامه‌ها صفحه ۴۳



توسعه وب صفحه ۲۱

طراح وب



حلقه کامل

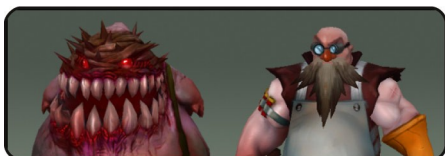


مجله اختصاصی جامعه کاربری اوبونتو

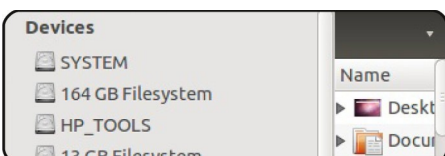
ستون‌ها



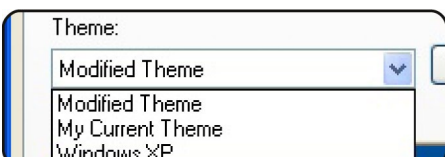
آهنگ صدا صفحه X



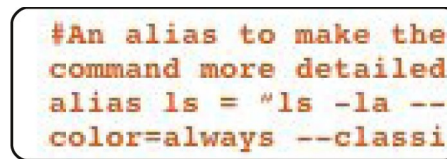
بازی‌های اوبونتو صفحه ۴۹



پرسش و پاسخ صفحه ۴۶



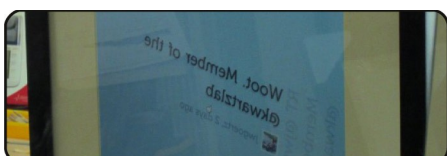
Closing Windows صفحه ۳۲



فرمان و تسخیر صفحه ۵



از کاربر جدید بپرس صفحه ۲۵



آزمایشگاه لینوکس صفحه ۲۸

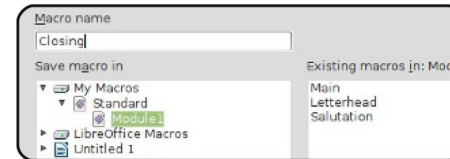


اوبونتو برای خانم‌ها صفحه X

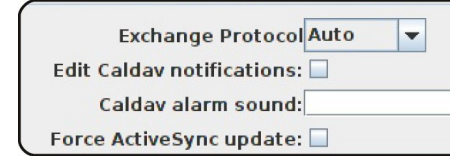
چگونه



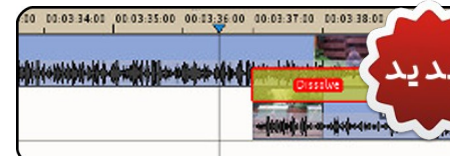
پایتون قسمت ۳۶ صفحه ۷



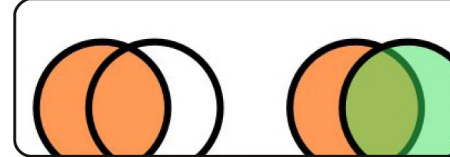
لیبر آفیس قسمت ۱۷ صفحه ۱۰



DavMail صفحه ۱۲



Kdenlive قسمت ۱ صفحه ۱۴



Inkscape قسمت ۴ صفحه ۱۷

گرافیک



مقالات موجود در این مجله تحت Creative Commons Attribution-Share Alike 3.0 Unported license منتشر میشود.



بدین معنی که شما میتونید اعمال ویرایش، نسخه برداری، توزیع و انتقال را برای مقالات انجام بدهید، اما تنها با این شرایط: شما باید به نویسنده اصلی به هر صورت ممکن (حداقل یک نام، ایمیل یا آدرس وب) و این مجله به همراه اسم (Full Circle Magazine) و آدرس وب www.fullcirclemagazine.org اشاره کنید (اما بدون اشاره به مقاله(هایی) که به هر طریقی نشان دهد که آنها از شما حمایت میکنند یا شما از اثر استفاده کرده اید). اگر شما تغییر، تبدیل، ایجاد بعد از این اثر، انجام دادید باید اثر را تحت همان، مشابه یا یک لیسانس همخوان منتشر نمایید. مجله حلقه کامل بصورت کامل مستقل از کانونیکال، اسپانسر پروژه اوبونتو است و دیدگاه‌ها و عقاید در این مجله باید به هیچ نحوی فرض نکنند که حمایت کانونیکال را داریم.



این مجله با این نرم افزارها ساخته شده است:



به شماره‌های دیگر از مجله حلقه کامل خوش آمدید!

مجله این ماه چیزهای خوب بسیاری را برای شما آماده کرده است. پایتون (این ماه سومین سال انتشار آن است) و ادامه لیبره آفیس با اضافه شدن نوشتاری درباره راه اندازی DavMail برای استفاده با Microsoft Exchange. صفحه توییت هواداران می‌تواند برای نوشتار آزمایشگاه‌های لینوکس تجربی، چارلز، منجر به نتیجه‌گیری خوبی شود در زمینه گرافیک سری Inkscape «مارک» ادامه پیدا می‌کند و من شروع به نوشتن یک سری نوشتار درباره ویرایش ویدیو با استفاده از kdenlive کرده‌ام. و با استفاده از آخرین نوشتار توسعه وب این ماه شما LAMP را نصب خواهید کرد.

امیدوارم که ماه بعد مروری بر کتاب جدید Ubuntu Made Easy از NoStarch Press (تشکر بسیار برای کپی بررسی) و یک بررسی از تبلت گوگل نکسوس 7 خودم. چند پست بر روی گوگل+ و صفحه‌های فیس بوک مان فرستادم افرادی را به پست زدن به پرسشهایی در رابطه با نکسوس 7 که آن‌ها دوست دارند در بررسی پاسخ داده شود، مشتاق کرد.

Les And Co به پادکست دایره کامل نسخه 30، helm and released بازگشته است، حتماً دانلود کنید. یک بررسی کامل در حدود 2 ساعت. Raspberry Pi info و خیلی چیزهای دیگر

در ضمن ویرایشگر تیزبین که همه غلط‌های ما (شما و من) را تصحیح می‌کند در حال کار بر روی **Official Full Circle Style Guide** برای شما نویسنده‌هاست. ما در آینده آنرا بروز و از نسخه آینده به آن لینک خواهیم داد. آن (نوشتار پیش گفته) راهنمای مرجع برای نوشتن نوشتارها (مقاله‌ها) خواهد بود. اشخاص بسیاری اشتباهات ساده‌ای انجام می‌دهند (GB و نه Gb و یا gb - این‌ها همه با هم تفاوت دارند) که باید پیش از ارائه تصحیح شوند. هرچه به تغییر کمتری نیاز باشد بهتر است.

آرزوی بهترین‌ها، در تماس باشید

رونی

ronnie@fullcirclemagazine.org

پادکست حلقه کامل

بصورت ماهانه منتشر شده است، هر اپیزود همه تازه ترین اخبار درباره اوبونتو، عقاید، بررسی‌ها، مصاحبه‌ها و بازخورد شنوندگان را پوشش میدهد. Sid-Pod علاوه بر اینکه تازه است، یک فرم کوتاه اضافی (نامنظم) پادکست است که به عنوان یک بخش از پادکست اصلی در نظر گرفته شده است. جایی است که عموماً تمام تکنولوژی را پوشش میدهد و چیزهایی که به اوبونتو مربوط نمیشود را پوشش نمیدهد.



به میزبانی:
Les Pounder
Tony Hughes
Jon Chamberlain
Oliver Clark



<http://fullcirclemagazine.org>



Download



فرمت EPUB

سرانجام، نسخه موبایل حلقه کامل را در صفحه دانلود قرار دادیم، امیدواریم نسخه های پیشین را نیز بزودی این چنین کنیم. اگر شما با فایل نسخه الکترونیکی \ قالب بندی مشکل دارید، یک ایمیل به Jens بفرستید: mobile@fullcirclemagazine.org

Google Currents

Google Currents را روی وسیله آندروید \، اپل نصب نمایید full circle را جستجو کنید (در برنامه) و 55 issues را به برنامه + اضافه کنید. یا اینکه میتوانید روی لینک FCM در صفحه دانلود کلیک کنید

Software Center

شما همچنین میتوانید FCM را از مرکز نرم افزار اوبونتو دریافت نمایید: <https://apps.ubuntu.com/cat> عبارت Full Circle را جستجو کنید و یک شماره از مجله را انتخاب کنید و روی دکمه دانلود کلیک کنید.

نقص جاوا میلیون ها [کاربر] را در معرض خطر قرار داده است

محققین امنیتی- یک تروجان کاربرهای کامپوتر که از ویندوز، مک و یا لینوکس استفاده می- کنند در معرض خطر آسیب پذیری جاوا که به تازگی کشف شده است قرار دارند که در حال حاضر (10 شهریور 91) رفع نشده است. به نظر می رسد نقص به Blackhole exploit kit اجازه می دهد سیستم جاوا هدف که از یک فایل Pre.jar استفاده می کند که اجازه نصب بدافزار را می دهد، در این مورد [نصب] یک تروجان بانکی بر روی ماشین (سیستم) کاربر به روشهای گوناگون نصب می گردد.

FireEye از عمل کرد ضعیف شرکت اراکل مالک جاوا در رفع نقص انتقاد کرده است. خیلی ناامید کننده است که اراکل هنوز زمانی- برای ارائه یک پچ آپدیت فوری اعلام نکرده است، آف مشتاق از FireEye نقص تا حالا (10 شهریور 91) رفع نشده است

منبع : v3.co.uk

بی- سابقه نیست. به عنوان مثال بحران چند وقت پیش super-worm. یک شکل دیگر از بدافزار ایجاد که لینوکس و OS X را آلوده می کند و نه ویندوز. رک و پوست کنده با توجه به تعداد کاربران هر سیستم عامل بسیار عجیب است. مگر اینکه ویروس برای بعضی از حمله هایی شبیه به هم به یک سازمان که از ترکیبی از آن دو سیستم عامل شبه یونیکس استفاده می کنند طراحی شده است.

تجزیه و تحلیل wirenet-1 در حال انجام است ولی در حال حاضر مشخص نیست که چگونه [این] تروجان قابل گسترش (تکثیر) طراحی شده است، یکبار اجرا می شود و خود را در پوشه خانگی کاربرها کپی- می کند، و از AES برای رمزنگاری ارتباطات خود با یک سرور بر روی اینترنت استفاده می کند

منبع : theregister.co.uk

spotted تنها تروجان لینوکس و OS X

محققین امنیتی- یک تروجان خطرناک چندسکویی لینوکس - OS X کشف کرده اند. زمانی که روی یک ماشین نامن نصب شود wirenet-1 یک در پشتی برای یک Remote Command Server باز می کند. از key logs برای ذخیره پسورد اطلاعات حساس تایپ شده توسط قربانی استفاده می کند. همچنین برنامه پسوردهای داده شده به مروگرهای اینترنتی- اپرا، فایرفاکس، کروم و کرومیوم و همچنین گواهی نامه های ذخیره شده توسط برنامه هایی- مانند مدیر ایمیل تاندربرد، sea monkey و برنامه چت پیچین را می رباید. مالویر کوشش می کند تا داده های جمع آوری شده را در یک سرور در هلند بارگذاری کند.

برنامه توسط آتی ویروس روسی Dr.web که wirenet-1 را به عنوان نخستین تروجان (پسورد دزد) چند سکویی لینوکس - OS X معرفی کرده است رهگیری شده است.

ویروس چند سکویی که ویندوز، OS X و لینوکس را آلوده کند بسیار نادر است اما



فرمان و تسخیر

نوشته لوکاس وسترن / برگردان پاری از سجاد محمدزاده

IDE

فکر کردم این ماه یکبار از آموزش‌ها دور بشوم و در عوض خوانندگان مقالاتم را با مفهوم محیط توسعه یکپارچه (IDE) آشنا کنم و دلایلی را برای اینکه چرا یک محیط توسعه یکپارچه برای برنامه نویسان سودمند است را بیان کنم. این مقاله را دنبال کنید من نام IDE و همینطور نام زبان برنامه نویسی- را که استفاده میکنم را معرفی میکنم برای این منظور من احساس نمیکنم که یک محیط توسعه واقعی احتیاج داشته باشم.

IDE چیست؟

یک IDE اساساً یک ویرایشگر است که شامل یک کامپایلر/مفسر است و روشی برای دسترسی- ساده به اسناد دارد و معمولاً پلاگین‌هایی را برای اشکال زدایی و رفع خطا ارائه می‌دهد. برخی از مزایای پیشرفته از جمله تکمیل خودکار فرم‌های مختلف را دارا می‌باشد.

چرا از IDE استفاده کنم؟

- یادگیری زبان‌های برنامه نویسی
- مدیریت آسان پروژه‌های بزرگ
- دسترسی آسان به کامپایلر/مفسر، اشکال زدایی و محیط‌های رفع خطا

با استفاده از یک IDE میتوان به آسانی از یک زبان استفاده کرد، مثلاً میتواند اشتباهات املائی- را تشخیص و درست آن را پیشنهاد دهد (یا به فراخوانی‌های تابع هنگامی که از یک زبان دیگر استفاده میکنید اشاره کند). اگر IDE شما اشتباهات را پررنگ (Highlight) نمیکند پس حداقل در کامپایل و اجرا کردن کد و چک کردن استثناها و خطاهای زمان اجرا، عملیات را خیلی آسان کرده است.

وقتی که روی یک پروژه بزرگ کار کنید، IDE معمولاً شکل یکپارچه‌ای از فایل‌ها را برای اینکه مشخص بشود که هر فایل کجاست را برای ما فراهم میکند. و همینطور

ابزارهایی را برای اشکال زدایی- فراهم کرده است.

وقتی شما بیشتر از ۱۰۰ یا ۲۰۰ خط کد داشته باشید، عموماً اشکال زدایی- دستی را پیشنهاد نمیکنم و در عوض میتوان از یک رفع خطا واقعی و چارچوب (Framework) اشکال زدایی استفاده کرد.

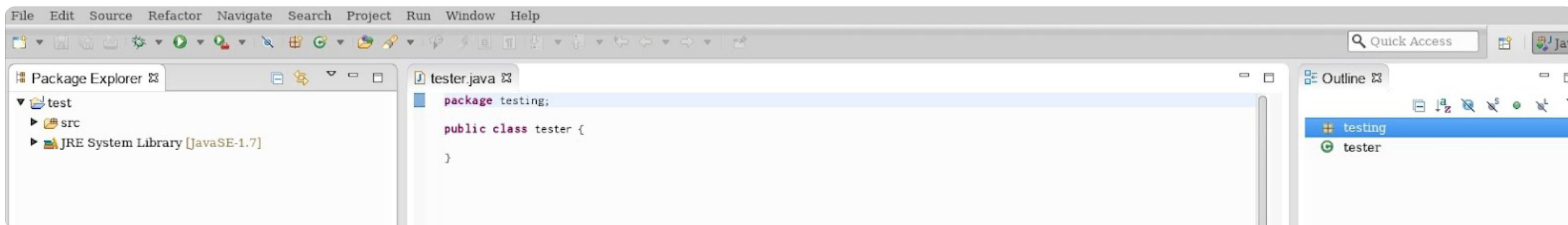
تنها استثناء برای من جاوا است. من همیشه تا جایی که امکان داشته باشد سعی میکنم از جاوا به همراه Eclipse استفاده کنم زیرا تعدادی از تابع‌ها اسامی طولانی دارند و تکمیل خودکار میتواند زندگی من را لذت بخش کند.

یکی دیگر تعریف توابع با نامی کوتاه‌تر است (استفاده از define) اما این میتواند خیلی- پیچیده شود. از زمانی که من در Eclipse با جاوا کار میکردم، تمایل داشتم از اشکال زدای یکپارچه بدون در نظر گرفتن اندازه فایل استفاده کنم. استفاده از بعضی از

چیزها مانند JUnit برای پروژه‌های پایه (کوچک) فراتر از انتظار است من وقتی از این استفاده میکنم که چند صد خط کد داشته باشم یا به تعداد زیادی کلاس احتیاج داشته باشم.

از کدام IDE استفاده کنم؟

در نهایت برمیگرده به اینکه چکاری میخوای انجام بدی. محیط‌های خیلی- پیشرفته زیادی مانند Eclipse وجود دارند (برای جاوا و سی- پلاس پلاس)، که فضای زیادی را در مقایسه با یک IDE ساده‌تر اشغال میکنند. نسخه جاری Eclipse فقط به ۲۰۰ مگابایت از فضای لینوکس نیاز دارد. به خاطر داشته باشید که ویژگی‌های بیشتری که در یک زمان اجرا میشود میزان حافظه اصلی (Ram) بیشتری مصرف میکند. پس متوجه شدم که Eclipse بسیار سنگین است. من از IDE فقط با جاوا استفاده میکنم، زیرا



چیزی است که برای دانشگاه ام نیاز است بعنوان مثال چیزی است که ارزش استفاده میکنم.

انتخاب دیگری برای توسعه Java/C/C+ /PHP+ استفاده از Netbeans است. هرچند تمایلی برای نوشتن برنامه‌های بزرگ ندارم و یک ویرایشگر متن و یک ترمینال برای C و ++C و PHP کافیه. یا یک چیزی شبیه پایتون زیرا من تمایل دارم که ایده‌ها را در یک مفسر همزمان قبل از اینکه کدنویسی را شروع کنم تست کنم.

خط زیر بیان میکند فکر کردن درمورد اینکه چه چیزی را می‌خواهید و به چه چیزی به آسانی دسترسی داشته باشید یا برنامه شما چقدر بزرگ است، و سنجیدن جوانب مثبت و منفی در یادگیری رابط جدید، همچنین اگر شما محدودیت در زمان دارید،

شاید بخواهید از یک IDE استفاده کنید، میتواند زمان توسعه و رفع خطا را کاهش دهد (تا زمانی که با IDE راحت هستید).

یکبار تصمیم بگیر چندین IDE را امتحان کن و هر کدام که راحتتر بودی را انتخاب کن. (یا هرکدام که نیاز هایتان را به درستی پاسخ داد)

Light Table یک مفهوم جدید از IDE

اخیراً در مورد مطلب کریس گرنجر که در مورد یک IDE به اسم Light Table بود صحبت کرده ام.

برای لینک این مطلب بخش مطالعه بیشتر را نگاه کنید.

بعد از این مطلب او توانست بودجه پروژه را بصورت محدود و اختصاص یافته با

حمایت پایتون بعد از انتشار الگوریتم و نمونه اولیه دریافت کند.

من برای محصول نهایی خیلی اشتیاق دارم. او ایده‌های جدیدی را معرفی کرد (مانند محیط کاری سبک (light)) و برای ایده‌های دیگر اجراهای بسیار جذابی ارائه کرده است، من میخواهم وقتی که Light Table playground آمد ارزش استفاده کنم و با رابط کاربری تمیز تری در مقایسه با دیگر رابط‌ها که تا بحال دیده ام کار کنم. و در آخر بیشتر قابلیت‌ها در مفهوم ویدئو غیر قابل دسترسی است در این لحظه عمدتاً بازخورد های فوری ارائه میشود. برای کسی که علاقه‌مند باشد یا فقط می‌خواهد به چیزهای جدید یک نگاهی بیاندازد پیشنهاد میکنم که Light table را امتحان کند.

امیدوارم که این مقاله برای شما جالب

بوده باشد و من پاسخ‌هایی در مورد IDE دادم.

پرسش‌ها، نظرات یا درخواست هایتان را به آدرس ایمیل lswest34@gmail.com ارسال نمایید

اگر شما تصمیم گرفتید که برای من ایمیل ارسال کنید لطفاً واژه FCM یا C&C را در عنوان ایمیل اضافه نمایید تا بتوانم ایمیل شما را پیدا کنم.

مطالعه بیشتر:

<http://www.chris-granger.com/2012/04/12/light-table---a-new-ide-concept/>
<http://app.kodowa.com/playground - Light Table playground>
<http://www.eclipse.org/downloads>
<http://netbeans.org/>



لوکاس: تمام دانسته هایش را از به هم زدن و خراب کردن سیستم خودش یادگرفته است، به این صورت که بعد از خراب کردن سیستم چگونگی تعمیر آن را کشف کرده است.

میتوانید به لوکاس ایمیل بزنید:

lswest34@gmail.com

```

::Welcome to the instarepl.
::Anything typed into this box will immediately be evaluated
::with the result being shown on the right hand side.
::For example:

(+ 3 4)
(- 10 20)

;;This allows you to very quickly see changes to all the
;;things you're working with. You'll notice that the code
;;on the right also has the variables' values filled in in
;;green, making it easy to see how information is flowing
;;through the program.

(defn my-add [a b]
  (+ a b))

(my-add 3 45)

;;If you end up stuck, you can press Ctrl+D to cancel
;;everything that is currently executing. Ctrl+R will also
;;reset the state of the GUI if you want to start over fresh.

```

Live

```

::Welcome to the instarepl.
::Anything typed into this box will immediately be evaluated
::with the result being shown on the right hand side.
::For example:

(+ 3 4) => 7
(- 10 20) => -10

;;This allows you to very quickly see changes to all the
;;things you're working with. You'll notice that the code
;;on the right also has the variables' values filled in in
;;green, making it easy to see how information is flowing
;;through the program.

(defn my-add [3 45]
  (+ 3 45))

(my-add 3 45) => 48

;;If you end up stuck, you can press Ctrl+D to cancel
;;everything that is currently executing. Ctrl+R will also
;;reset the state of the GUI if you want to start over fresh.

```




چطور انجامش بدم

نوشته گرگ والترز / برگردان پاریسی از سجاد محمدزاده

شروع پایتون - قسمت ۳۶



وارد کرده‌ایم و درنهایت یک دکمه خروج ایجاد کرده ایم.

این شروع کلاس ما با اسم Transpose است.

```
class Transpose(App):
    def exit(instance):
        sys.exit()
```

برروی ساخت روال کار میکنیم، این بخش برای هر برنامه Kivy مورد نیاز است. (پایین صفحه سمت چپ) این گیج‌کننده به نظر میرسد. متأسفانه، ویرایشگر همیشه نمیتواند فضاهای خالی را به درستی ذخیره کند حتی در یک فونت تک فاصله. ایده این است که رشته text1 در مقیاس ساده با نوت شروع میشود. هرکدام باید ۵ تا فاصله داشته باشد. مانند پایین صفحه سمت چپ.

برنامه ما نسبتاً ساده خواهد بود، یک برچسب عنوان، یک دکمه با مقیاس متن پایه، ScrollView (یک ویجت parent فوق‌العاده که به شما اجازه میدهد داخل کنترل را برای حرکت دادن پرت کنید). چند دکمه مانند متن که دارای مقیاس تغییر یافته است و یک دکمه خروج ایجاد کنید. باید چیزی شبیه به متن زیر بشود.

با یک فایل جدید پایتون به اسم main.py شروع میکنیم. این مهم است که وقتی اگر شما تصمیم گرفتید که یک برنامه آندروید با استفاده از Kivy بسازید. حالا عبارات ورودی را اضافه کردیم. (صفحه بعد سمت چپ بالا) به خط دوم توجه کنید، "kivy.require('1.0.8'" این اجازه میدهد که شما مطمئن باشید میتوانید از جدیدترین و بهترین ویژگی‌هایی که Kivy فراهم کرده است استفاده کنید. همچنین به این نکته توجه کنید که ما یک (خط سوم) system exit

استاندارد آکورد های C,E,G را میتونید بزیند اما بعضی از آکورد ها مانند #F کوچک یا #C کوچک، در حالی که دوتایی باید بزیند خیلی-سخته که انگشتان را برای یک صدای سریع حرکت بدید.

شما چکار میکنید اگر فریره گیتار برای چند هفته‌ای دور باشد و شما باید امروز سرعت را زیاد کنید؟ راه حل استفاده از Capo است (فکر بامزه ایست که شما گاهی اوقات روی گردن گیتار میبینید) این کلید های گیتار را افزایش میدهد و شما تطبیق با بقیه گروه آکورد متفاوتی استفاده میکنید. اسم این تغییر دادن کلید است. گاهی اوقات میتوانید بصورت ذهنی یا با پیاده‌سازی روی کاغذ اینکار را انجام بدهید. برای مثال: #F آکورد است و شما Capo را در 2 fret قرار میدهید. اما این زمانبر است. بیایید برنامه‌ای را که به سادگی موقعیت fret را برای یافتن آسانترین آکورد حرکت دهد را بسازیم.

پیش از اینکه شروع کنم، میخوام بگویم که این سومین سالی است که سری شروع برنامه نویسی- پایتون در این مجله قرار میگیرد، همینجا میخوام از رونی- و تمام دست اندرکاران مجله حلقه کامل برای حمایت و به‌خصوص از شما خوانندگان تشکر کنم، من هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم که چنین مدت طولانی طول بکشد.

همچنین میخوام چند ثانیه را به این نکته اختصاص بدم که کسانی نظراتی را برای من ارسال کردند که آیا پس از گذشت سه سال هنوز باید عبارت شروع در عنوان این مقاله باشد یا نه؟ خوب در بعضی- از مراحل تأیید میکنم اما من هنوز مشاهده میکنم که کسانی هستند که تازه با مجله حلقه کامل یا مقاله شروع برنامه نویسی پایتون آشنا شده‌اند و دارند از ابتدا مطالعه میکنند. بنابراین آن‌ها نوآموز هستند و همینطور من واژه شروع را در بخش بعدی مقاله یعنی بخش ۳۷ از عنوان حذف میکنم.

حالا بطور جدی با این مقاله روبرو میشویم... بیشتر در مورد kivy.

تصور کن داری گیتار میزنی. نه یک گیتار الکی، یک گیتار واقعی. شما یک گیتاریست خیلی خوب نیستید و بعضی از آکورد ها برای شما گیج‌کننده است. برای مثال شما فرم

Transposer Ver 0.1

C C#/Db D D#/Eb E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C

1| C#/Db D D#/Eb E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C C#/Db
2| D D#/Eb E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C C#/Db D

```
import kivy
kivy.require('1.0.8')
from sys import exit
from kivy.app import App
from kivy.core.window import Window
from kivy.uix.button import Button
from kivy.uix.label import Label
from kivy.uix.anchorlayout import AnchorLayout
from kivy.uix.scrollview import ScrollView
from kivy.uix.gridlayout import GridLayout
```

```
font_name='data/fonts/DroidSans
Mono.ttf',
padding=(20,20)
```

دوباره، بیشتر این نسبتاً تمیز است.

حالا ویجت ها را به شی-ریشه که همان GridLayout است اضافه کردیم. برچسب (lbl در اولین خانه و دکمه (btn1) در دومین خانه قرار دارد.

```
#-----
root.add_widget(lbl)
root.add_widget(btn1)
```

```
def build(self):
#-----
text1 = " C C#/Db D D#/Eb E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C"
text2 = " C C#/Db D D#/Eb E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C C#/Db D
D#/Eb E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C C#/Db"
#-----
```

```
12345678901234567890123456789012345678901234567890123456
C C#/Db E F F#/Gb G G#/Ab A A#/Bb B C
```

آیتم است، یک برچسب در بالای برنامه ایجاد میکنیم.

```
lbl = Label(text='Transposer
Ver 0.1',
font_size=20,
size_hint=(None,None),
size=(480,20),
padding=(10,10))
```

ویژگی‌های انتخاب شده باید نسبتاً واضح باشند. تنها چیزی که ممکنه مشکلاتی را بوجود بیاره خاصیت های padding و size_hint است. Padding تعداد پیکسل های اطراف آیتم بر حسب مرجع x,y است. مستقیماً برگرفته از اسناد Kivy خصوصیت size_hint (برای x که همان y است) بر طبق زیر تعریف شده است:

اشاره به Xsize: نشان میدهد که ویجت چه مقدار فضا در جهت محور x نسبت به عرض parent باید استفاده کند. فقط نما (Layout) و پنجره (window) از این استفاده

رشته text2 چیزهای تکراری باید داشته باشد. در رشته text2 از آفست برای پر کردن متن داخل دکمه با ScrollView ویجت استفاده کردیم.

در حال حاضر شی ریشه را ایجاد کردیم (پنجره اصلی مان است) که شامل یک GridLayout ویجت است. اگر زمانی که با سایر رابط های گرافیکی- کاربر (GUI) کار میکردیم را بخاطر بیاورید یک ویجت نمایش جدول وجود داشت. خوب، GridLayout اینجا هم تقریباً همان است. در این مورد، یک جدول داریم که شامل یک ستون و سه سطر است، میتوانیم ویجت ها را در هر کدام از خانه های جدول قرار دهیم. به خاطر داشته باشید که، اگر محل ویجت را مشخص نکنیم نمیتوانیم آنرا تعریف کنیم.

```
root =
GridLayout(orientation='verti
cal', spacing=10,
cols=1,rows=3)
```

در این مورد بازنمایی بصورت زیر است:

```
(0) title label
-----
(1) main button
-----
(2) scrollview
-----
```

میکنند. مقدار درصدی و اعشاری است که از صفر تا یک مقدار میپذیرد. یک یعنی جایی که این parent تمام صفحه میشود. مثلاً: 0.5 می شود 50%.


```
btn1 = Button(text = " " + text1, size=(680,40),
              size_hint=(None, None),
              halign='left',
              font_name='data/fonts/DroidSansMono.ttf',
              padding=(20,20))
```

```
for i in range(0,19):
    if i <= 12:
        if i < 10:
            t1 = " " + str(i) + "| "
        else:
            t1 = str(i) + "| "
    else:
        t1 = ''
        text2 = ''
    btn = Button(text = t1 + text2[(i*5):(i*5)+65],
                size=(680, 40),
                size_hint=(None, None),
                halign='left',
                font_name='data/fonts/DroidSansMono.ttf')
    s.add_widget(btn)
```



گ رگ: مالک راه حل‌های RainyDay است، LLC، یک شرکت مشاوره در کلرادو - آتورورا است. برنامه نویسی را از 1972 (چهل سال پیش) آغاز کرد. او از پخت و پز، پیاده روی، موسیقی، و صرف زمان با خانواده اش لذت میبرد.

وبسایت او:

<http://www.thedesigntedgeek.net>

آماده کرده ایم.

```
if __name__
in ('__main__', '__android__'):
    Transpose().run()
```

حالا شاید تعجب کرده باشید که چرا من برای تمام اشیاء نوشتاری از دکمه بجای برچسب استفاده کردم. به این خاطر که برچسب‌ها در Kivy بطور پیشفرض هیچگونه حاشیه نمایان ندارند. ما میتوانیم پس از نصب این برنامه بازی کنیم، همچنین یک دکمه خروج و کمی-تغییرات انجام دادم. میتوانید سورس کد را در سایت PastBin پیدا کنید:

<http://pastebin.com/hsicnyt1>

تا دفعه بعد، لذت ببرید و از شما بخاطر اینکه سه سال مقالات من را دنبال میکنید سپاسگذارم.

#-----
حالا بیا فهمیدن کد را کمی سخت کنیم. یک GridLayout دیگر با اسم s ساختیم. سپس ارتفاع آنرا به ارتفاع ویجت بعدی متصل کردیم، دراین مورد ScrollView است نه دکمه‌ها.

```
s = GridLayout(cols=1,
               spacing = 10, size_hint_y =
               None)
s.bind(minimum_height=s.setter('height'))
```

حالا ۲۰ تا دکمه با خصوصیت text پر شده ساختیم و به GridLayout اضافه کردیم. حالا ScrollView را ایجاد و سائز آنرا تنظیم کردیم، و به GridLayout اصلی هم اضافه کردیم. (سمت چپ حلقه for)

```
sv =
ScrollView(size_hint=(None,
None), size=(600,400))
sv.center = Window.center
root.add_widget(sv)
```

در آخر، GridLayout را که همه ی دکمه ها را نگهداری میکند به ScrollView اضافه کردیم و شی ریشه را به برنامه Return کردیم.

```
sv.add_widget(s)
return root
```

در نهایت، روال "if __name__" را داریم. توجه داشته باشید که خودمان را برای استفاده از برنامه بعنوان یک برنامه آندروید



درخواست هایی داشته می‌بوی. بر اینکه مبحث ماکروها (Macro) در مجموعه نرم افزاری LibreOffice آموزش داده شود، به همین دلیل در این شماره بحث بر روی نرم افزار Impress را موقتاً رها کرده و بطور خیلی خلاصه به معرفی ماکروها می‌پردازم. ماکروها به شما اجازه می‌دهند تا کارهای تکراری مثل تایپ کردن سربرگ نامه و ... را مکانیزه کنید تا دیگر مجبور نباشید آن‌ها را برای چندین و چند بار تکرار کنید. در این شماره یاد می‌گیریم که چگونه یک ماکرو را ضبط کرده و از آن استفاده کنیم. البته مجموعه LibreOffice مجهز به زبان اسکریپت نویسی Basic است که صحبت در مورد آن خارج از بحث فعلی است، هرچند ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور که آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم مجدداً به بحث ماکروها رجوع کنیم.

نکته: شما می‌توانید اطلاعات مرتبط در مورد LibreOffice Basic را در راهنمای نرم افزار مشاهده و یا مستندات آنرا از این لینک دانلود کنید:

http://wiki.documentfoundation.org/images/d/dd/BasicGuide_OOo3.2.0.odt

فعالسازی قابلیت ضبط ماکروها

به صورت پیش فرض قابلیت ضبط رکوردها غیرفعال است. به نظر می‌رسد ماکروها فعلاً خصوصیتی آزمایشی (ناپایدار) در مجموعه LibreOffice باشند. برای فعال کردن ماکروها از منوی Tools گزینه Options را انتخاب کنید. سپس از قسمت LibreOffice و زیرمجموعه General گزینه Enable experimental (stable) features را علامت دار کنید. این کار باعث می‌شود تا گزینه Record Macro از منوی Tools و زیرمنوی Macros فعال شود.

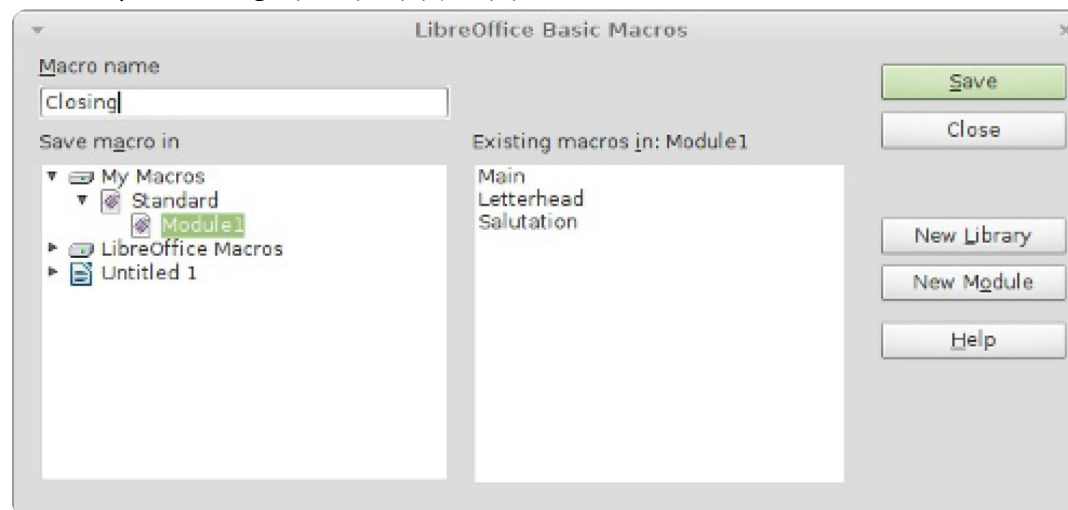
ضبط یک ماکرو

وقتی در حال ضبط یک ماکرو هستید، هر کاری که انجام دهید و هر آنچه که تایپ کنید در ماکرو ثبت خواهد شد. بخاطر دارید که قابلیت ضبط ماکروها را بعنوان یک «قابلیت

آزمایشی» فعال کردیم؟ بخاطر همین مساله (آزمایشی بودن) ممکن است بعضی وقت‌ها این قابلیت به درستی کار نکند. هر چند شخصاً تا حالا با این مساله مواجه نشده ام، اما باید به آن اشاره می‌کردم.

بعنوان مثال در این قسمت سعی می‌کنیم ماکرویی با نام Closing ایجاد کنیم. هر بار که تایپ یک نامه را به پایان می‌رسانیم، می‌بایست نامه را با نوشتن عبارتی پایان دهیم (ببندیم)، چون این یک کار تکراری است از ماکروها برای انجام آن استفاده می‌کنیم.

یک سند متنی جدید باز کنید و از منوی Tools و زیرمنوی Macros گزینه Record Macro را انتخاب کنید. در این حالت نوار ابزار ماکرو فعال می‌شود. البته تنها یک گزینه بر روی این نوار ابزار وجود دارد: Stop Recording. حالا



سه یا چهار بار کلید Tab را فشار دهید تا نشانگر تقریباً در مرکز سطر فعلی قرار گیرد. عبارتی نظیر Best wishes, love یا عبارت پایانی مورد نظر خود را وارد کنید. حالا دو بار کلید Enter را فشار دهید تا محلی برای امضا باقی بماند. مجدداً سه یا چهار بار کلید Tab را فشار دهید با کلیک بر روی دکمه Bold بر روی نوار ابزار Formatting قلم نوشتار خود را ضخیم کرده و نام خود را بنویسید. در پایان، سمت خود را در زیر نام‌تان درج کنید. برای این کار مجدداً کلید Enter را فشار داده و به همان تعداد قبلی Tab را درج کنید. با کلیک بر روی دکمه Bold متن را از حالت ضخیم خارج کرده و با انتخاب دکمه Italic قلم را زاویه دار کنید. سمت خود را درج کرده و پس از درج مجدد Enter گزینه Stop Recording را انتخاب کنید.

کادر Basic Macros ظاهر خواهد شد. کتابخانه ای که می‌خواهید ماکروی جاری را در آن ذخیره کنید (معمولاً کتابخانه My Macros) انتخاب کرده و نامی برای آن برگزینید و کلید Save را فشار دهید.

آزمایش یک ماکرو

اگر میخواهید از صحت عملکرد ماکرویی که ضبط کرده‌اید مطمئن شوید بهتر است آنرا آزمایش کنید. برای این کار از منوی Tools گزینه Macros و سپس Run Macro را انتخاب نمایید. در کادر ماکروها کتابخانه ای که ماکرو

را در آن ثبت کرده بودید انتخاب کرده و پس از انتخاب ماکروی موردنظر گزینه Run را کلیک کنید. ماکرو اجرا خواهد شد و هر آنچه که تایپ و قالب بندی کرده بودید را مجدداً انجام خواهد داد.

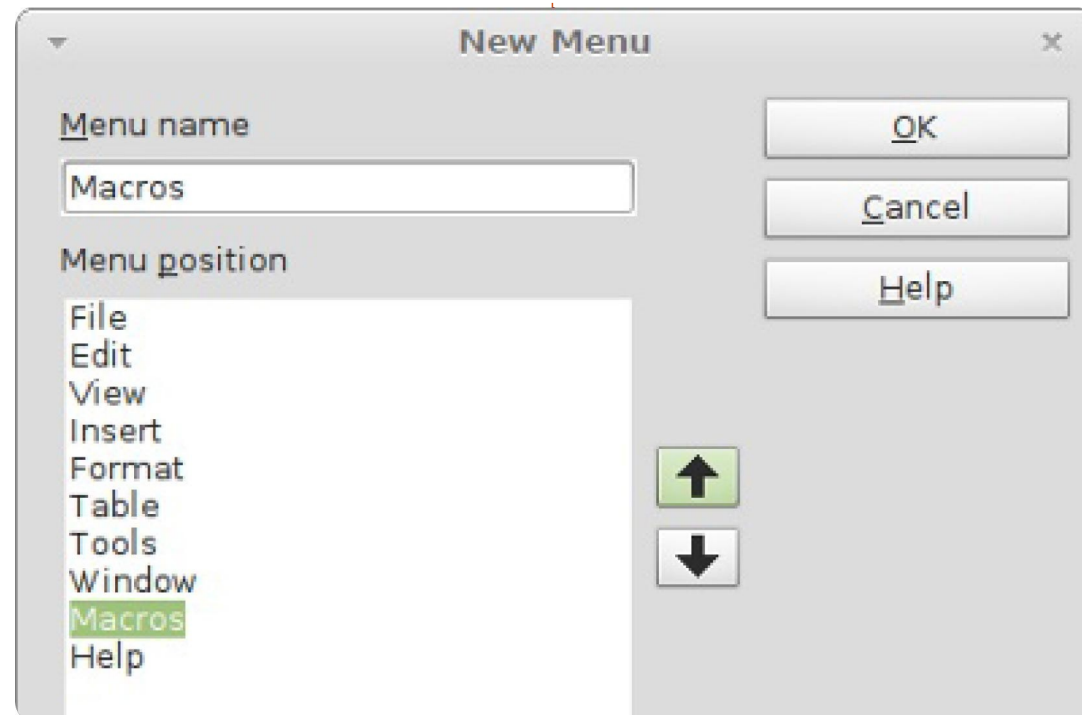
اگر چیزی که میخواستید انجام نشده است مجدداً اقدام به ضبط یک ماکروی دیگر کنید. برای حذف ماکرو نیز می‌توانید از منوی Tools گزینه Macros, گزینه Organize Macros و سپس LibreOffice Basic را انتخاب کنید. حالا ماکرویی که ضبط کرده بودید را پیدا کرده و با کلیک بر روی گزینه Delete آنرا حذف کنید.

ایجاد میانبر برای یک ماکرو

اگر ماکرویی را به دفعات اجرا می‌کنید، لازم

نیست هر بار مسیر گفته شده از منوی Tools را طی کنید تا ماکروتان اجرا شود. LibreOffice به شما اجازه می‌دهد تا ماکروی خود را به منوها یا نوار ابزار اضافه کنید، برای آن از صفحه‌کلید میانبری تعریف کنید و یا اجرای آنرا به وقوع یک رخداد در LibreOffice منتسب کنید. می‌توانید ماکروی خود را از طریق منوی Tools و گزینه Customize اضافه کنید.

بعنوان مثال می‌خواهیم منویی با نام Macros را به نرم‌افزار Writer افزوده و ماکرویی که ساختیم (Closing) را به عنوان یکی از گزینه های آن اضافه کنیم. حالا از منوی Tools گزینه Customize و سپس در زبانه Menus دکمه New را کلیک کرده و نام منوی جدید را برابر با Macros قرار دهید. از کلیدهای جهت دار



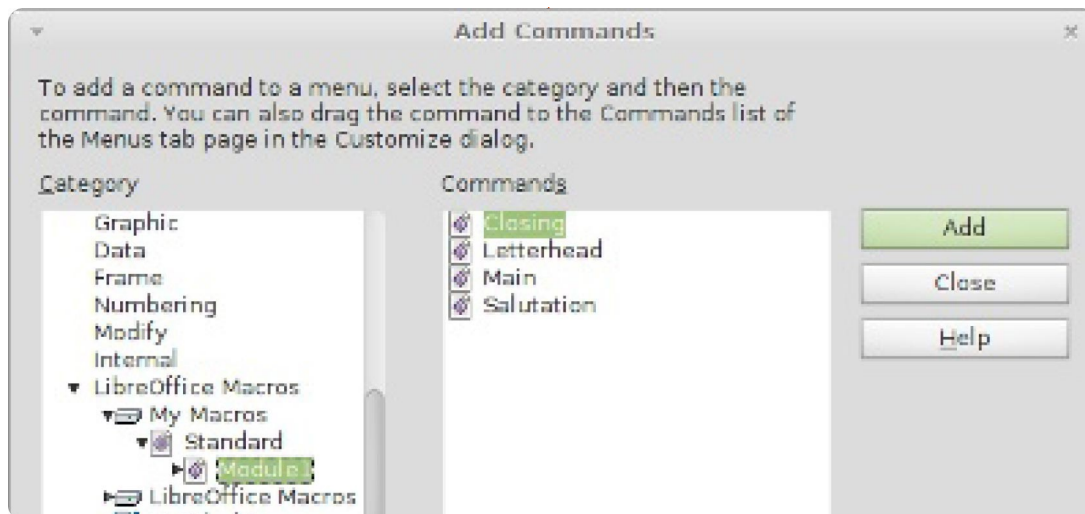
استفاده کنید تا منوی موردنظر را قبل از منوی Help درج کنید. پس از تأیید منوی موردنظر ساخته شده ولی هنوز خالی است. حالا دکمه Add را کلیک کرده و در لیست Categories گزینه LibreOffice Macros را انتخاب کنید و سعی کنید در ساختار درختی موجود ماکرویی که ساختید را بیابید. آنرا انتخاب کرده و دکمه Add را فشار دهید. ماکروی موردنظر به لیست اضافه می‌شود، کادر باز شده را ببندید و سپس در پنجره Customize دکمه OK را فشار دهید. حالا همانطور که می‌بینید منویی با نام Macros به منوها اضافه شده و ماکروی Closing تنها گزینه آن می‌باشد. از این پس هر وقت نیاز داشتید تا این ماکرو را اجرا کنید می‌توانید بجای مسیر قبلی، تنها همین گزینه جدید را کلیک کنید.

این مقدمه بسیار کوتاهی بر مبحث ماکروها بود. قبل از استفاده از ماکروها مطمئن شوید بهترین راه را برای انجام کارتان پیدا کرده اید.

البته برای بسیاری از کارهای تکراری، ماکروها ممکن است تنها راه حل موجود باشند. همانطور که گفته شد زبان اسکریپت نویسی با نام LibreOffice Basic وجود دارد که ممکن است در آینده بحث مفصلی راجع به آن داشته باشیم. همچنین می‌توانید ماکروهای مورد نظر خود را از اینترنت دانلود کرده و از آن‌ها در LibreOffice خود استفاده کنید. در شماره بعد مجدداً به Impress برمی‌گردیم و کار بر روی اسلایدها را ادامه خواهیم داد.



سابقه کاری و برنامه نویسی. المر پری مشارکت در Apple IIE, پروژه Amiga, متخصص در DOS و Windows و مقداری هم Unix و بخوبی در زمینه Linux و البته Ubuntu کار می‌کند.





راه های زیادی برای دسترسی و خواندن رایانامه (پست الکترونیک) وجود دارد. شما می توانید از web-mail استفاده کنید، مکانی که شما نامه هایتان را در یک صفحه اینترنتی که به سرویس دهنده شما تعلق دارد می خوانید، یا اینکه از یک برنامه ایمیل خوان مانند Thunderbird, Evolution یا هزاران برنامه دیگر بهره ببرید. بعضی اوقات با کمک چنین برنامه هایی می توانید بین حالت های POP و IMAP حالت مورد نظر خود را انتخاب کنید.

اما گاهی اوقات استفاده از یکی- از این موارد کافی نیست. راه های دیگری نیز وجود دارند؛ مانند سرور تبادل میکروسافت (چه کسه دیگری؟) با استفاده از OWA(Outlook) Web Access. این مورد فقط بوسیلهی

ماکروسافت استفاده می- شود به دلیل خوبی، بیایید مهربان باشیم، آن ها می- خواهند متفاوت باشند.

برای کسانی که از Evolution به عنوان یک برنامه ایمیل خوان استفاده می- کنند، خبر های خوشی دارم. Evolution دارای Evolution Connector Exchange است که می تواند با مخازن استاندارد نصب شود. اما برای کاربران Thunderbird و دیگر برنامه ها چنین راه راحتی وجود ندارد.

خوشبختانه DavMail به کمک ما می- آید. آخرین ورژن برای اوبونتو, دبیان و مینت (در تاریخ ۷/۱۰/۲۰۱۲)، ورژن ۳.۹.۹ است. شما می- توانید با مراجعه به آدرس <http://davmail.sourceforge.net> اطلاعات

بیشتری در مورد این نرم افزار کسب کنید و آن را بارگیری کنید.

بعد از نصب و اجرای برنامه شما با پنجره تنظیمات مواجه می- شوید(شکل زیر). در اینجا تنها چند چیز وجود دارد که شما باید آن ها را تنظیم کنید.

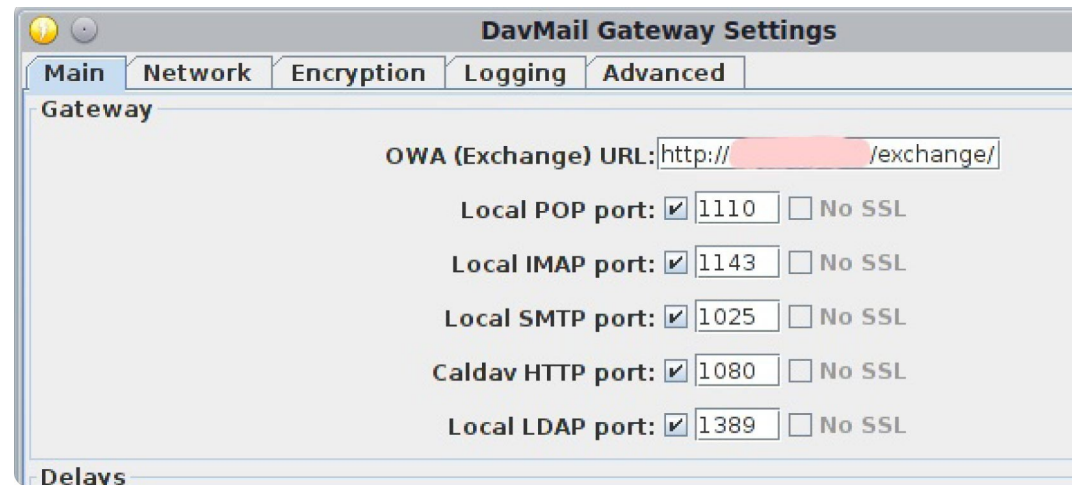
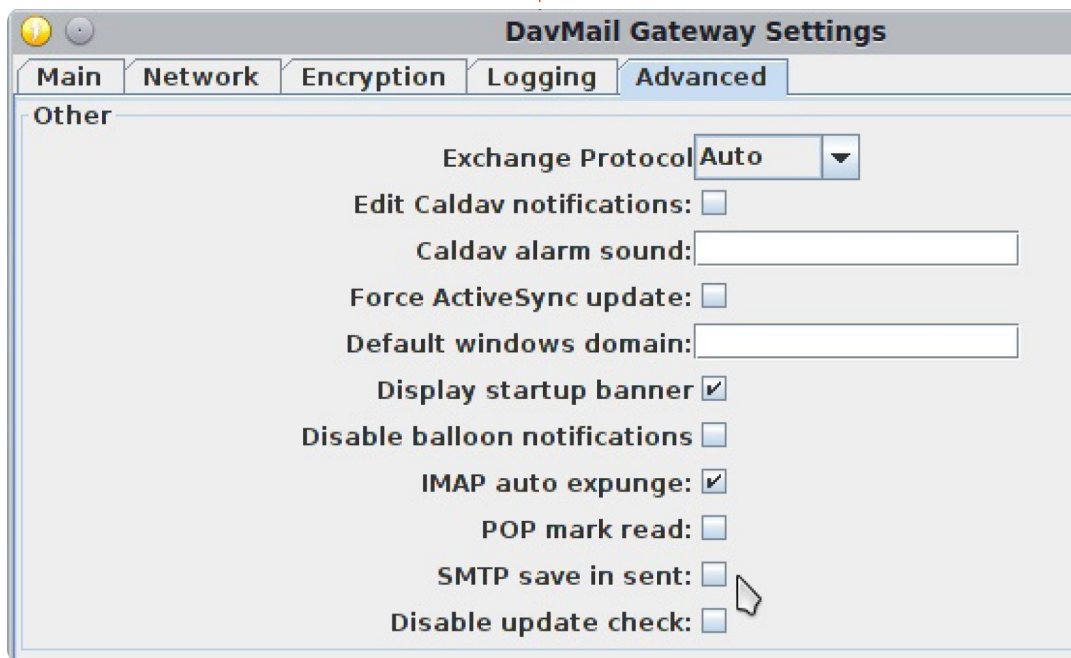
در زبانه Main, تنها آیتم OWA URL است. من آدرس خودم را مخفی کردم تا از مشکلات بعدی در امان باشم. چیزی که شما می توانید ببینید /exchange/ است

برای سروری که من استفاده می کنم این

عمل الزامی است. هیچ نظری نمیتوان داد که که این تنظیمات برای سرور دیگر نیز کار میکند یا نه.

در آخرین زبانه, با اسم Advanced, یک گزینه بسیار مهم وجود دارد (تصویر زیر). کنار کرسر موس در اسکرین شات یک گزینه وجود دارد که شما باید تیک آن را بردارید در غیر این صورت شما باید تا ابد شاهد دو ایمیل ارسال شده در پوشه ارسال شده ها باشید.

من هیچ گزینه دیگری را تغییر ندادم و نرم افزار به خوبی کار کرد.



در ایمیل خوان شما (در اینجا من از Thunderbird استفاده می‌کنم و حدس می‌زنم دیگر برنامه‌ها هم تنظیماتی مثل این دارند)، من باید تنظیمات را اینگونه کنم:

وقتی که اطلاعات مربوط به اکانت را تنظیم کردید، شما شروع به انتخاب تنظیمات IMAP Mail server کنید. اسم سرور را localhost تنظیم کنید. در اینجا اسم واقعی

سرور ایمیل خود را ننویسید. این کار توسط DavMail انجام شده است.

دوتا وصل هستند به وسیله پورت 1143. وقتی شما به اولین اسکرین شات DavMail نگاه می‌کنید، شما پورت 1143 را هم می‌بینید که برای IMAP استفاده شده. اعداد که اینجا می‌بینید از اعداد واقعی هزار تا بیستتراند (1143:-143 به 1025:-25 به 110:-1).

به عنوان نام کاربری من باید از دامنه/نام کاربری استفاده کنم و این مورد را می‌توانید از افراد متخصص به IT محلی خود پرسید. در شرکتی که من در آن کار می‌کنم این گونه است.

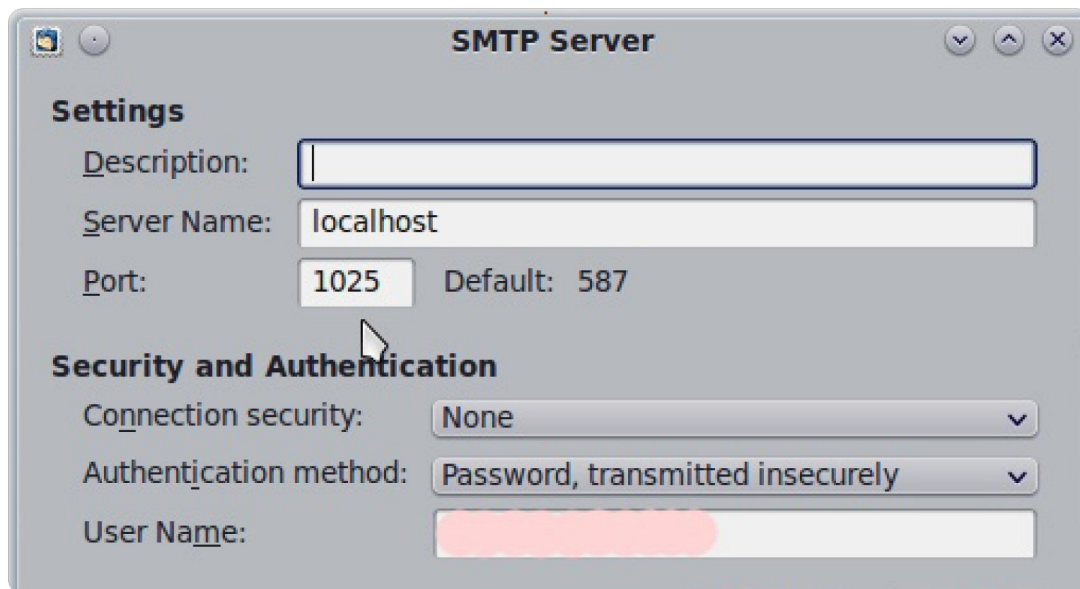
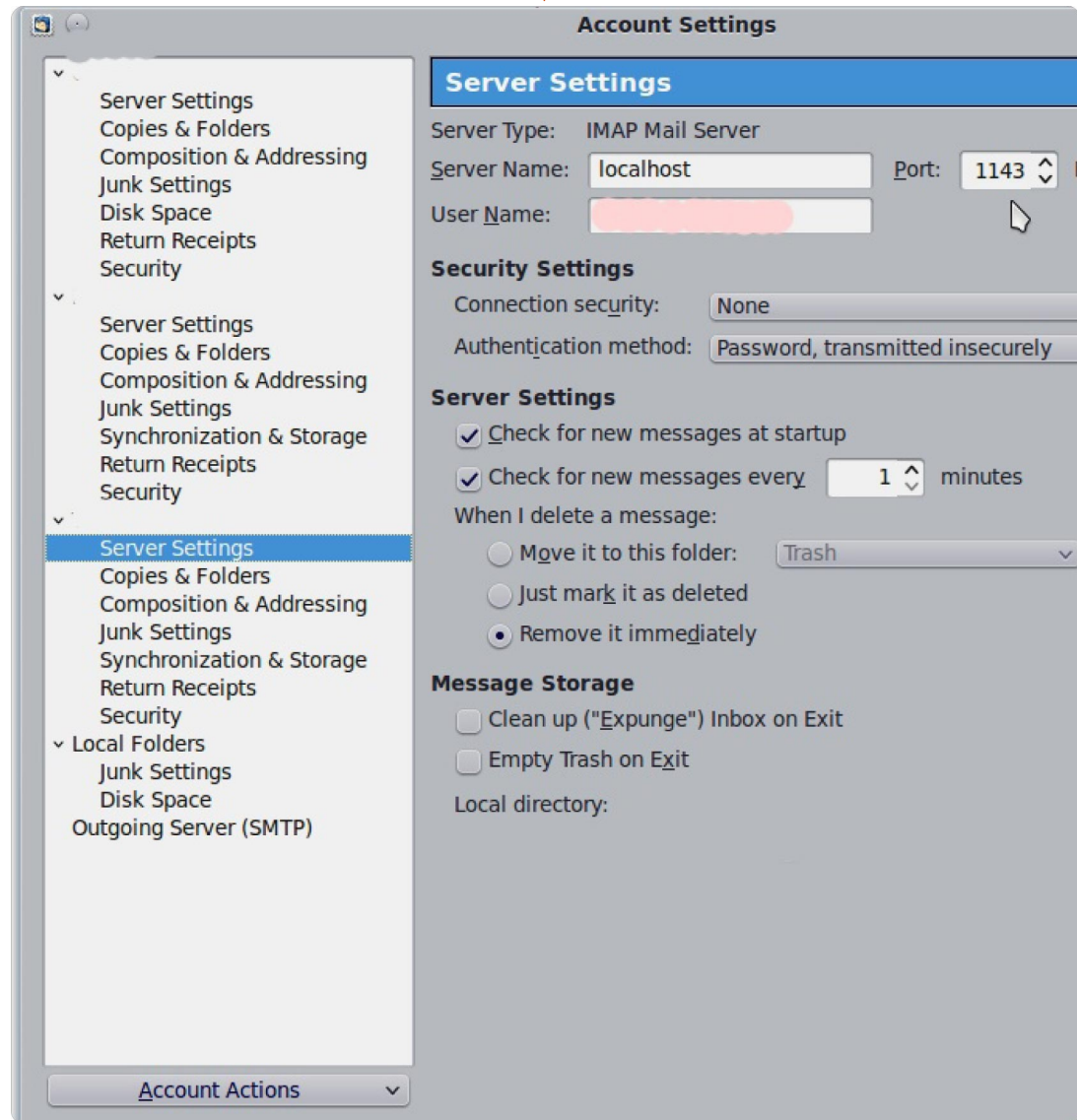
با استفاده از تنظیماتی که در زیر به آن اشاره شده یک سرور STMP جدید تنظیم

اینجا هم شما شاهد تغییر پورت (1025) هستید و من دوباره باید دامنه/نام کاربری خود را در فیلد نام کاربری استفاده کنم.

تمام شد. وقتی DavMail را به اینصورت تنظیم کردید، پس از چند دقیقه شما باید نامه‌های شرکت خود را ببینید.

سوال باقی مانده: آیا شما می‌خواهید این پیام‌ها را در خانه ببینید؟ این چیزی است که شما باید برای خودتان جواب دهید.

برای اینکه مطمئن شوید هر وقت نیاز دارید DavMail همیشه اجرا شود، آن را به لیست برنامه‌های startup اضافه کنید.





چطور انجامش بدم

نوشته رونی تاکر / برگردان پارسی از حامد سپهری کیا

ویرایش ویدئو با Kdenlive - بخش اول

تو این آموزش میخوام بهتون نحوه ویرایش ویدئو با نرم افزار دسکتاپ KDE یعنی Kdenlive رو یاد بدم. خیلیها فکر میکنند که نرم افزار خوبی برای ویرایش ویدئو در لینوکس وجود نداره، اما (فکر میکنم) Kdenlive اثبات میکنه که اونها در اشتباهن.

Kdenlive تو ریپوزیتوری های رسمی وجود داره اما الان قدیمیه و من بهتون پیشنهاد میکنم که آخرین ورژن اون رو نصب کنید (در حال حاضر آخرین نسخه، نسخه ۰.۹ هست). برای نصب سافتورسنتر/پکیج منیجر رو باز کنید و این PPA رو به سافتور سورس اضافه کنید:

```
ppa:sunab/kdenlive-release
```

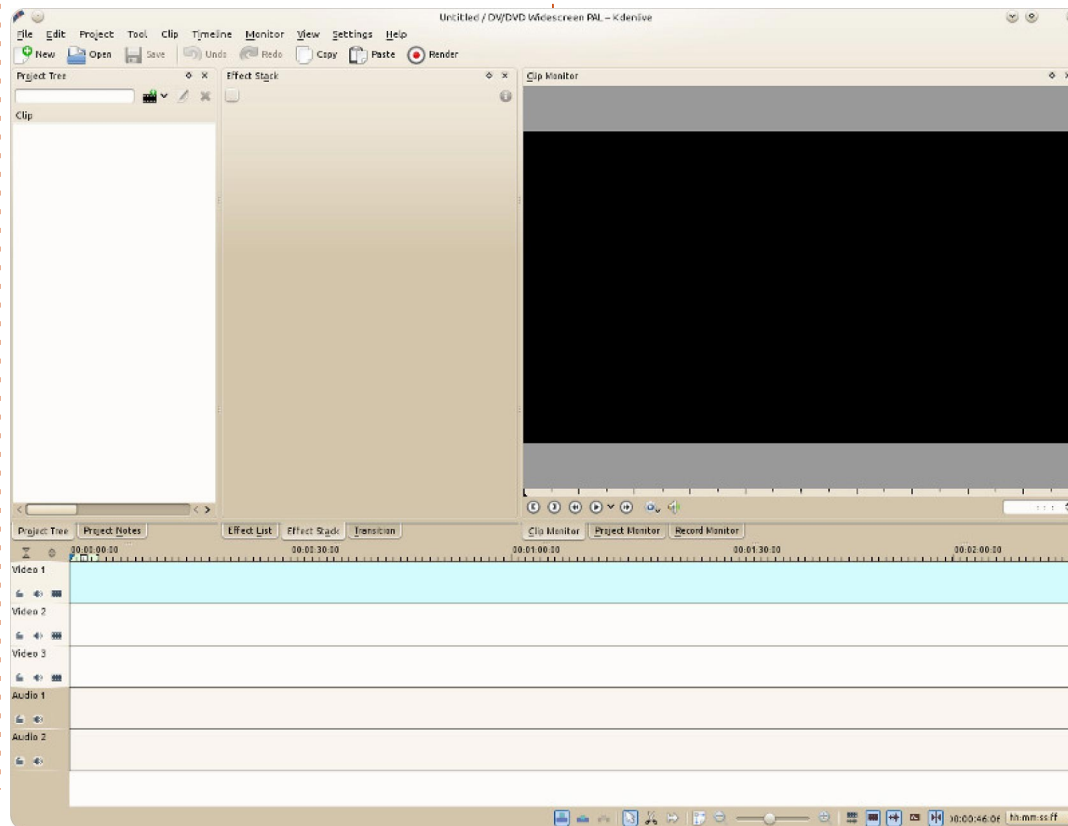
سافتو سنتر/پکیج منیجر رو آپدیت کنید و بعد از اون Kdenlive رو نصب کنید.

اگر هم ترمینال رو ترجیح میدین از این دستورات استفاده کنید:

```
sudo add-apt-repository
ppa:sunab/kdenlive-release &&
sudo apt-get update && sudo
apt-get install kdenlive
```

این هم Kdenlive وقتی برای اولین بار بازش میکنین:

سمت چپ صفحه جایی هست که تمام کلیهاتون قرار میگیرن. هر کلیپی که احتمالش هست شما در پروژه فعلیتون استفاده کنید اینجا بارگزاری میشه. در وسط صفحه هم افکتها همراه با تنظیماتشون قرار دارن. سمت راست بالا هم مکان مانتیور هست. اینجا جایی هست که شما کلیپتون رو نگاه میکنین یا پروژتون رو نمایش میدین. نیمه بالا در یکی از ترکهای صدا یا ویدئو بکشید تا



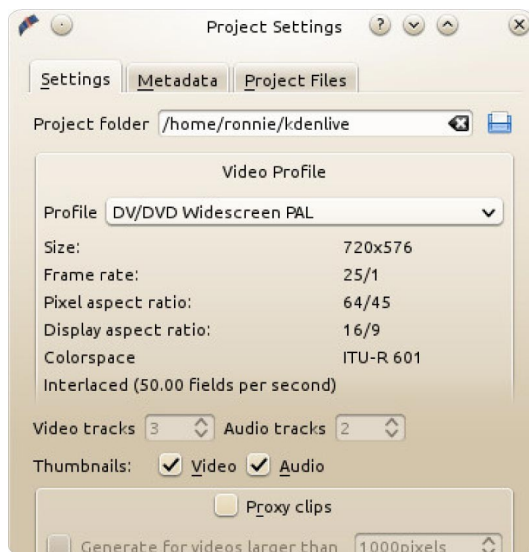
پایینی صفحه سه ویدئو ترک داره (نوارهای افقی) به همراه دو ترک صدا. در پایین صفحه سمت راست چند ابزار کنترلی قرار دارن اما اونیه که شما استفاده خواهید کرد اسلایدر هست برای بزرگنمایی یا کوچکتر کردن پیشنهاد میکنم.

اساسا شما باید کلیپتون رو از سمت چپ بالا در یکی از ترکهای صدا یا ویدئو بکشید تا

بتونین اونها به اون شکلی که میخواین مرتب کنید. چیزهایی بیشتری از مرتب کردن هستن، اما ما در قسمت های بعدی به سراغشون میریم. بیاین یک پروژه کوچیک رو انجام بدین تا با Kdenlive کار کرده باشیم.

اولین چیزی که باید ازش اطمینان حاصل کنیم اینه که پروژه جدیدمون (که در حال حاضر باز هست) اندازهش به درستی تنظیم شده و غیره. پس در منوی Kdenlive روی Project>Project Settings کلیک میکنیم.

Kdenlive به همراه پروفایلهایی ارائه میشه که میتونین در زیر منو Video Profile



بینیدشون. این پروفایلها مجموعه ای از تنظیمات هستن که وقتی در حال ساختن DVD، (S)VCD و... میتونین ازشون استفاده کنین. من اینجا فقط دارم آموزش میدم پس گزینه DV/DVD PAL رو انتخاب میکنم. شما هم میتونین پروفایلی که برای کارتون بهتر هست رو انتخاب کنین. وقتی که شما یک پروفایل رو انتخاب میکنین اطلاعات مربوط به اون پروفایل مثل اندازه به شما نشون داده میشه. روی OK کلیک کنین تا به پنجره اصلی برگردیم.

حالا در منوها به بخش Project>Add Clip برین و هر تعداد کلیپ رو که میخواین در پروژتون استفاده کنین انتخاب کنین.

شما باید یک پنجره ببینین که به شما میگه اندازه بعضی از کلیپها برای پروژتون مناسب نیست. اگر کلیپ هاتون کوچیکن بزرگتر میشن و تعداد فریم هم تنظیم میشه. این در آینده میتونه باعث بوجود اومدن مشکل بشه

اما برای حالا روی OK کلیک میکنم. حالا زمان مناسبه تا به منوها بریم و روی File>Save کلیک کنیم و به به پروژمون یک اسم اختصاص بدیم.

من در اینجا دو کلیپ دارم که هر دو صدا هم دارند. کاری که من انجام میدم اینه که ویدئو اول رو به ترک 1 میکشم و ویدئو دوم رو هم به ترک 2 میکشم اما در ادامه کلیپ اول قرار میدمش.

اگر روی timeline کلیک کنین (درست بالای ترک 1 Video) شما قادرین تا بین ویدئوهاتون حرکت کنین. یا اگه دوست دارین میتونین با کلیک روی دکمه play در زیر ماینیور ویدئوتون رو تماشا کنین. خط منحنی که زیر هر ویدئو هست در ویدئو ترک، میزان صدای هر کلیپ رو به شما نمایش میده.

داشتن ویدئویی که ناگهان بعد از یک

ویدئو دیگه شروع میشه همیشه خوشایند نیست، ما قبلا این مشکل رو حل کردیم، بیاین یک افکت ناپدید شدن سریع بذاریم تا ویدئو اول ناپدید بشه و ویدئو دوم نمایش داده بشه.

خیله خب، روی پیشنمایش که روی ویدئو ترکها هست زوم کنین. با استفاده از اسلایدر که در سمت چپ پایین قرار داره یا دکمه‌های + و - رو استفاده کنین.

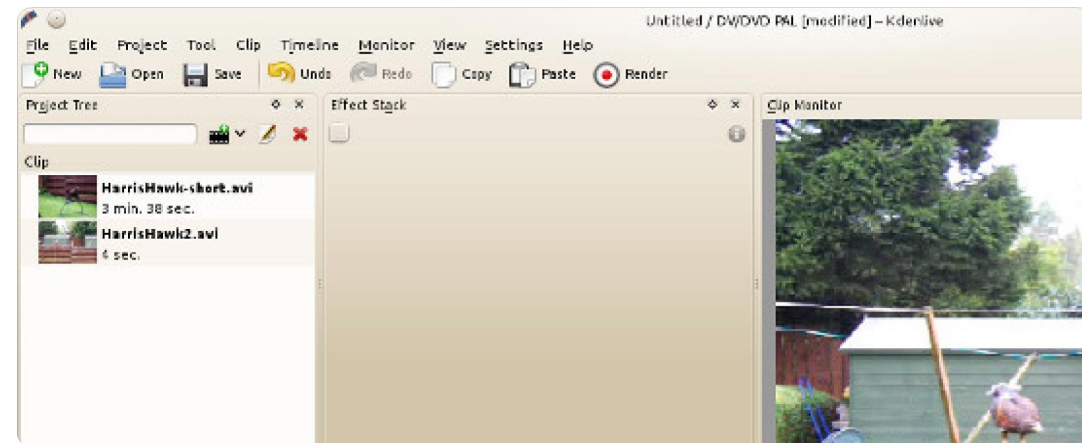
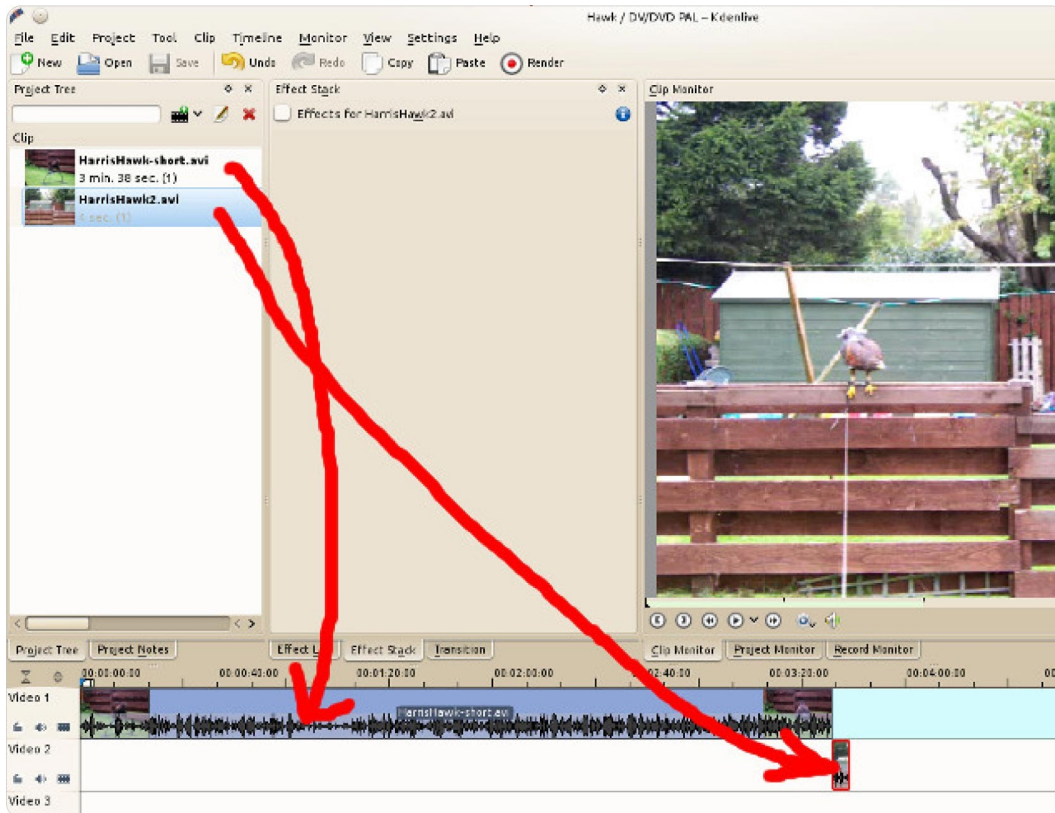
کاری که ما باید الان انجام بدیم اینه که دو ترک رو هم قرار بدیم. مقدار قرارگیری

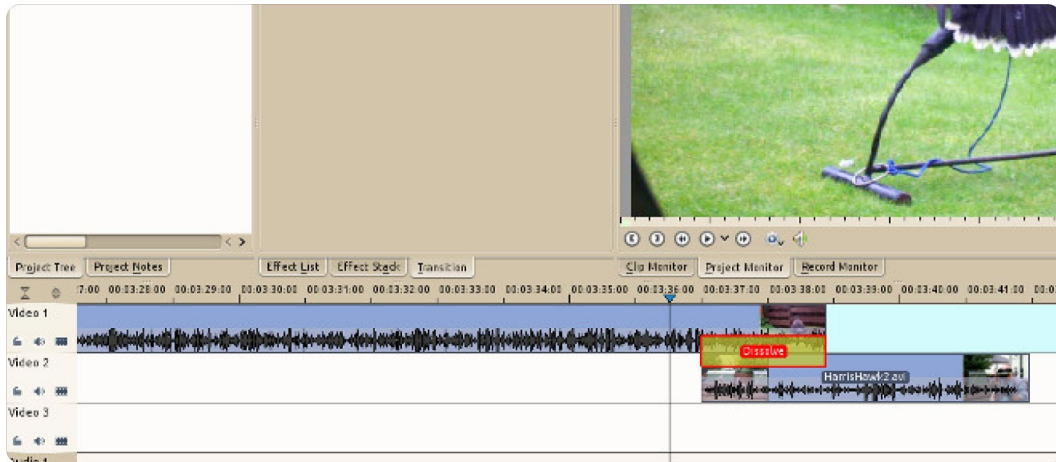
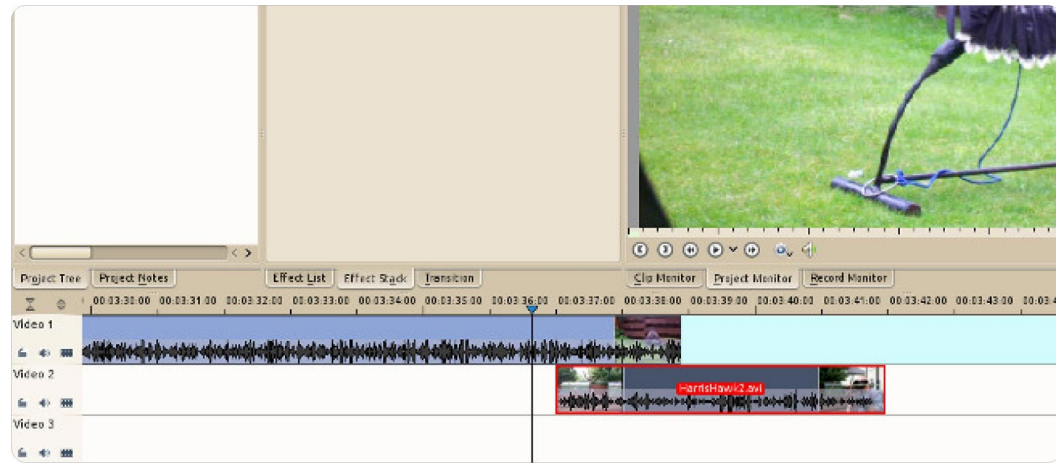
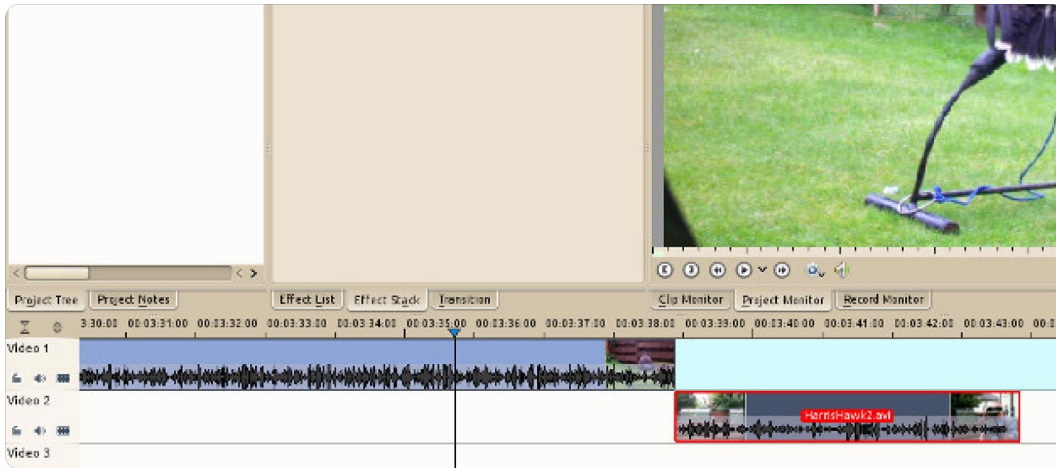
دو ترک روی هم طول مدت افکت رو مشخص میکنه.

روی ویدئو ۱ راست کنین و Add Transition>Dissolve رو انتخاب کنین. شما حالا یک باکس میبینین که روی هر دو ترک قرار داره. روش کلیک کنین و بعدش شما تعدادی ویژگی میبینین که در کنار لیست کلیپهاتون نمایش داده میشه.

در لیست ویژگی‌ها گزینه Reverse رو علامتدار کنین.

روی ویدئوها بکشینش (روش کلیک کنین





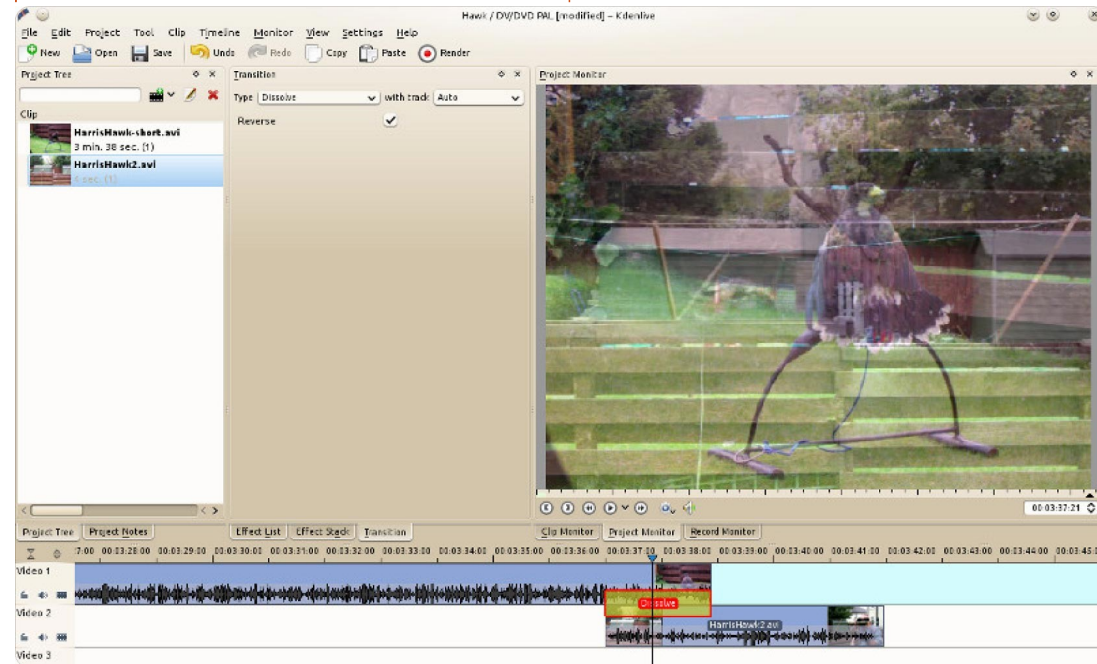
و روی timeline بکشیدش) یا ویدئو رو شروع کنید و شما افکت ناپدید شدن از ویدئو ۱ به ویدئو ۲ رو میبینین.

برای تولید ویدئو نهایی -همراه با کلیپ‌ها تون و افکت‌ها- به مسیر Project>Render برید.



رونی، مؤسس و سردبیر مجله حلقه کامل و همینطور عضو رسمی اوپونتو هست. رونی درکنار این کارها، هنرمند نیمه وقت هم بوده که میتونید آثارش رو در سایت: <http://ronnietucker.co.uk> ببینید.

در پنل سمت چپ شما نوع ویدئوی خروجی رو انتخاب میکنین و در سمت راست اندازه ویدئو و بقیه تنظیمات رو تنظیم میکنین. بالای مکانی که برای وارد کردن اسم فایل هست گزینه‌های دیگه‌ای رو میبینیم که تغییرشون نمیدیم. روی گزینه Render to File کلیک کنین و منتظر بمونین تا ویدئو آماده بشه.





چطور انجامش بدم

نوشته مارک کراچ / برگردان پارسی از محمد ویسی

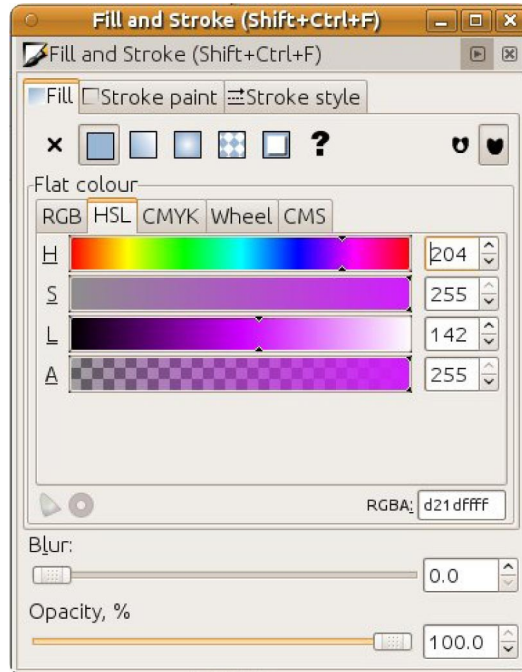
Inkscape - بخش چهارم

- Size >
- Width >
- Wrap
- Auto
- WebSafe22
- Ubuntu
- Blues
- Gray
- LaTeX Beamer
- Windows XP icons
- Echo Icon Theme Palette
- SVG
- WebHex
- Khaki
- Reds
- Greens
- MATLAB Jet (72)
- Hilite
- Inkscape default
- Gold
- Royal
- Tango icons
- Topographic

پنجره آن را از محل خود جدا کرده و در صفحه جابجا کنید.

در بالای این کادر سه زبانه وجود دارد که از آن‌ها می‌توانید برای انجام تنظیمات رنگ داخل شی (Fill)، رنگ لبه‌های شی (Stroke Paint) و یا الگوی لبه‌های یک شی (Stroke Style) استفاده کنید. دو گزینه اول ساختار یکسانی دارند، بنابراین فقط گزینه اول (Fill) را بررسی کرده و مقایسه گزینه دوم با آنرا به عهده خودتان می‌گذاریم.

بلافاصله پس از زبانه‌ها، دکمه‌های متعددی قرار گرفته‌اند که از طریق آن‌ها می‌توانید مشخص کنید داخل و لبه‌های شی چگونه رنگ‌آمیزی



بصورت یک‌جا ببینید (حتی اگر فضای عمودی بیشتری را اشغال کند) یا اینکه مطابق حالت پیش‌فرض از نوار لغزان برای دسترسی به رنگ‌های بیشتر استفاده کنید.

اگر می‌خواهید از پالت رنگ شخصی خود استفاده کنید (ممکن است مجبور به استفاده از رنگ‌های سازمانی باشید یا اینکه رنگ طرحتان را با مجموعه آیکن‌های یک اپلیکیشن هماهنگ کنید) می‌توانید فایل پالت رنگی که در gimp استفاده می‌کنید (با پسوند gpl) را در مسیر «inkscape/palettes» و یا در صورتی که می‌خواهید برای همه کاربران در دسترس باشد در مسیر «usr/share/inkscape/palettes» قرار دهید.

استفاده از پالت رنگ گزینه بسیار خوبی برای اعمال رنگ به داخل یک شی یا لبه‌های آن است. اما اگر بخواهید از رنگی استفاده کنید که در پالت رنگ قرار ندارد چطور؟ اینجاست که می‌توانید از کادر رسیدن به این کادر وجود دارد: استفاده از دکمه ای که در نوار ابزار فرامین (Commands Toolbar) قرار دارد، انتخاب یک شی سپس کلیک راست بر روی آن و انتخاب گزینه Fill and Stroke، فشردن همزمان کلیدهای CTRL-SHIFT-F یا براحتی با کلیک بر روی نمایشگر Fill یا Stroke که در گوشه پایین سمت چپ صفحه قرار دارد. (منهتی الیه سمت چپ پایین پالت رنگ) ممکن است این کادر را به گوشه سمت راست صفحه بچسبانید (dock) یا با استفاده از نوار خاکستری رنگ بالای



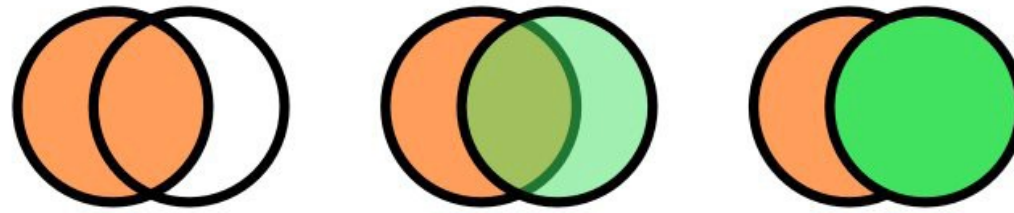
برای این ماه، در نظر داریم تا تنظیمات رنگ آمیزی اشیاء را بررسی کنیم. تاکنون توانستیم رنگ داخل یک شی را با کلیک کردن، و همچنین رنگ لبه‌های شی را با استفاده از کلید تبدیل و کلیک (SHIFT-CLICK) بر روی رنگ مورد نظر از پالت رنگی که در پایین صفحه قرار دارد انتخاب کنیم. همچنین دیدیم که برای اعمال حالت «بدون رنگ» (Transparent) بعنوان رنگ داخل یا لبه شی، می‌توانیم از آخرین رنگ موجود در منتهی الیه سمت چپ پالت رنگ (که با علامت ضربدر مشخص شده است) استفاده کنیم. همچنین احتمالاً تا کنون از نوار لغزان افقی که معمولاً بین پالت رنگ و نوار وضعیت قرار دارد و برای دسترسی به مجموعه کاملی از رنگ‌ها بکار می‌رود استفاده کرده‌اید، اما آیا تا کنون متوجه دکمه کوچکی که در منتهی الیه سمت راست پالت رنگ قرار دارد شده‌اید؟ این دکمه شبیه علامت «<» است و کلیک بر روی آن منوی بازشویی را به شما نشان خواهد داد که از طریق آن می‌توانید پالت‌های رنگ دیگری را نیز تجربه کنید.

بخش عمده‌ای از این منو را گزینه‌های مختلفی دربرگرفته‌اند که می‌توانید از آن‌ها بعنوان پالت رنگ استفاده کنید. چند تا از آن‌ها را امتحان کنید تا ببینید چگونه به نظر می‌آیند. سپس از گزینه‌های موجود در زیرمنوهای Size و Width استفاده کنید تا ظاهر پالت رنگ را به شکلی که برایتان مناسب است درآورید. و در نهایت از گزینه Wrap استفاده کنید تا ببینید کدام یک برای شما مناسب‌تر است. اینکه همه رنگ‌های پالت رنگ

شوند. اولین دکمه از سمت چپ گزینه «بدون رنگ» (No Paint) است که شبیه یک علامت ضربدر است و انتخاب آن همان نتیجه‌ای را خواهد داد که انتخاب این گزینه از منتهی الیه سمت چپ پالت رنگ بدست می‌دهد. اگر رنگ داخل و لبه یک شی را بصورت No Paint تعیین کنید، شی مورد نظر کاملاً نامرئی خواهد شد.

گزینه دوم به شما امکان می‌دهد تا تنها از یک رنگ بعنوان رنگ داخل یا لبه شی استفاده کنید. در حقیقت این مثل همان انتخاب رنگ از پالت خواهد بود، با این تفاوت که در اینجا شما مانور بهتری روی رنگی که انتخاب می‌کنید خواهید داشت. در این حالت زبانه‌های متفاوتی در ذیل مشاهده می‌شوند که راه‌های مختلفی برای انتخاب رنگ را برای شما فراهم می‌کنند. توجه داشته باشید: حتی در صورت استفاده از مدل رنگ‌های HSL یا CMYK، نرم‌افزار Inkscape رنگ‌های انتخابی شما را به صورت RGB (سه رنگ اصلی قرمز، سبز، آبی) ذخیره می‌کند. این یکی از دلایلی است که نرم‌افزار inkscape توسط فرمت SVG محدود شده است (SVG فرمت ذخیره سازی پیش‌فرض inkscape است که علیرغم قابلیت جابجایی بسیار مناسب (portability) تنها از مدل رنگی RGB حمایت می‌کند و مشکل همین جاست!) از زبانه CMS تنها زمانی استفاده می‌شود که شما تنظیمات یک سیستم مدیریت رنگ را بر روی کامپیوتر خود انجام بدهید، که از حوصله بحث در اینجا خارج است.

هر کدام از مدل‌های رنگ را انتخاب کنید، یک نوار لغزان که با برچسب A مشخص شده است در زیر گزینه‌ها وجود خواهد داشت. از این نوار لغزان برای تنظیمات کانال آلفا (Alpha Channel)



که همان میزان شفافیت (میزان مرئی بودن رنگ) است استفاده می‌شود. هر اندازه آن را به سمت چپ انتقال دهید، رنگ داخل شی یا لبه آن نامرئی تر خواهد شد و هر اندازه آنرا به سمت راست متمایل کنید، رنگ انتخاب شده بیشتر نمایان می‌شود. در حالت بینابین، رنگ مورد نظر به صورت شفاف در خواهد آمد. تصویر بالا دو شی با لبه‌های کاملاً پررنگ را در سه حالت مختلف نشان می‌دهد. در حالت اول از سمت چپ، مقدار آلفای رنگ داخل (Fill) شی ای که بالاتر از دیگری قرار گرفته برابر با صفر است (کاملاً نامرئی)، در حالت دوم مقدار آلفا برابر ۱۲۸ است (نیمه شفاف) و در حالت سوم مقدار آلفا برابر با بیشترین مقدار یعنی ۲۵۵ شده است. (با غلظت کامل)

همانند انتخاب حالت «بدون رنگ» (No Paint)، انتخاب مقدار آلفای صفر برای Fill و Stroke مجدداً شی را بطور کامل نامرئی خواهد کرد. اگر مقدار آلفا را بصورت بینابین تنظیم کنید، نمایشگر رنگ شی (که در گوشه پایین سمت چپ پنجره اصلی، زیر پالت رنگ) قرار دارد برای هر دو مقدار Fill و Stroke به صورت دو قسمتی ظاهر خواهد شد: قسمت سمت چپ، رنگ انتخاب شده را در حالی نشان می‌دهد که مقدار آلفا به آن اعمال شده است (افکت صفحه شطرنجی کمک می‌کند که این شفافیت ملموس‌تر

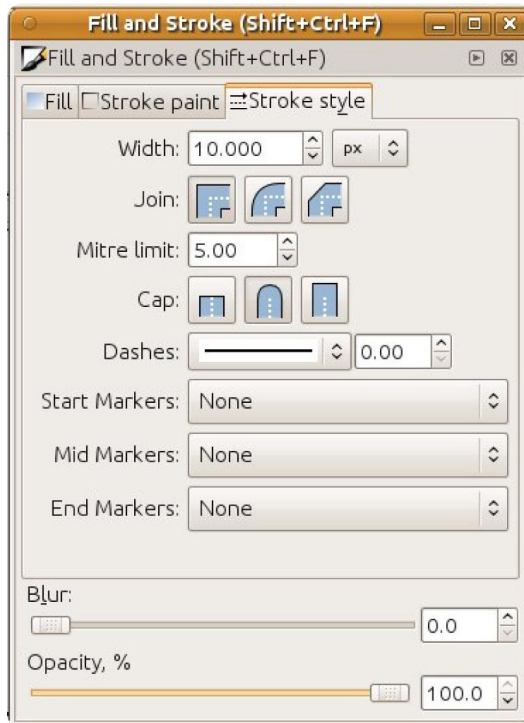
گزینه Unset Paint (آخرین دکمه که بشکل علامت سؤال مشخص شده است) و همچنین دو گزینه ای که در منتهی الیه سمت راست قرار گرفته‌اند صحبت خواهیم کرد.

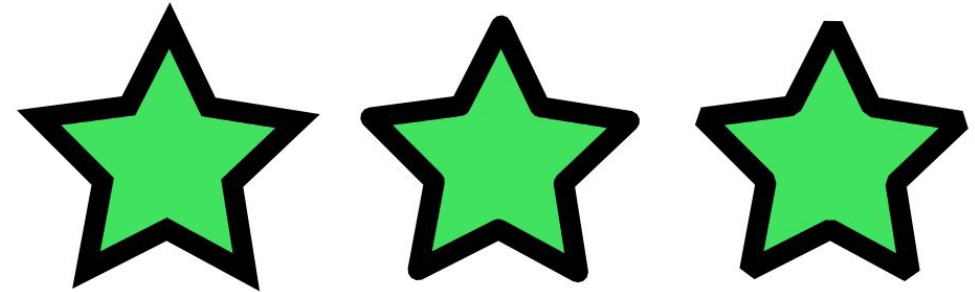
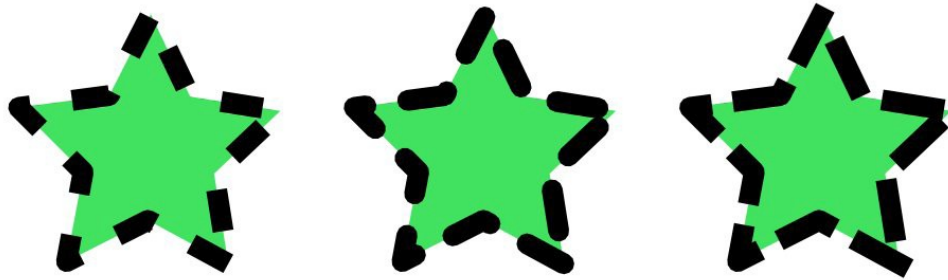
سومین زبانه از کادر Fill and Stroke، زبانه Stroke Style است. دیدیم که با استفاده از زبانه Stroke Paint می‌توانیم رنگ لبه‌های شی را تعیین کنیم، اما سایر تنظیمات مربوط به لبه‌ها در این زبانه جدید قرار گرفته است. اکثر تنظیمات را می‌توان از طریق همین زبانه انجام داد، بنابراین به توضیح گزینه‌های موجود در آن خواهیم پرداخت. در بالای کادر گزینه ای برای تعیین ضخامت لبه‌های شی قرار دارد، بعلاوه می‌توانید از لیست بازشوی کناری، نوع واحد مورد نظر را هم انتخاب کنید. هر چند این تنظیمات با کلیک

شود) و قسمت سمت راست رنگ را بدون در نظر گرفتن مقدار آلفا و با غلظت کامل نمایش می‌دهد. با استفاده از منوی بازشویی که با کلیک راست بر روی این نمایشگرهای رنگی در اختیار دارید می‌توانید حالات مختلف شفافیت رنگ را برای داخل یا لبه‌های یک شی انتخاب کنید.

سومین و چهارمین دکمه از کادر Fill and Stroke به شما امکان می‌دهد تا یک طیف رنگی (Gradient) را بعنوان رنگ داخل یا لبه شی برگزینید. مبحث طیف‌های رنگی را در مطلب ماه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد، بنابراین فعلاً از صحبت در مورد آن خودداری می‌کنیم.

گزینه بعدی به شما امکان می‌دهد تا از یک الگو (Pattern) بعنوان رنگ شی یا لبه‌ها استفاده کنید. اگر منوی بازشوی موجود در این گزینه را بررسی کنید، می‌بینید که inkscape الگوهای مختلف راه‌راه یا نقطه‌نقطه‌ای را در لیست قرار داده است. اکثر این الگوها تک رنگ (یک بیت عمق یا mono) هستند، بجز الگوی Camouflage که رنگی است و سه الگوی نقشه بی‌سیاه و سفید (۸ بیت عمق یا grayscale) که در پایین لیست قرار دارند. همچنین این امکان فراهم شده است تا الگوی مورد نظر خود را ایجاد کنید یا اندازه و مقیاس الگوهای موجود را تغییر دهید، که البته در فرصت دیگری در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد. همچنین بزودی در مورد





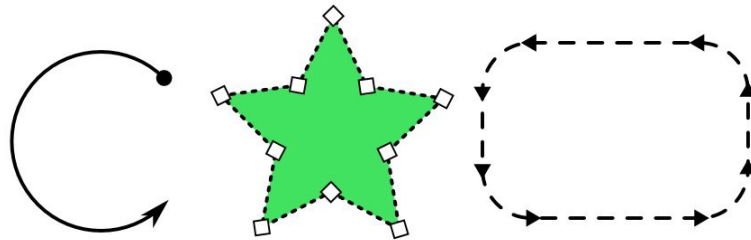
نظراتان را تعیین نمایید. گزینه های Cap که قبلاً در مورد آن‌ها صحبت کردیم، وقتی که از لبه های منقطع استفاده کنیم بیشتر خودشان را نشان می‌دهند. شکل زیر، ستاره ای که ترسیم کرده بودیم را اینبار با یک لبه منقطع ضخیم و با استفاده از Cap های متفاوت نشان می‌دهد.

سه گزینه دیگری که در ادامه وجود دارند (یعنی Start, Mid, End Markers) به شما اجازه می‌دهند تا از طرح های مختلفی نظیر علامت پیکان، دایره، مربع یا هر طرح دیگری بعنوان علامت بر روی لبه شی استفاده کنید. البته کاملاً مشخص است که گزینه های Start Markers و End Markers بر روی شی ای که لبه هایش بسته نیست (مانند یک کمان) باعث می‌شوند تا علائم مورد نظر به ابتدا یا انتهای آن اضافه شوند. اما برای شکل‌هایی که لبه های بسته و پیوسته دارند احتمالاً فقط از یکی از آن‌ها استفاده خواهید کرد. همچنین Mid Markers باعث می‌شود تا علائم بر روی لبه های شی- و در نقاط عطف ظاهر شوند. شکل پایین، سه مثال مختلف را برای استفاده از طرح های منقطع و علامت ها نشان می‌دهد.

فقط در نظر داشته باشید که بصورت پیش فرض، جدا از رنگی که برای لبه های شی استفاده کرده اید، علائمی که روی لبه ظاهر می‌شوند،

را انتخاب کنید، انتهای لبه به صورت گوشه گرد ترسیم می‌شود. دو گزینه دیگر یعنی Butt Cap و Square Cap باعث می‌شوند انتهای لبه ها بشکل چهارگوش رسم شود، اما تفاوت شان در این است که Butt Cap ترسیم لبه را دقیقاً در جایی که حاشیه شی- تمام می‌شود خاتمه می‌دهد اما Square Cap به اندازه ضخامت لبه به انتهای آن می‌افزاید، یعنی تفاوت اصلی شان در محلی است که ترسیم انتهای لبه را خاتمه می‌دهند.

لبه یک شی حتماً نباید یک خط پیوسته باشد و می‌توانید از الگوهای منقطع متفاوتی بعنوان لبه استفاده کنید. هر کسی- که رسم فنی- را تجربه کرده باشد با الگوهای مختلف رسم لبه اشیا، مثل حالت کوک زده یا الگوهایی نظیر dash-dot-dash آشنایی دارد. با استفاده از از گزینه Dashes می‌توانید الگوی منقطع مورد نظر خود را از بین لیستی که inkscape در اختیارتان می‌گذارد انتخاب کنید. همچنین کادر کناری به شما امکان می‌دهد تا محل شروع (offset) الگوی مورد



هم می‌رسند!)، inkscape به طور اتوماتیک حالت بریده شده (Bevel Join) را برای آن گوشه در نظر خواهد گرفت. اگر میخواهید مشخص کنید که حداکثر تا چه فاصله‌ای عمل برش خودکار انجام نشود، می‌توانید از گزینه Miter Limit استفاده کنید و عدد مورد نظر را (نهایتاً تا ۱۰۰) برای آن تعیین کنید.

گزینه هایی که در ادامه قرار دارند و با عنوان Cap مشخص شده اند، به شما کمک می‌کنند تا تعیین کنید انتهای خطوطی که رسم می‌کنید به چه صورت ظاهر شوند. اکثر شکل‌هایی که رسم می‌کنید دارای لبه هایی پیوسته و البته بسته اند. بطوری که نمی‌توان ابتدا و انتهایی برای لبه ها قائل شد. اما اگر هنگام ترسیم یک دایره یا بیضی- از دستگیره (Handle) هایی که پس از ترسیم در اختیارتان قرار داده می‌شود استفاده کنید، می‌توانید بیضی تان را به یک کمان تبدیل کنید که لبه هایش ابتدا و انتهای مشخصی- خواهند داشت. اگر گزینه وسطی (Round Cap)

راست بر روی نوار وضعیت (سمت راست نمایشگر رنگ لبه، که با یک عدد نشان داده می‌شود) هم در دسترس هستند، اما اینجا قدرت مانور بیشتری برای انتخاب واحدها و تعیین ضخامت خواهید داشت. توجه داشته باشید که فرمت SVG در حال حاضر به شما اجازه می‌دهد تا لبه های یک شی را تنها به صورت متقارن تعیین کنید؛ یعنی نیمی از ضخامت هر لبه، فضای داخلی شی را اشغال می‌کند و نیمی دیگر فضای خارجی شی را و البته مشخص است که نیمه داخلی- لبه، فضای رنگ داخلی شی- (Fill) را هم می‌پوشاند. کسانی که به تازگی با inkscape آشنا شده‌اند همیشه از این موضوع متعجب هستند!

در ادامه گزینه ها، سه دکمه رادیویی با عنوان Join قرار گرفته اند. با استفاده از این گزینه ها می‌توانید تعیین کنید گوشه‌های هر لبه به چه شکل ظاهر شوند: نوک تیز (Miter Join)، گوشه گرد (Round Join) و یا بریده شده (Bevel Join). برای اینکه تفاوت این گزینه ها را ببینید می‌توانید از یک شکل ستاره استفاده کنید و سپس گزینه های مختلف را روی آن امتحان کنید.

اگر یکی از گوشه‌های یک شی خیلی تیز باشد، به نحوی که ایجاد لبه نوک تیز برای آن حتی منجر به رسیدن دو سوی لبه در فاصله خیلی دور به هم شود (در مورد یک خط راست، در بی- نهایت به

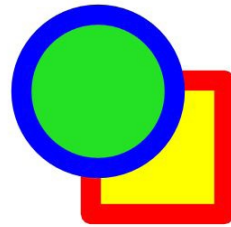
تنها به رنگ مشکی ظاهر می شوند. این مسأله به فرمت ذخیره سازی SVG برمیگردد. البته خوشبختانه inkscape افزونه هایی دارد که مشکلاتی از این دست را مرتفع می کنند و در نهایت می توانیم عملیات مورد نظر خود را با استفاده از میانبرهای دیگر به انجام برسانیم! مثلاً در این مورد خاص کافیتست ابتدا شیء مورد نظر که علایم روی لبه هاش به رنگ مشکی ظاهر شده اند را انتخاب کنید، سپس از منوی Extensions گزینه Modify Path و در نهایت Color Markers to Match Stroke را انتخاب کنید. البته [متاسفانه] حتی اگر از این افزونه هم استفاده کنید، کانال آلفای رنگ لبه (که باعث شفاف شدن رنگ می شود) به علایم موجود بر روی لبه اعمال نخواهد شد.

بعنوان بخش پایانی کادر Fill and Stroke هم، دو نوار لغزانی که در پایین کادر قرار گرفته اند را بررسی می کنیم که از آن ها برای تنظیم میزان محوشدگی (Blur) و شفافیت (Opacity) شیء استفاده می شود. اولی، فیلتر محوشدگی گاوسی (Gaussian Blur) را به شیء می افزاید. صحبت در مورد فیلترهای SVG بحث مفصلی است که در زمان مورد نیاز تشریح خواهد شد، اما فعلاً در نظر داشته باشید که از اولین نوار لغزان برای محو کردن اشیاء استفاده می شود. هر چقدر مقدار آنرا افزایش دهید شیء مورد نظر محوتر می شود. البته مراقب باشید که زیاده روی نکنید! معمولاً به مقدار کم محوشدگی، ظاهر مورد نظر را به شکل خواهد داد. هرچقدر بیشتر اشیاء را محو کنید، بیشتر از شکل طبیعی خود خارج شده و به چیزی شبیه غبار تبدیل می شوند. توجه داشته باشید، هر چقدر بیشتر از فیلترها استفاده

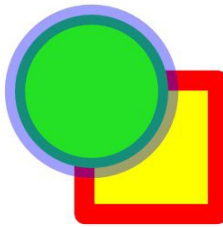
کنید Inkscape در ترسیم اشیاء کندتر خواهد شد؛ بخصوص وقتی که زوم صفحه را زیاد کرده باشد. نوار لغزان Opacity (تنظیم شفافیت) دقیقاً همان کاری را می کند که گزینه مختص به آن که با حرف «O» در نوار وضعیت قرار دارد انجام می دهد، البته در اینجا قدرت مانور بهتری خواهید داشت. تغییر این مقدار باعث می شود تا شفافیت رنگ کل شیء (شامل رنگ داخل و لبه) تغییر کند. در حقیقت، اشیاء با استفاده از خصوصیات رنگی کانال آلفای خود به تفکیک برای رنگ داخل و لبه ها، در حافظه قرار دارند و کل شیء هم با در نظر گرفتن مقدار شفافیتی که با این نوار لغزان تعیین می شود به نمایش در خواهد آمد. (یعنی اگر هم مقدار آلفا را تعیین کرده باشید و هم مقدار شفافیت را، مجموع این دو به بخش مورد نظر از شیء اعمال می شود) این اجماع باعث می شود تا

توانیم مقادیر شفافیت را به گونه ای با هم مخلوط کنیم که در حالت عادی و به تنهایی با استفاده از آلفا و نوار لغزان شفافیت ممکن نیست. در مثالی که در ادامه می آید، مربع رسم شده دارای مقدار شفافیت ۱۰۰ درصد و آلفای حداکثر است، اما دایره ای که ترسیم شده شفافیت های متفاوت خواهد داشت. شکل زیر را ببینید:

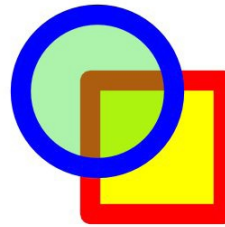
می توانیم از نوار لغزان شفافیت به نحوی استفاده کنیم تا مشکل عدم تنوع رنگ الگوها (Patterns) حل شود. برای این کار کافیتست یک کپی از شیء (دقیقاً در همان محل شیء اول) ایجاد کنیم. برای اینکار از منوی Edit گزینه Duplicate را انتخاب می کنیم. سپس الگوی مورد نظر را به شیء جدید (که بالاتر از اولی قرار دارد) اعمال کرده و سپس مقدار شفافیت (Opacity) آن را



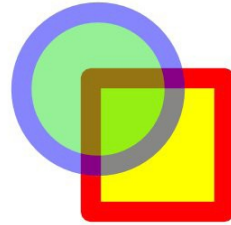
Fill Alpha: 255
Stroke Alpha: 255
Opacity: 100%



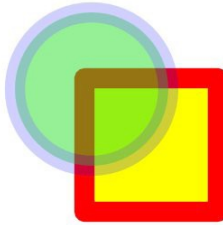
Fill Alpha: 255
Stroke Alpha: 100
Opacity: 100%



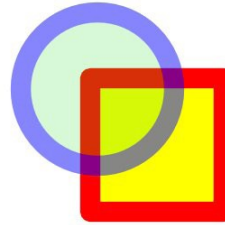
Fill Alpha: 100
Stroke Alpha: 255
Opacity: 100%



Fill Alpha: 255
Stroke Alpha: 255
Opacity: 50%



Fill Alpha: 255
Stroke Alpha: 100
Opacity: 50%



Fill Alpha: 100
Stroke Alpha: 255
Opacity: 50%



مارک از سال ۱۹۹۴ تا کنون از لینوکس استفاده می کند. و توانسته است وب کمیک های «The Greys» و «Monsters, Inked» را با استفاده از inkscape خلق کند که هر دو آنها را می توانید از اینجا ببینید: <http://www.peppertop.com>



```
help. Type '\c' to clear the
current input statement.
```

```
mysql>
```

ما بالاخره کار را تمام کردیم. اکنون باید PHP 5 را نصب کنیم. PHP 5 یک زبان سمت سرور گسترده است که به شما در یک اجرای طولانی مدت کمک خواهد کرد (حتی اگر از آن استفاده نکنید). برای نصب آن کد زیر را اجرا کنید :

```
sudo apt-get install php5
```

```
php-pear
```

جلوتر برویم. اکنون شما باید مطمئن شوید که مقادیر در php.ini (فایل پیکربندی PHP) درست ست شده اند. و خطوط مناسب uncomment شده اند. (خطوط کامنت با یک سمی کالن مشخص میشوند). خوب ، با vi فایل php.ini را باز میکنیم (sudo vi /etc/php5/apache2/php.ini) و به دنبال این خطوط باشید (میتوانید / را در vi تایپ کرده تا جستجو را فعال کنید).

```
max_execution_time = 30
```

```
memory_limit = 64M
```

MySQL را تست کنید. و مطمئن شوید همه چیز درست کار میکنند. برای ورود ، شما نیاز دارید که کد mysql -u root -p را اجرا کنید. اکنون باید prompt دریافت کنید. معمولاً شبیه این :

```
mysql>
```

```
aliendev@server:~$ mysql u
```

```
root p
```

```
Enter password:
```

```
Welcome to the MySQL monitor.
```

```
Commands end with ; or \g.
```

```
Your MySQL connection id is
310
```

```
Server version: 5.1.61
```

```
Ubuntu0.10.10.1 (Ubuntu)
```

```
Copyright (c) 2000, 2011,
```

```
Oracle and/or its affiliates.
```

```
All rights reserved.
```

```
Oracle is a registered
```

```
trademark of Oracle
```

```
Corporation and/or its
```

```
affiliates. Other names may
```

```
be trademarks of their
```

```
respective
```

```
owners.
```

```
Type 'help;' or '\h' for
```

بله. واقعاً نصب به سادگی نصب سایر برنامه‌ها بود. نصب بعدی هم بسیار آسان است و از شما یک پسورد «ریشه» میخواهد. لطفاً توجه بفرمایید ، این فقط یک پسورد ریشه برای بانک داده‌ها است و پسورد ریشه سرور نیست. این کاربر را با قدرت بیشتری در پایگاه داده میشناساند.

```
sudo apt-get install mysql-
server
```

قسمت بعدی از شما چندین سؤال راجع به امنیت پایگاه داده شما میپرسد. من پیشنهاد میکنم که همه آن‌ها را با ۷ جواب دهید. مخصوصاً سؤالاتی که در مورد دسترسی کاربر ریشه به دیتابیس پرسیده میشود. این قابلیت تمامی دسترسی های غیر از ریشه را غیرمجاز دانسته مگر اینکه شما هم در همان سرور باشید. (توسط شل ایمن SSH به سرور متصل شوید ، اگر هنوز مجاز به ورود هستید).

```
mysql_secure_installation
```

اکنون شما تمامی پیکربندی های پایه‌ای MySQL را انجام داده‌اید ، شما نیاز دارید که

ماه گذشته ، ما آپاچی ۲ را نصب کرده و پیکربندی کوچکی روی آن انجام دادیم. این ماه ما PHP و MySQL و CouchDB را نصب و پیکربندی خواهیم کرد. MySQL یک پایگاه داده رابطه‌ای است ولی CouchDB یک پایگاه داده رابطه‌ای نیست. ما با هر دو نوع پایگاه داده در این مقاله آشنا خواهیم شد. PHP یک زبان سمت سرور است که به ما اجازه میدهد تا کارهای فوق‌العاده انجام دهیم.

CouchDB نقطه شروع این مقاله است. بهر حال CouchDB از اجزای رسمی LAMP نیست. هم‌اکنون آن را نصب کرده و یاد میگیریم و یادگیری آن برای مهارتهای توسعه وب شما سودمند است. ما نمیخواهیم که آن را تا زمان استفاده پیکربندی کنیم. هم‌اکنون شما میدانید که کدام تنظیمات باید اعمال شوند و برای چه شما باید مقادیر را تغییر دهید. شروع میکنیم با آپدیت کردن و بروز کردن نرم‌افزار سپس APT و در نهایت CouchDB :

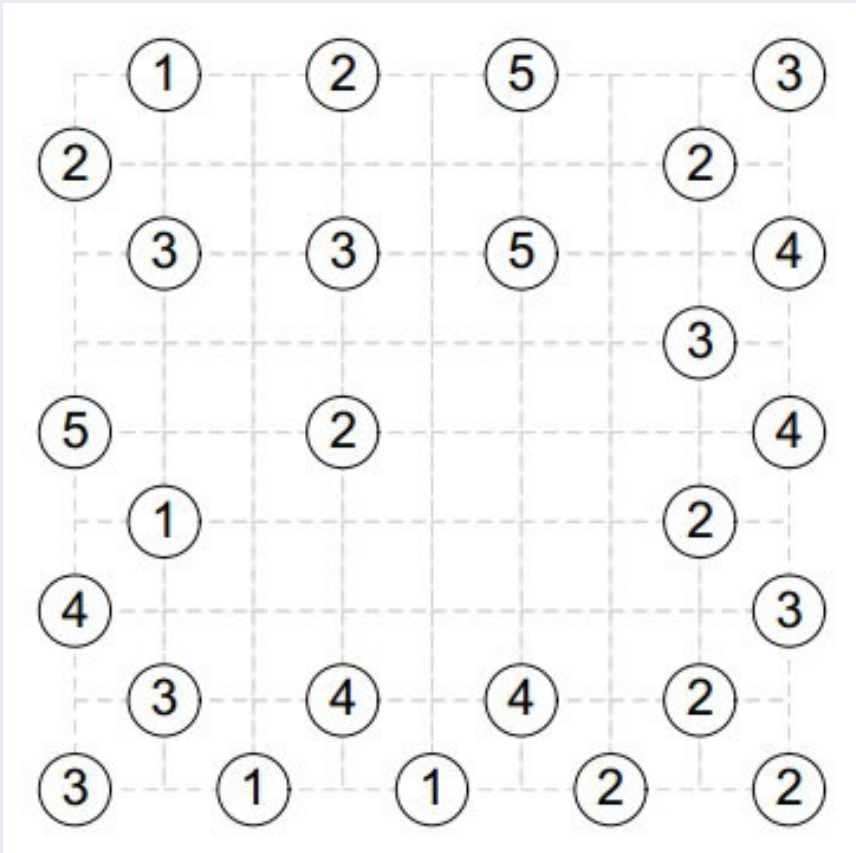
```
sudo apt-get update
```

```
sudo apt-get upgrade
```

```
sudo apt-get install couchdb
```


پل ها

جزیره با یک دایره و یک شماره درون آن نشان داده شده است. پل ها را بین جزیره ها رسم کن و اینکه هر جزیره تعداد پل ها را نشان میدهد. نباید بیشتر از دو پل دو جزیره را به یکدیگر وصل کند. پل ها فقط باید افقی یا عمودی رسم شوند.



راه حل در صفحه یکی مانده به آخر

puzzles are copyright, and kindly provided by,

The Puzzle Club - www.thepuzzleclub.com

که دوباره آن را ریست کنیم. ما میتوانستیم صبر کنیم ، ولی من میخواستم که اشاره‌ای به راههای دیگری برای این کار داشته باشم. و نیاز داشتم که به ریست کردن آپاچی بعد از تغییرات ، عادت کنم :

```
sudo apt-get install php5
mysql php5suhosin
sudo service apache2 restart
```

تبریک! اکنون شما یک LAMP برای خود دارید. و ما میتوانیم ماه بعد توسعه وب را شروع کنیم.



مایکل یانگلود حدود 13 سال در صنعت توسعه و طراحی وب کار کرده و 6 سال سابقه کار در حوزه اینترنت و ایرلس رو هم داره. مایکل در حال حاضر درگیر مدرک کارشناسی در رشته علوم توسعه موبایل هست.

```
error_reporting =
E_COMPILE_ERROR|E_RECOVERABLE
_ERROR|E_ERROR|E_CORE_ERROR
display_errors = Off
log_errors = On
error_log = /var/log/php.log
register_globals = Off
```

هر زمانی که در فایل php.ini تغییری ایجاد کردید ، نیاز دارید که آپاچی را ریست کنید. شما میتوانید با کدهای زیر این کار را انجام دهید:

```
sudo /etc/init.d/apache2
restart
```

```
sudo service apache2 restart
```

آخرین و مهمترین چیز ، افزودن پشتیبانی MySQL به PHP است. و یک بسته PHP برای اضافه کردن امنیت بیشتر نصب میکنیم. همچنین توجه کنید ، چون ما برخی چیزها را تغییر دادیم که آپاچی باید بشناسد نیاز داریم





رهنمودها

اولین قانون برای هر مقاله: مقاله باید به طریقی به اوبونتو یا یکی از مشتقات اوبونتو (Kubuntu, Xubuntu, Lubuntu, etc) مربوط باشد.

مقاله را در هر نرم افزاری که انتخاب کردی بنویس، من LibreOffice را پیشنهاد میکنم، و حتماً از لحاظ املائی و گرامری چک کنید!

نوشتن

هیچگونه محدودیتی در تعداد واژگان مقاله وجود ندارد اما توصیه می‌شود که مقالات طولانی را در چندین شماره تقسیم کنید.

لطفاً مشخص کنید که تصاویر کجای مقاله باشند. لطفاً از هرگونه فرمت دهی مقاله بپرهیزید.

تصاویر

تصاویر نباید بزرگ‌تر از ۸۰۰ پیکسل باشد، لطفاً در فرمت JPG و فشردگی پایین باشد.

بررسی

اگر شما نقد می‌نویسید، لطفاً رهنمودهای زیر را رعایت کنید:

برای جزئیات بیشتر در مورد قوانین استایل و مشکلات رایج لطفاً به اینجا مراجعه کنید:

<https://wiki.ubuntu.com/UbuntuMagazine/Style>

بطور خلاصه: متن مقاله به زبان انگلیسی—آمریکایی. از علائم استفاده نکنید مثلاً: 133t و شکلک قرار ندهید. زمانی که برای ثبت مقاله آماده شدی لطفاً آن را به آدرس ایمیل زیر بفرست:

articles@fullcirclemagazine.org

اگر نمیتوانی مقاله ارسال کنی ولی پاتوقت تو فرم اوبونتو است برای ما مقالاتی را که جالب هستند و میشه چاپ کرد را ارسال کن.

نویسندگان غیر انگلیسی

اگر زبان بومی شما انگلیسی نیست، نگران نباش. مقاله را بنویس و به خوانندگان ثابت بده تا مقاله تو را از نظر املائی و گرامری بررسی کنند. نه تنها به اجتماع و مجله کمک کردی بلکه انگلیسی خودت هم بهتر میشه.

بازی‌ها \ برنامه‌ها

وقتی که یک بازی/برنامه را نقد میکنید لطفاً به موارد زیر دقت نمایید:

عنوان بازی

سازنده بازی

آیا رایگان است یا برای دانلود پول پرداخت کردی؟

از کجا گرفتی (دانلود\آدرس اینترنتی)

آیا این برای لینوکس است، یا با wine استفاده میکنی؟

بیشتر از پنج مورد از بررسی‌های شما

یک خلاصه با نکات مثبت و منفی

سخت افزار

وقتی که یک سخت افزار را نقد میکنی لطفاً به موارد زیر دقت نمایید:

سازنده و مدل سخت‌افزار

این سخت‌افزار را در چه فهرستی قرار میدی؟

مشکلی که در هنگام کار با سخت‌افزار داری؟

سخت‌افزار به آسانی در لینوکس کار میکنه؟

بیشتر از پنج مورد از بررسی‌های شما

یک خلاصه با نکات مثبت و منفی

نیازی نیست که برای نوشتن یک مقاله با تجربه باشی، در مورد بازی‌ها برنامه‌ها و سخت‌افزاری که هر روز استفاده میکنی بنویس.





Online
BACKUP

Secure
SYNC

Easy
SHARING

Whether you need to access a document you have stored on a remote server, synchronize data between a Mac, Windows or Linux device, share important business documents with your clients, or just rest easy knowing all of your data is safely, securely, and automatically backed up - SpiderOak's free online backup, online sync and online sharing solution can handle all your needs!

SpiderOak offers a different approach to online backup by combining a suite of services into one consolidated tool - free online backup, synchronization, sharing, remote access, and storage. This difference is further measured in our zero-knowledge privacy policy - the first one ever employed in this setting. Our flexible design allows you to handle data from any operating system (Mac, Windows and Linux) or location (external drives, network volumes, USB keys, etc...) using just one centralized account.

- Access all your data in one de-duplicated location
- Configurable multi-platform synchronization
- Preserve all historical versions & deleted files
- Share folders instantly in web ShareRooms w / RSS
- Retrieve files from any internet-connected device
- Comprehensive 'zero-knowledge' data encryption
- 2 GBs Free / \$10 per 100 GBs / Unlimited devices

<https://spideroak.com>

Download mobile clients
for **iOS & Android**

JOIN SPIDEROAK NOW
Get 2 Free GBs



سلام به همگی. به بخش سؤال از مبتدی خوش اومدید. اگه در اوبونتو تازه کار هستید یا اینکه در فکر مهاجرت به لینوکس هستید و یا اگه دنبال کسی هستید که به سوالاتون جواب بده، جای درستی اومدید. من اینجا که به سوالاتی خیلی ساده و بیسیک شما از نگاهی ساده جواب بدم.

این ماه من چیزهایی در مورد شخص محترمی به نام جان هیوز شنیدم. نه فقط اینکه ایشون یک کارگردان هستن، بلکه بخاطر اینکه یکی از طرفداران بی‌اس‌دی هم بودن.

اما سؤال جان:

من به شخص 71 ساله هستم که به سؤال دارم. من از اوبونتو 12.04 استفاده میکنم و نرم‌افزار تقویم رین لندر 2 (Rainlender2) رو دانلود و نصب کردم. برنامه خیلی خوبیه. دقیقاً چیزایی رو که بخوام انجام میده ولی فقط نمیدونم چطوری کاری باید بکنم که این برنامه در زمان روشن شدن سیستم خودکار اجرا بشه و روی

دسکتاپ بیاد. میتونید کمک کنید؟

در یک کلام، نه! اما از اونجا که من هیچ‌وقت شکست نمیخورم، پس بزن بریم.

اول از همه باید بگم که جان کار خیلی خوبی کرد که نسخه اوبونتویی که ازش استفاده میکرد رو ذکر کرد. این اطلاعات میتونه در کمک کردن به کاربران لینوکس خیلی مهم باشه.

جان، من از لوبونتو استفاده میکنم که بر اساس اوبونتو هستش، ولی روی سیستم

قدیمی IBM من خیلی بهتر کار میکنه. این سیستم رو من از همسرم گرفتم. «گرفتم» یعنی اینکه کل هارد رو پاک کردم و یکبار از نو روش سیستم عامل نصب کردم.

احتمالاً پیش خودت فکر میکنی که من میتونم مشکلات رو حل کنم و تو هم به سادگی راه حل رو روی سیستم اوبونتویی خودت اجرا کنی و مشکلات حل بشه.

اما من تعداد دفعاتی رو که برای حل مشکلاتم توی فروم‌ها می‌گشتم و یه سری کدها رو توی ترمینال `copy / paste` میکردم

رو هنوز نمیتونم بشمارم؛ آخه معمولاً کسانی که جواب سؤال رو بلدن هیچ چیزی در مورد موس یا راه‌های گرافیکی نشنیدن. و وقتی میفهمیدم که کدها برای یک توزیع دیگه هست که سیستم و ویژگی‌های عجیبی بخاطر وارد کردن اون کدها پیدا کرده بود.

مثلاً الان هر وقت بخوام کامپیوترم رو خاموش کنم، سیستمم به شکل خودکار یک عکس از وبکم می‌گیره و اونو توی فیسبوک منتشر میکنه!

بهترین کاری که میتونم بکنم اینه که نحوه اجرای خودکار رین لندر (Rainlender) رو تو لوبونتو برات توضیح بدم. شاید مراحل این کار در هر دو سیستم یکی باشه؛ نمیدونم. ولی میتونی از راهنماییم به عنوان یک راهنمای کلی برای حل مشکلات استفاده کنی. یک جور تصویر کم‌رنگ از راه حل درست.

اولین کاری که کردم، جستجوی عبارت پایین در گوگل بود:

Lubuntu Autostart Program



اولین نتیجه‌ای که ظاهر شد اینه:

<http://askubuntu.com/questions/81383/how-can-i-add-new-autostart-programs-in-lubuntu>

یک چیز جالب در مورد لینوکس اینه که میتونید کارهارو به دو روش گرافیکی- و متنی- انجام بدید که البته روش متنی برای خیلی‌ها کمی ترسناک به نظر میرسه.

هیچ شکی نیست که راه حل مشکل من میتونه به چند خط کد تبدیل بشه و به سادگی مشکل رو از طریق ترمینال حل کنه. امیدوارم روزی اطلاعاتم در مورد دستورات خط فرمان اونقدر زیاد بشه که بتونم خط فرمان رو بفهمم. بخاطر اینکه وقتی شما خط فرمان رو بفهمید، لینوکس رو میفهمید. ولی- فعلاً که نمیفهمم!

خب، جان، ما داریم اینجا با هم یاد میگیریم، تو باید چیزی رو انجام بدی که باهات راحت تری؛ منم فقط یکم ذوق هنری داشتم و چیزی رو دارم میگم که برام راحت تره. اما از اونجا که اینجا بخش سؤال از یک مبتدی هست، نه یک شخص باهوش، من راه گرافیکی رو انتخاب میکنم و از موس استفاده میکنم.

اولین کاری که باید بکنم اینه که برنامه مدیریت فایل رو باز کنم و آدرس

/usr/share/applications رو تایپ کنم. دقیقاً همونطور که گفته شد، پوشه ای رو می‌بینم که توش آیکون تمام برنامه‌های نصب شده روی کامپیوترم وجود داره. شاید بهتر باشه بگم که یه مشت میانبر از برنامه‌هایی که روی کامپیوترم نصبه رو پیدا کردم. نمیدونم! من یه تازه کارم، یادته که؟ بگذریم... در هر حال الان من در جایی هستم که میتونم تمام برنامه‌های داخل کامپیوترم رو ببینم. و خوشبختانه تا الان سیستمم رو خراب نکردم پس این یه نکته مثبت میتونه برای من باشه.

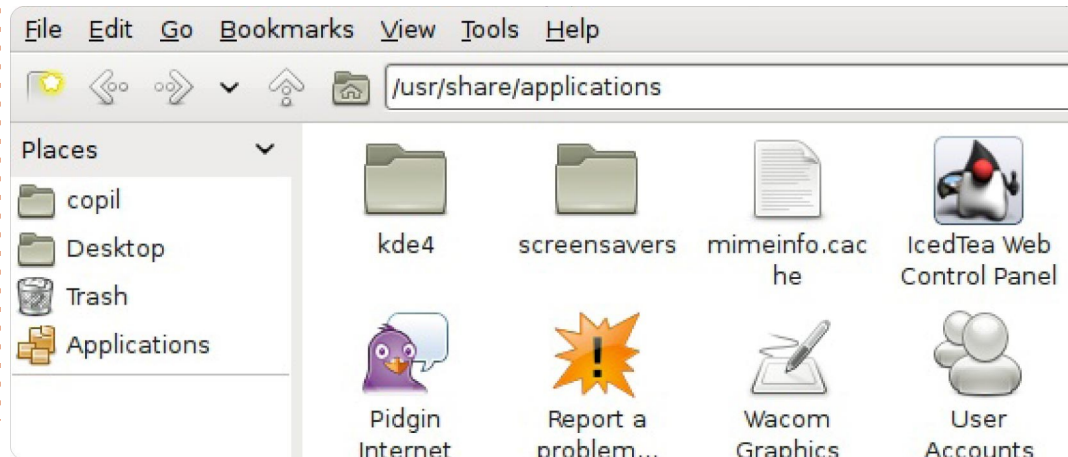
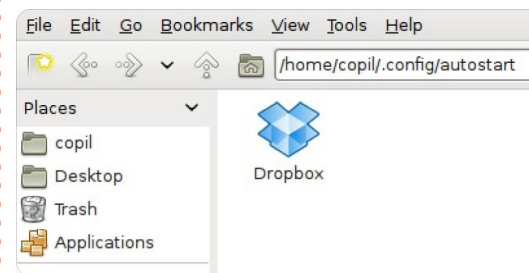
قدم بعدی، پیدا کردن آیکون نرم‌افزار رین‌لندر (Rainlender2) هست و وقتی پیداش کردم روش کلیک راست میکنم و copy رو انتخاب میکنم. الان من یه کپی از نرم‌افزار رو دارم (یا یک کپی از یک لینک به برنامه یا یک نماد برای اجرای فایل یا هرچیز دیگه)

حالا به جایی نیاز دارم که این کپی رو اونجا قرار بدم، پس تایپ میکنم:

~/config/autostart

یه لحظه صبر کن! من تایپ کردم ~/config/autostart ولی- الان من تو آدرس ~/home/copil/config/autostar هستم! یعنی- چی؟؟ پولمو پس بدین.

من میدونم، همه چی زیر سر این علامت (~) باید باشه. ولی- واقعاً نمیدونم که داره اینجا چیکار میکنه.



خب، باید بدونیم که این علامت کوچیک در واقع کلمه‌ای لینوکسی هست، که معادلش میشه /home/username (در اینجا username میشه هر چیزی که اسم پوشه خونه‌گی (home folder) شما باشه) پس بخاطر همینکه وقتی من تایپ میکنم ~/config/autostart مس-تقیم وارد آدرس ~/home/copil/.config/autostar میشم.

همینطور که بهم قول داده شده بود، پوشه برنامه‌هایی که خودکار باید اجرا بشن رو پیدا کردم. یه لحظه صبر کنید، لیستی از برنامه‌ها که به شکل خودکار اجرا میشن!

جان، من خیلی خوشحالم! همه ما برای پیروزی راه‌های مختلفی رو میریم، پس زیاد بهم گیر نده.

حالا من در پوشه شروع خودکار هستم، در اینجا راست کلیک میکنم و Past را انتخاب میکنم. من انجامش دادم! وقتش رسیده که یک شامپاین باز کنم و این کار مهم را جشن بگیرم. پس از دو روز شادی و مستی، دوباره راه حل را برای اینکه مطمئن شوم کار میکند چک میکنم. لوبونتو را ریست میکنم و مطمئن می‌شوم که بدون اینکه دنبالش بگردم اجرا میشه، بوسیله خط فرمان اجراش میکنم یا برای اینکه بدونم چطور باید اجرا بشه از Swithins ام میپرسم. زمان Swithins بارزش است و چیزهای دیگری مانند: گرم

کردن آب برای حمام روزانه من، برای انجام دادن دارد.

جان میدونم به چه چیزی داری فکر میکنی، به این فکر میکنی که کجا میتونم یک توزیع لینوکس مناسب پیدا کنم؟ خوب، من Swithins تو لیست طبقه بندی شده پیدا کردم M4P (پنگوئن نر) فهرست اصلی. اما شاید تعجب کرده باشی که این چطور میتونه به تو کمک کنه در صورتی که هنوز لوبونتو اجرا نکردی. از الان شبیه یک ورزشکار خوب هستی، من میرم ببینم که چکاری متونم برای تو در اوبونتو ۱۲.۰۴ انجام بدم.

به سایت گوگل رفتم خط زیر را تایپ کردم:

Ubuntu autostart programs

این اولین نتیجه جستجو است:

<http://www.liberiangeek.net/2012/05/windows-7-vs-ubuntu-12-04-how-to-automatically-start-programs/>

مقدس بدردنخور، جان، آن حتی در اوبونتو هم آسانترین است. من میتونم ۱۵۰۰ تا صحبت هام را نگهدارم (و شما پنج دقیقه را برای خود نگهدارید)

کمر بند تو محکم ببند جان، ما داریم میریم!

۱- روی آیکون دنده در دسکتاپ، گوشه، بالا سمت راست کلیک کن.

۲- برنامه های Startup را انتخاب کن.

۳- در پنجره جدید روی Add کلیک کن

۴- سپس روی Browse کلیک کن

۵- در پنجره جدید سمت چپ روی File System کلیک کن سپس روی پوشه usr دوبار کلیک کن

۶- روی پوشه bin دابل کلیک کن

۷- بیا پاینتر تا Rainlender2 را پیدا کنی (یا تاپیش کن تا تو را پیدا کند)

۸- دکمه سمت راست پنجره روی Open کلیک کن

۹- در پنجره جدید روی Add کلیک کن

۱۰- حالا رو I just made Ubuntu my bey- otch کلیک کن، چون تمام شد و انجامش دادی.

بله، میدونم که خرابکاری کردم، فقط میتونم با راه حل های Ubuntu شروع کنم.

اما هردوی ما چیزهای کمی- درمورد Tildes، File paths و پوشه Auto start یاد گرفتیم.

بعضی- وقتها جستجو کردن از راه حل بهتره.

جان، البته بزرگترین مزیت صرف شدن وقت هردوی ما بدرستی بود.

ببخشید؟ اوه، شما قبول ندارید. خوب، پس فقط نظر من اینه.

در صفحات دیگر این مجله شما برای مشکلاتتان راه حل های خط فرمان را می- یابید. اما خط فرمان به عمق یک استخر است. من اینجا تا در آب شنا کنم تا برای غواصی آماده بشم. اگر میتونی از اوبونتو استفاده کنی، پس از اوبونتو استفاده کن.

خوشبختانه من به شما آن چیزهای شدنی را نشان داده ام. اگر من بتونم انجامش بدم پس یک کیسه چکش هم میتونه انجامش بده. جان، نه منظورم از کیسه چکش تو نیستی. پاسخ های من در اینجا بنحوی طراحی شدن که کاربرانی مثل من و تو که شاید فکر نکرده این چیزها را انجام میدن اطمینان و اعتماد بنفس بده، واما، کاملاً تابلوئه که ما کل این های گفتیم هستیم. بدون شوخی و بطور جدی، جان، ما از پرسش تو قدردانی میکنیم و امیدواریم که بتوانی در خانه انجامش بدی و تقویم Rainlender را بصورت خودکار اجرا کنی، اگر نتونستی به من بگو. (اینجا Swithins هست بهت زنگ میزنم)

با آرزوی خوش شانسی برای جان!

من تنهام؟ هرکس دیگری خارج از اینجا

میدونه چطوری باید خط فرمان فراخوانی کنه اما ترسی از جادوی آن هست؟ یا شاید شما از پاسخ های من به برخی از پرسش های کاربران جدید خسته شده اید. اگر اینچنین است با من تماس بگیرید

copil.yanez@gmail.com

سعی میکنم به پرسش های ساده پاسخ بدهم، یا توصیه های مفیدی برای تازه واردان از کاربرانی که عاشق لینوکس و اوبونتو هستند برایتان میفرستم اما از منبع صحبت ها چیزی نمیگم.



کوپیل یک نام آرتک است که معنی آن تقریباً میشه «قلب من را چرا دوباره میخوای؟»، عاشق کفشهای زنانه است اینجا ببینید:

yaconfidential.blogspot.com همچنین

میتوانید او را شرمسار نگاه کنید.

تویتر شخصی (copil@)



در شماره ۶۲ قسمت نرم افزاری TWEET SCREEN را بررسی کردیم. این ماه به قسمت سخت افزاری خواهیم پرداخت.

هشدار - این کار قطعاً گارانتی نوت بوک شما را باطل خواهد کرد. چند نکته که برای انجام کار باید در نظر داشته باشید :

- هزینه‌ها را پایین نگه دارید
- اگر امکان‌پذیر است تنها از ابزارها و وسایل در دسترس استفاده کنید
- آن باید پایدار و محکم باشد

وسایل مورد نیاز :

IBM Thinkpad R31 (زمان نوشتن این مقاله یک R31 به مبلغ 40 پوند در ebay.co.uk دیدم)

- نوت بوک Lenovo 3000 C100 (تقریباً 38 پوند)
- قاب (فریم) مشکی 11" * 14" (تقریباً 9.51 پوند در فروشگاه Art)
- یک اینچ عمق نوار الکتریکی

ابزارها :

- ست پیچ گوشتی تکنسینی کوچک
- اره کوچک
- فایل‌های مربعی و گرد
- grounding strap
- عینک ایمنی

درست پس از شماره ۶ به مقاله‌های (شمارگان) ویدیو به Thinkpad R31 برخورد کردم. من پیش‌تر Tweet Screen را بر روی نوت بوک قدیمی‌ام یک تست کوچک کرده بودم (Lenovo 3000 C100) که چندین بار آن را بر روی ebay با مشخصات بهتر و هزینه کمتر از Thinkpad R31 دیده بودم. من از 3000, به عنوان پایه مقاله Tweet Screen قسمت دوم استفاده کردم.

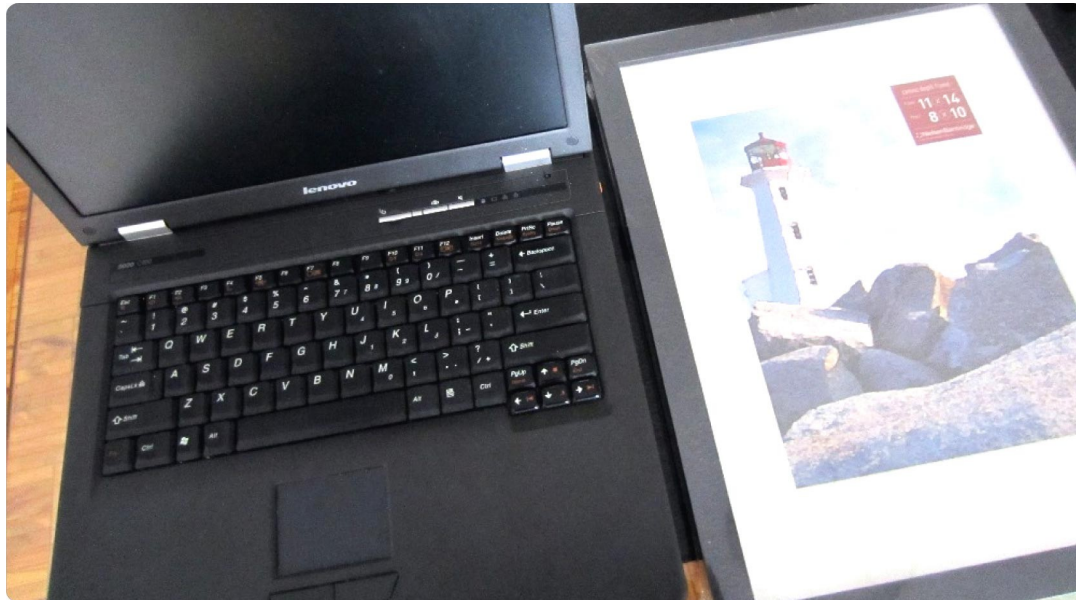
Lenovo 3000 C100 در دو مدل موجود است یکی با cpu سلرون، چیپست و وایرلس broadcom و دیگری با CPU پنتیوم ۴ فرکانس 1.7، چیپست وایرلس اینتل. مدلی که در این مقاله استفاده شده مدل سلرون است. هر دو مدل دارای نمایشگر همسان 15" هستند.

در قسمت نخست مقاله ما قسمت نرم افزاری تنظیم Tweet Screen را پوشش دادیم، در قسمت دوم اوراق و نصب نوت بوک در فریم یاد شده را انجام خواهیم داد فریم عکس را پس از چند بار سر زدن به چند فروشگاه Art پیدا کردم. درست کردن یک قاب عکس نوت بوک چندین سال پیش، می‌دانستم بسیار مهم است که برای نگهداشتن نوت بوک باید به اندازه کافی عمق داشته باشیم. بیشتر فروشگاه‌های Art فریم‌هایی با بیش از یک اینچ عمق داشتند اما شیشه تقریباً در قسمت پشت قرار گرفته بود که کار بر روی آن بیهوده بود. فریمی که

من انتخاب کرده بودم با فریم شیشه‌ای چند میلیمتری یک اینچ ضخامت داشت.

چند سال پیش که من قاب عکس نوت بوک را ساختم، چند اشتباه مربوط به هم انجام دادم. (۱) یک فریم که برای نگهداشتن اجزای نوت بوک به اندازه کافی بزرگ باشد نخریدم/نساختم. (۲) در تلاش زیادی که برای کاهش قسمت‌های نوت بوک کردم، در جریان روند اوراق دوم، نوت بوک را به اندازه کافی تست نکردم.

این دفعه پیش از اوراق نوت بوک، حدود یک چهارم اینچ stuck out. اینبار گاهی تست



کردم و تصمیم گرفتم که برای حذف هر چیزی تلاش نکنم. اوراق کردن به ساده‌ترین شیوه ممکن. بعلاوه، SSH نصب کردم، نصب وایرلس نوت بوک، و برای وایرلس نوت بوک یک DHCP reservation روی روتر برای زمانی که به خاموش کردن دستگاه بصورت ریموت نیاز پیدا کنم تنظیم کردم (که خاموش کردن یک گام بزرگ است).

اوراق کردن معمولاً روی یک anti-static mat انجام می‌شود. من آنرا در اختیار نداشتم پس از یک anti-static strap متصل به metal ground استفاده کردم. یک کیسه anti-static مادربرد بزرگ در اختیار داشتم، اما از آنجایی که من تنها صفحه نمایش و bezel جلویی کیبورد را باز (بدون پوشش) قرار داده بودم، آن واقعاً لازم نبود.

اوراق کردن با در آوردن باتری و DVD-ROM شروع شد پس از آن تست برای مطمئن

شدن از روشن بودن نوت بوک. لنوو C100 یک سویچ کناری دارد که به راحتی باتری را در می‌آورد. برداشتن باتری گرما را حذف کرده و وزن کل را کاهش می‌دهد. DVD-ROM با یک پیچ #F تکی نگهداشته شده است.

بیشتر پیچ‌های قسمت پایینی یا F3 (نوع کوتاه برای محکم کردن در RAM، دیسک و DVD-ROM استفاده شده است) یا F6 (نوع بزرگ‌تر برای سرهم کردن کیس استفاده شده) تنها دو پیچ بزرگ‌تر دیگر برای بستن پایه صفحه به نوت بوک که در یک مرحله‌ای جلوتر برداشته شده استفاده شده است.

من پیچ‌ها را در دو کاغذ با لیبیل‌های F3 و F6 دسته بندی کرده بودم که بعداً آنها را در یک جعبه ذخیره پلاستیکی‌ارزان که به قیمت یک دلار از فروشگاه خریده بودم قرار دادم.

بعد، نمایشگر را برعکس کردم که تقریباً با نوت بوک هم‌سطح شد. bezel پلاستیکی در

جلوی نوت بوک (جایی که کلیدها و LED هستند) یک رشته بلند پلاستیکی با حدود یک اینچ ضخامت هست که با ور رفتن با قسمت چپ و به آرامی- بالا کشیدن کل رشته در می‌آید. برای این کار از پیچ گوشتی کوچک تخت استفاده کردم. در حالی که bezel برداشته شده بود دور کلید Power را با ماژیک felt علامت زدم.

در این قسمت برای تست کردن از پلاستیک انتهایی پیچ گوشتی برای روشن کردن نوت بوک استفاده کردم. چون دستگاه مستقیم به Tweet Screen بوت می‌شد.

هر زمان خاموش می‌کردم به F11 برای نمایش دکمه‌های مینی‌میز/ماکسیمیز/بستن مرورگر کرومیوم نیازمند می‌شدم (و یا شاید می‌توانستم که تنها با فشردن کلیدهای ctrl+alt+del برای بالا آوردن منوی خاموش استفاده کنم، اما من راه سخت را انتخاب

کردم).

کار بعدی برداشتن قاب (کیس) دور نمایشگر بود. در حالی که این یکی- از نازکترین قسمت‌های نوت بوک است. چفت بالایی که نمایشگر را به نوت بوک (زمانی که بسته است) وصل می‌کند. ممکن است تا کردن (خواباندن) نمایشگر بر روی شیشه را ناممکن کند. بیشتر لپ تاپها تعدادی از پیچ‌ها را با پلاستیک‌های گردمی‌پوشانند در مورد C100 شش پیچ با سیلندرهای پلاستیکی مخفی شده‌اند از کوچکترین پیچ گوشتی دو پهلو برای پیدا کردن (کاوش) سیلندرهای پلاستیکی استفاده کردم آنگاه از یک پیچ گوشتی فیلیپس کوچک برای باز کردن پیچ‌ها استفاده کردم.

پس از باز کردن پنل جلویی صفحه نمایش، متوجه چند پیچ دیگر که آنتنهای وایرلس را به قسمت بالایی صفحه وصل کرده بودند شدم.



در قسمت پایین صفحه نمایش screen inverter قرار گرفته. با دقت نواری که inverter را به قسمت پشت کیش وصل کرده بود برداشتم، آنگاه پیچ‌های آنها را باز کردم و پشتیان (پشتی) LCD پلاستیکی را برداشتم.

با برداشتن پوشش مشخص می‌شود که LCD از چند تا میله‌های فلزی نازک با چند پیچ کوچک در هر طرف به نوت بوک محفوظ است. این میله به پایه نوت بوک توسط چند تا پیچ بلند محکم نگه‌داشته شده است. در ابتدا من پیچ‌ها را باز می‌کنم، اما کار با صفحه

نمایش غیر قابل کنترل است، بنابراین من آنها را محکم کنم در پشت در نوت بوک تا پیچ نگه‌دارنده LCD به میله را باز کنم.

درست بعد از برداشتن بخش پلاستیکی پشت LCD، یه نگاهی به پشت LCD می‌اندازیم. در پشت صفحه نمایش نوت بوک LENOVO 3000 C100 نوار هشدار دهنده‌ای در بخش نور پس زمینه در نزدیکی بالای LCD است که نباید با دست لمس شود. البته من بدون تحقق آن را لمس کردم، بنابراین در این مرحله من نوت بوک را دوباره روشن کردم و خوشبختانه بوت شد. توجه داشته باشید که

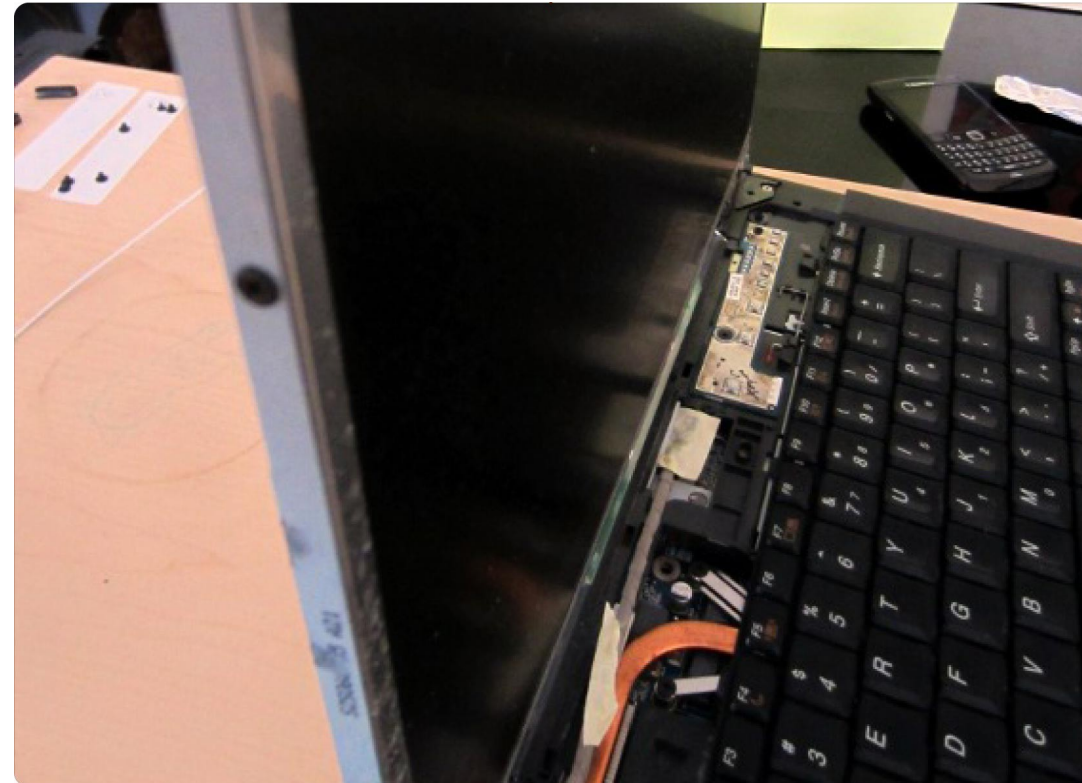
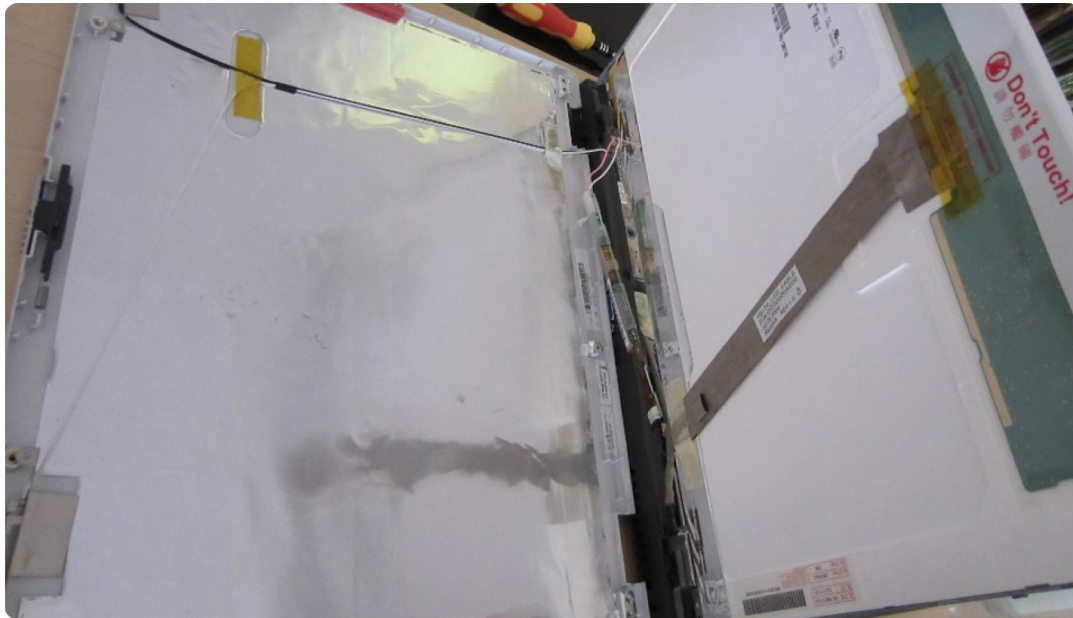
نور پس زمینه الکترونیک توسط یک لایه نازک از پلاستیک پوشانده شده است، اما این ممکن هست که در تمام نوت بوک‌ها نباشد.

با استفاده از صفحه نمایش جدا از میله‌های فلزی، کار بعدی ایمن کردن پشت / پایین نوت بوک است. اما قبل از اتصال صفحه نمایش، من یک فیلم نازک فلزی مانند حل‌جی در خارج از پنل پلاستیکی LCD برمی‌دارم. این فیلم فلزی شکل به عنوان یک سپر ضد استاتیک عمل می‌کند. من به دقت فویل فلزی را برمی‌دارم و آن به پایین نوت بوک متصل می‌کنم، برای برش دادن یک مربع کوچکی که محیط حافظه را تخلیه می‌کند، مراقب باشید.

با صفحه نمایش در طرف مقابل از صفحه کلید، من دستگاه را یک بار دیگر آزمایش می‌کنم. زمان خاموش شدن دستگاه از طریق صفحه کلید و پد لمسی کاملاً دشوار است، حتی می‌توان با یک آینه اثبات کرد. خوشبختانه من قبلاً استاتیک DHCP را برای دستگاه رزرو و راه‌اندازی کردم، و SSH را نصب کردم همین‌طور من از طریق SSH از راه دور اون رو خاموش کردم.

```
sudo /sbin/shutdown -h now
```

در این مرحله، من یه کم سیم معکوس کننده (اینورتر) داشتم که به طرز نامناسبی در بالا قرار گرفته بود. معمولاً این سیم در شیار داخل صفحه نمایش LCD است، اما اون در



جای خود ثابت شده تا کاملا مفید واقع شود چند میلیمتر اضافی در انتها اضافه شده که بالا و پایین را داخل قاب کاملا بچسباند. این یک شکاف یک سانتیمتری از هر طرف به جا گذاشته است.

قبل از باز کردن لب تاپ من علامتی که در پایین نوت بوک روی قسمت تهویه و اتصال سیم برق به سیستم بود برداشتم. من با انجام این کار قسمت علامت گذاری شده را بردم. دوست داشتم که ادعا کنم که این کار را با مهارت انجام دادم، اما حقیقت این است که از چیزهایی که در اختیار داشتم استفاده کردم، یک اره آهن بر کوچک و dremel .

برای صاف کردن ناهمواری به جا مانده از

برش، چند ساییدگی را به ساییدگی برش از ناحیه‌هایی که آنها خوب و صاف بودند، استفاده کردم. با کمال تعجب، معلوم شد که به اندازه کافی توانایی من در استفاده مجدد بلوک چوب از کاهش تهویه خوب بود. این بلوک را من نصف و صیقلش دادم.

من یکی از هر بلاک را در هر یک سانتی‌متر فاصله خالی میان قاب و نوت بوک گذاشتم. این بلاک‌های کوچک نوت بوک را از تکان خوردن داخل فریم محافظت می‌کند.

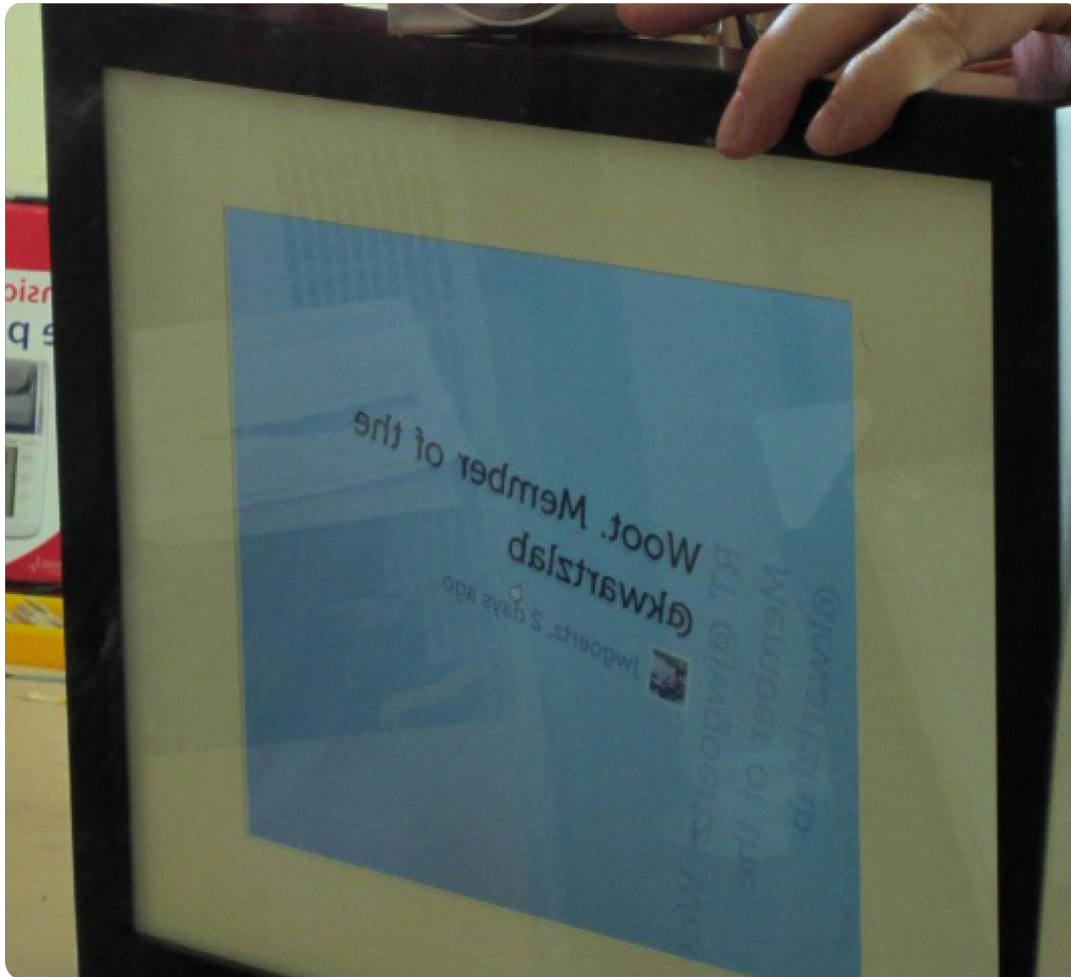
در این مرحله Tweet Screen تمام شد، آن می‌تواند به خودی خود بدون پایین آمدن از پشت بایستد. زمان آن است که برای آخرین شلیک روشنش کنیم.

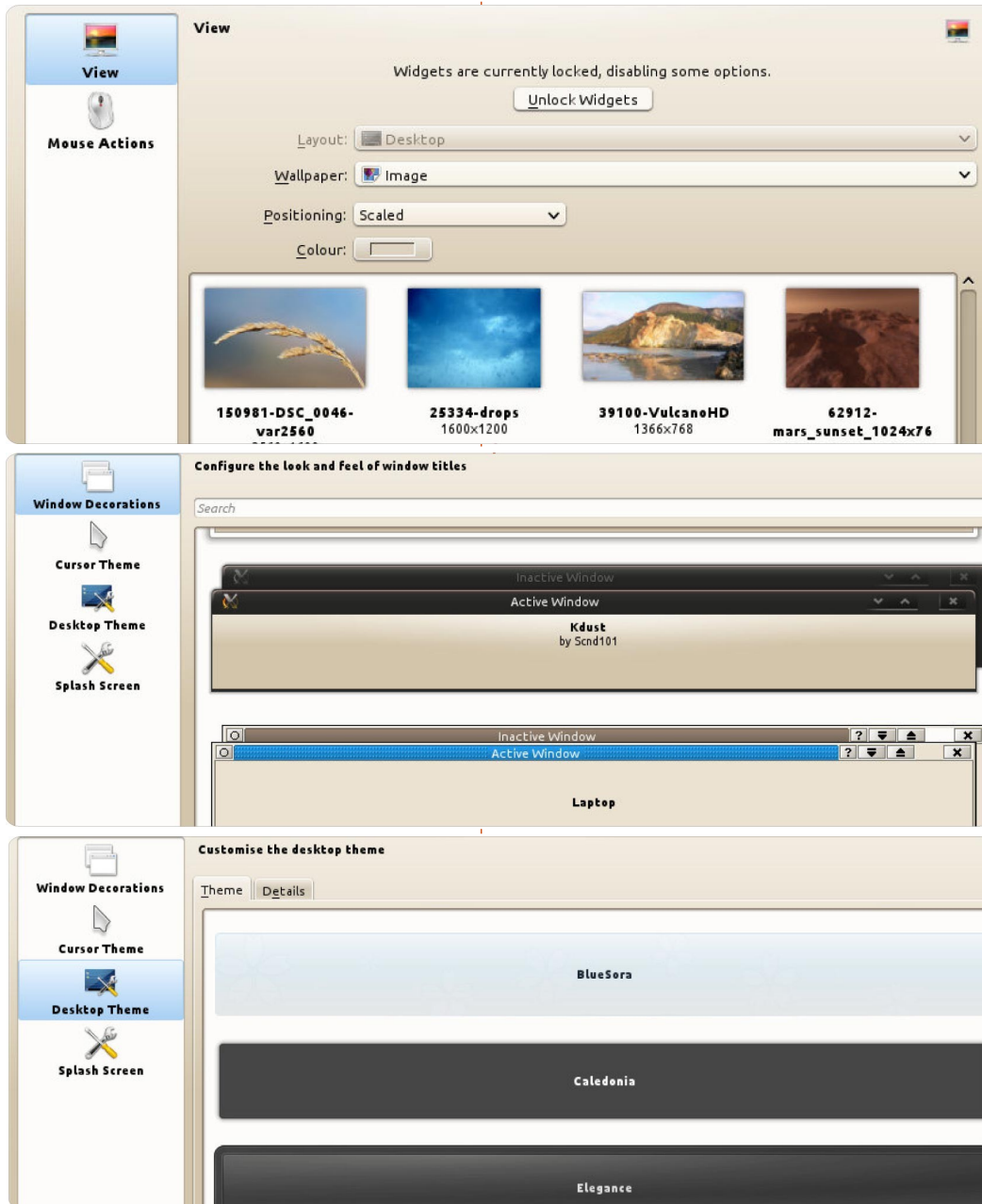
با اندکی زمان بیشتر می‌خواستم کناره‌ها را

پر کنم و برای ایمنی- بیشتر سیستم از بلاک‌های چوبی استفاده کنم. همچنین می‌خواستم یک دکمه هم قرار بدم ولی- نمی‌خواستم که سیستم را از پشت روشن کنم. همان‌طور که Tweet Screen تمام شده و در حال حاضر به خوبی کار می‌کند و ممکن است بجز برای جزئیات کلید پاور آویزان باشد. نوت بوک را روی میز گذاشتم خوب به نظر می‌آید و بازخوردهای آن را در مورد

این نوسازی Kwartzlab و دیگر موضوعات اوبونتو برای ما توثیت کنید.

یک ماه بعد، نگاهی به فضای هک شده Kwartzlab خودمان می‌اندازیم. Kwartzlab میزبان تعدادی از پروژه‌های جالب صفحه اصلی توثیت است در Issue 62 میزبانی کدهای اوبونتو و سرعت خطاها ذکر شده است.





والپپر دستکاپ خود را عوض کنید.

کوبونتو

کوبونتو (و در کل کا دی ای) نیز به روش مشابهی کار می کند. راست کلیک کردن روی دستکاپ و انتخاب گزینه ی 'تنظیمات دستکاپ' پنجره ای برایتان باز می کند که در آن می توانید یکی- از عکس های موجود را انتخاب کنید و یا اینکه با زدن گزینه ی 'open' می توان والپپر دلخواهی را اضافه کرد.

علاوه بر داشتن تنظیمات همیشگی گسترش/تغییر سایز/ برش برای عکس والپپرتان، می توانید انتخاب کنید که آن به صورت عکس، اسلاید شو یا گرادینت رنگی- نمایش داده شود.

در مورد تم، 'کا دی ای' کمی متفاوت عمل میکند. 'System Setting' را باز کنید، سپس به 'Workspace Appearance' بروید. در اینجا شما دو مورد می بینید: 'Window Decoration' و 'Desktop Theme'.

'Window Decoration' برای تغییر ظاهر پنجره ها و یا اگر خواستید کناره های پنجره استفاده می شود.

نویسندگان:

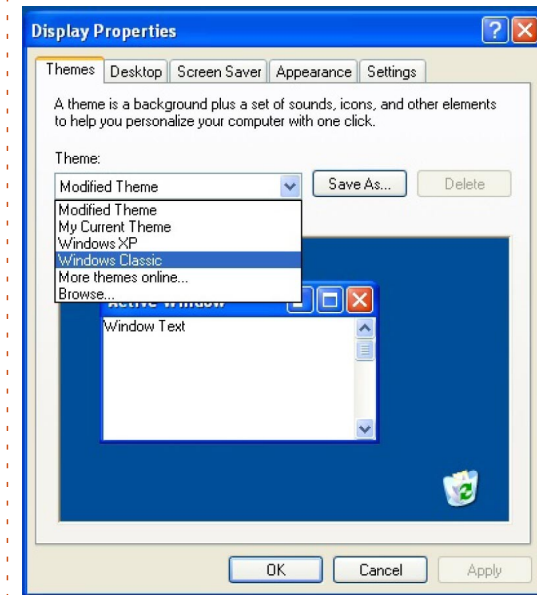
Ronnie Tucker (KDE)

Jan Mussche (Gnome)

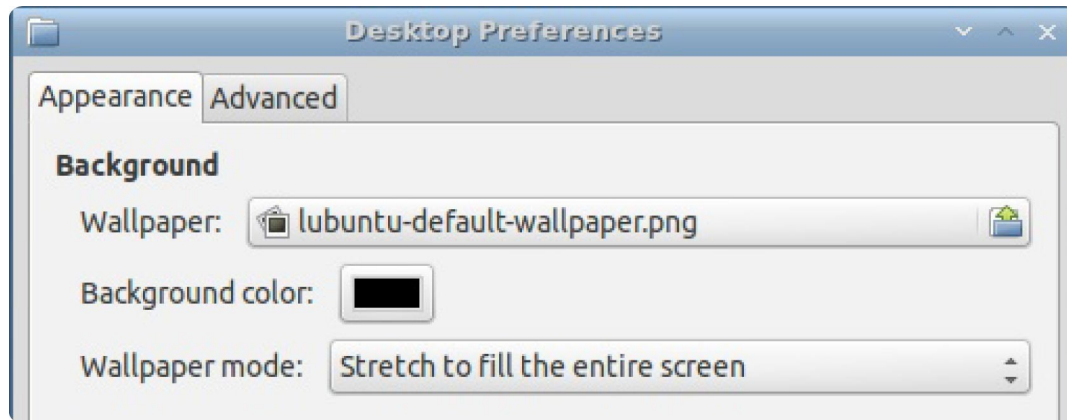
Elizabeth Krumbach (XFCE)

Mark Boyajian (LXDE)

برگردان پارسی از مژگان سبحانی



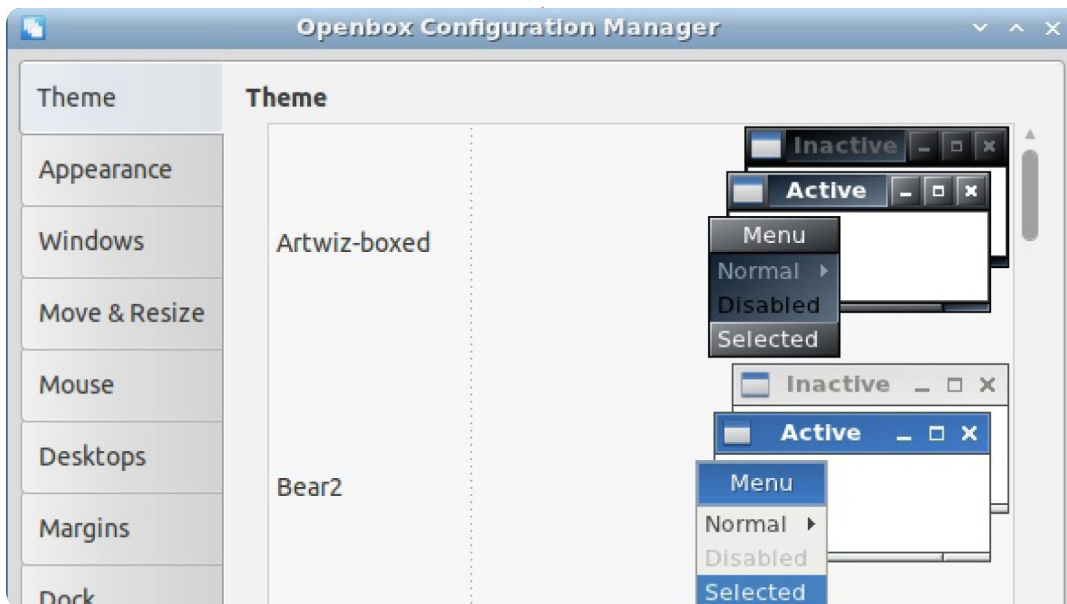
با راست کلیک کردن روی دستکاپ ویندوز ایکس پی- و انتخاب گزینه ی 'properties' شما به پنجره مشخصات ویندوز می- روید و از آنجا می توانید تم و



دو گزینه ی انتخاب / تنظیمات والپیپر از این بیشتر نمی‌توانست ساده‌تر باشد.

کلیک کردن در قسمت والپیپر، مدیریت فایل را باز می‌کند که به شما امکان می‌دهد عکسی را که به عنوان والپیپر می‌خواهید استفاده کنید، انتخاب نمائید. تنظیمات مود

'Desktop Preferences' را انتخاب کنید تا پنجره ای به همین نام باز شود. به طور پیش‌فرض تب 'Appearance' روی تنظیمات پس زمینه است، همین‌طور تنظیمات متن برای عباراتی که با اشیاء دسکتاپ (مثل آیکون‌ها) نمایش داده می‌شوند را ارائه می‌دهد.



آن را تغییرش دهید تا همان چیزی شود که خودتان می‌خواهید.

تمی را انتخاب و روی گزینه ی Customize کلیک کنید. پنجره ای ظاهر می‌شود که در آن شما می‌توانید تقریباً همه کار برای تغییر تم انجام دهید تا همانی شود که دوست دارید. با آن کار کنید حتی اگر جزئیات را کاملاً متوجه نمی‌شوید، ممکن است تمی ایجاد کنید که بهتر از آنچه می‌خواستید بشود.

همه چیز کاملاً سر راست می‌باشد. نکته ی مثبت این است که شما هیچ کار اشتباهی نمی‌توانید انجام بدهید پس نگران نباشید و همه چیز را امتحان کنید.

لوبونتو

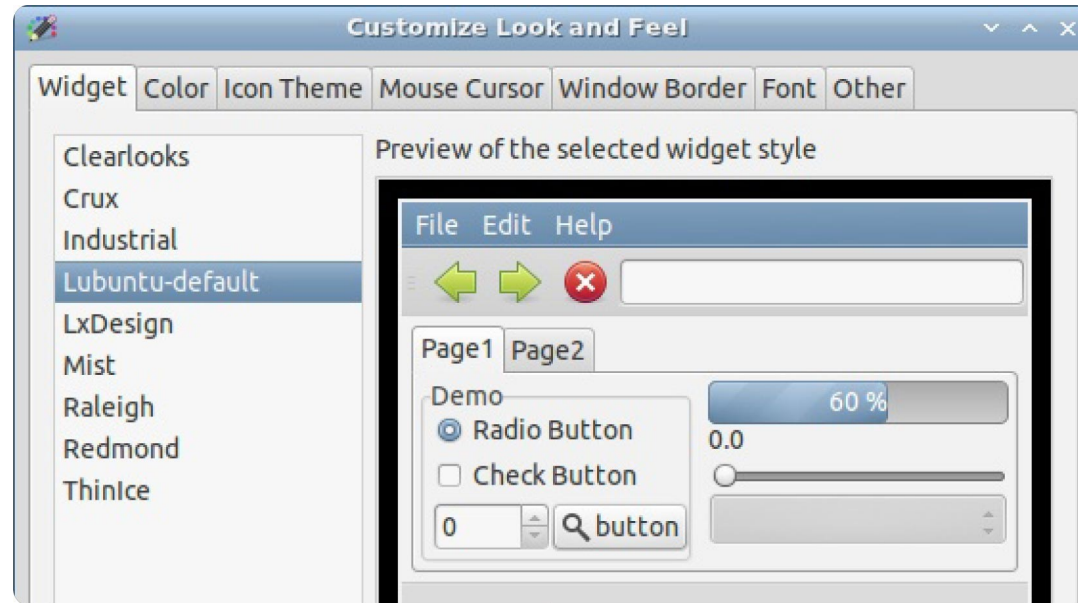
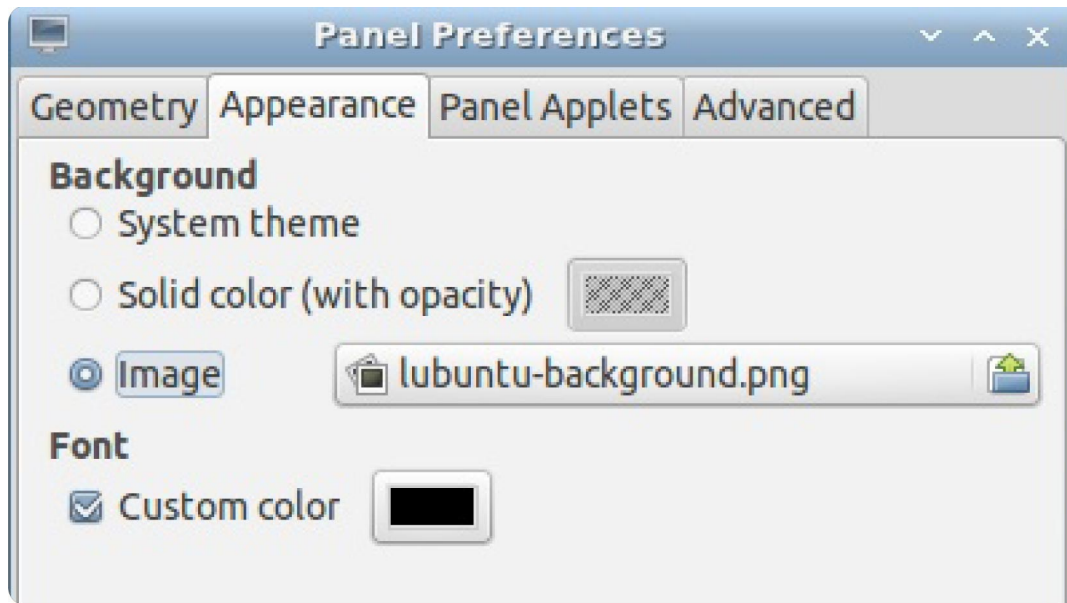
برخلاف دسکتاپهایی که تا به حال راجع به آن‌ها صحبت شد، لوبونتو سعی بسیار زیادی کرده است تا تمامی تنظیمات دسکتاپ و مدیریتی تا حد ممکن ناب باشد. و ناب بودن اصل لوبونتو هست، به همین دلیل این بحث را به تنظیمات پیش‌فرض محدود می‌کنیم. همان‌طور که در سری‌های قبلی - این نوشتار اشاره شد، شما می‌توانید تا جایی که بخواهید به مخازن دسترسی داشته باشید و لوبونتو را به طور کامل تغییر دهید.

برای مدیریت تنظیمات ساده ی دسکتاپ، بر روی مکان خالی از دسکتاپ راست کلیک کرده و از فهرست ظاهر شده گزینه ی 'Desktop Theme' جایست که می‌توانید ظاهر همه چیز مثل taskbar یا widget و نظیر این‌ها را تغییر دهید.

تغییر والپیپر در گنوم بسیار ساده است. کافیست روی جای خالی دسکتاپتان راست کلیک کنید و از فهرست باز شده گزینه ی 'Change Desktop Background' را انتخاب کنید، در اینجا چند عکس استاندارد دسکتاپ وجود دارد اگر عکس باب میل شما در لیست وجود نداشت همیشه می‌توانید خودتان عکس دلخواهتان را دانلود کنید. برای انجام این کار از گزینه ی 'Get more backgrounds online' استفاده نمائید.

Gnome-Shell

همچنین از مسیر `System > Preferences > Appearance` می‌توان به پنجره تغییر والپیپر دسترسی داشت. اگر به بالای پنجره توجه کنید نام اولین تب theme هست. از این مکان می‌توانید تم سیستم رو عوض کنید و ظاهر کل سیستم عامل را تغییر دهید. مانند والپیپر، در اینجا هم چند تم پیش‌فرض وجود دارد. همچنین اگر سلیقه ی خاصی دارید می‌توانید تم جدیدی را دانلود نمائید و یا اینکه نزدیکترین تم به خواسته ی خودتان را انتخاب و سپس



روی تب Appearance کلیک کنید تا با تغییر پیش‌زمینه و پس‌زمینه، ظاهر پنل را تغییر دهید. به صورت پیش‌فرض عکس به عنوان پس‌زمینه‌ی پنل انتخاب شده است. در قسمت سمت راست عکس کلیک کنید تا پنجره‌ی عکس‌های پنل که بیشتر از ۲۰ عکس دارد، باز شود. بدیهی است می‌توانید عکس‌های بیشتری را خودتان اضافه کنید.

زوبونتو

در زوبونتو نیز مثل دیگر دستکتابها، باز کردن پنجره‌ی تنظیمات برای تغییر دستکتاب از طریق راست کلیک کردن روی دستکتاب و انتخاب Desktop Setting از فهرست امکان‌پذیر است. در پنجره‌ی مذکور چند

کردن جزئیات متفاوتی مثل رنگ بندی پیش‌زمینه و پس‌زمینه پنجره‌ها، ابزارها، تغییر تم آیکونها، تغییر تم مکان‌نمای ماوس، فراهم می‌کند (دقت شود هیچ کدام از این موارد به صورت پیش‌فرض نصب نشده است). مقدار کمی همپوشانی بین اعمال این پنجره و Openbox Configuration Manager وجود دارد، اما اطلاعات نمایش داده شده در هر کدام از این پنجره‌ها متفاوت است.

در انتها، شما همچنین می‌توانید ظاهر Panel در دستکتاب را تغییر دهید. در قسمت خالی از Panel راست کلیک کنید، از فهرست گزینه‌ی Panel Setting را انتخاب کنید تا پنجره‌ی Panel Preferences باز شود.

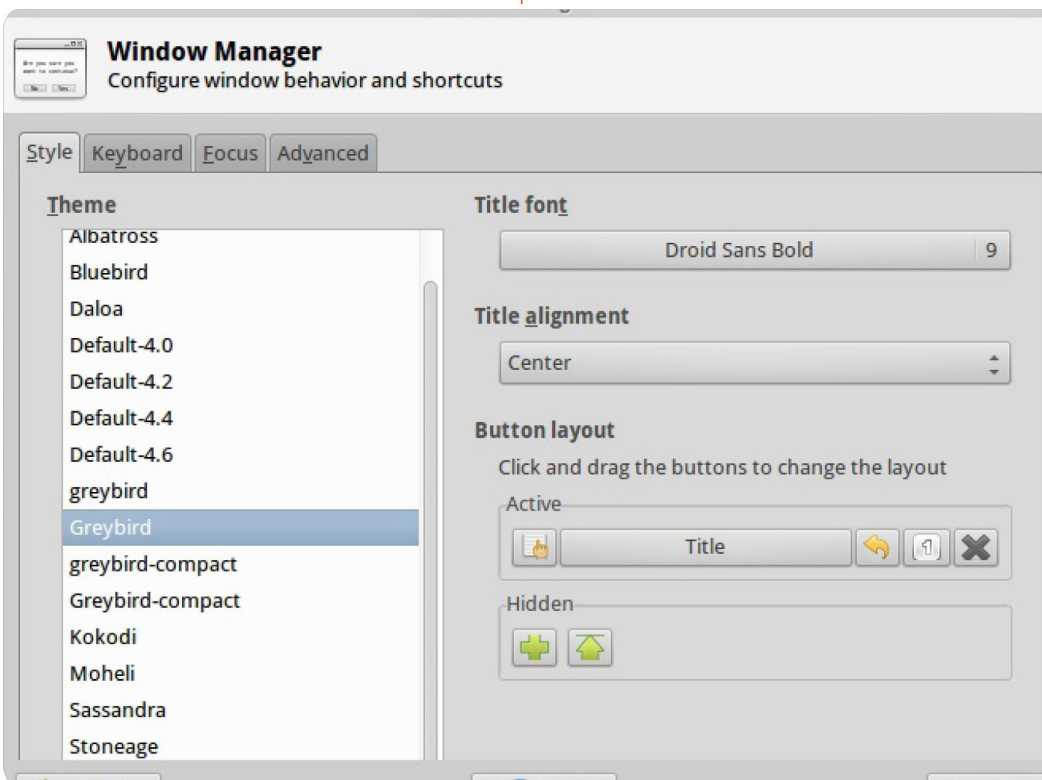
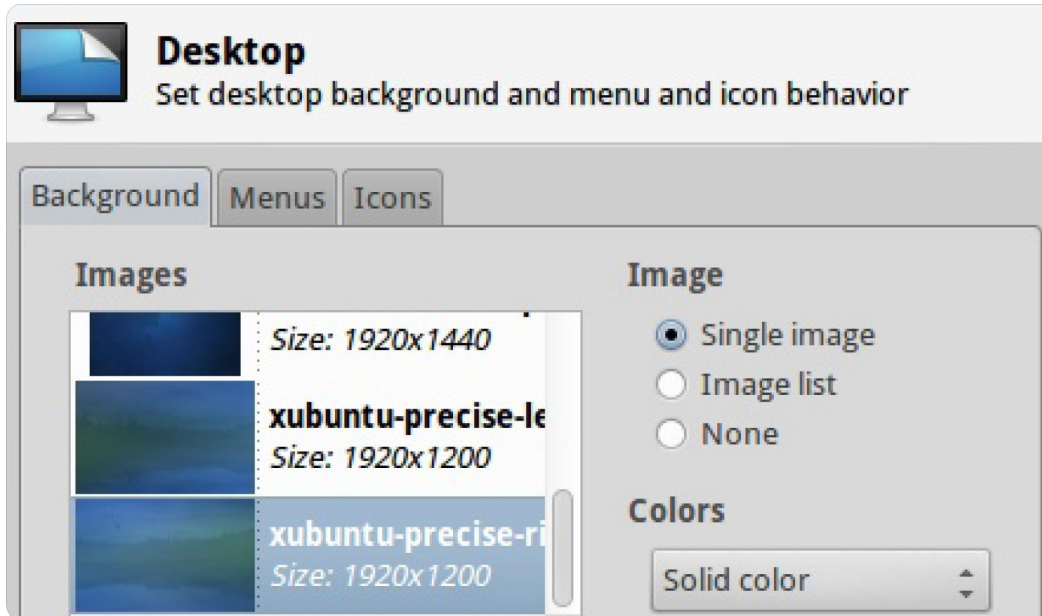
تمهای نمایش داده شده کلیک کنید، اینکار باعث می‌شود تم همان لحظه به سیستم اعمال شود، حتی پنجره‌ای که هم‌اکنون باز است تغییر می‌کند. با کلیک کردن روی بخشهای بعدی، دیگر تنظیمات پیکربندی نمایش داده می‌شود. (بخش ماوس، در واقع رفتار پنجره‌ها نسبت به حرکت و اعمال ماوس مشخص می‌کند).

برای کنترل بیشتر از این بر روی ظاهر دستکتابتان، پنجره‌ی Customize Look and Feel را (از مسیر main menu > Preferences > Customize Look and Feel) انتخاب کنید که پنجره‌ای با همین اسم باز می‌شود. تنظیمات موجود در این پنجره امکان ایجاد تغییرات دلخواه و دستکاری

والپیپر فهرستی باز میکند و می‌توانید نوع نمایش عکس را تعیین کنید (مثل کشیده شده، مرکزی و غیره). تنظیمات متن، مشخص میکند که متن همراه اشیاء دستکتاب (مثل آیکونها) چطور نمایش داده شوند.

برای انتخاب تم، کنترل ظاهر و رفتار پنجره‌ها و تنظیم دیگر خصوصیات دستکتاب پنجره‌ی مدیریت پیکربندی را باز کنید (از مسیر main menu > Preferences > Openbox Configuration Manager).

به صورت پیش‌فرض، بخش تم انتخاب شده است. همانطور که می‌بینید زوبونتو تمهای متنوع زیادی دارد (پیش‌فرض ۱۲ تم دارد) و شما هم می‌توانید تمهای جدیدی اضافه کنید. برای تغییر تم، کافیست روی



Manager باز می‌شود و برای تغییر تم پنجره ها استفاده می‌گردد. مانند قسمت قبلی- تغییرات بر روی گزینه های پیش فرض سریعاً اعمال می‌شود و شما می‌توانید تم ها را بررسی کنید. علاوه بر تنظیمات ظاهری، بخش مدیریت پنجره گزینه هایی برای تغییر شورتکاتهای صفحه کلید، رفتار فوکوس پنجره ها و موارد دیگر دارد.

به طور پیش فرض، زوبونتو استایل Greybird را برای Appearance و Window Manager استفاده می‌کند.

گزینه وجود دارد. گزینه ای برای بارگذاری والپیپر خودتان و اینکه نحوه ی نمایش چگونه باشد (centered, tiled, stretched). و اگر عکس انتخابی تمام صفحه را پر نکرد رنگ پس زمینه ی آن چه باشد و چگونه نمایش داده شود (solid, horizontal or vertical). (gradient).

شما همچنین می‌توانید این فهرست را با کلیک بر روی آیکون ماوس و مسیر Settings Manager > Desktop > Settings باز کنید.

مانند کا دی ای، Xfce نیز ظاهر دستکتاپ رو به دو بخش تقسیم کرده است، تم GTK (که به آن Appearance Style میگویند) و تم مدیریت پنجره.

قسمت Appearance Style از طریق Mouse Icon > Settings > Setting Manager Appearance > قابل دسترسی است. اینجا شما انتخاب میکنید که چه رنگهایی برای ظاهر دستکتاپتان به کار رود. به صورت پیش فرض چندین گزینه در این قسمت زوبونتو وجود دارد و با انتخاب آنها تغییرات سریعاً اعمال میگردد و شما می‌توانید آن را ببینید. تنظیمات ظاهری کامل همچنین این امکان را به شما می‌دهد تا آیکون ها، فونت ها و دیگر خصوصیات آن را عوض کنید.

تم مدیریت پنجره از طریق Mouse Icon > Settings > Setting Manager > Window



این منم، صفحه کلید روی پاهام، پام روی لبه ی پنجره است، نوشیدنی انرژیزا هم دارم، و بسته های هات داگی- که در فریزر هستند، فریزر با آژیر هایی که میزنه آواز های وسوسه انگیزی داره میخونه، اوه بله من با بسته های هات داگ موافقم، بعد از اینکه بزودی یک پاراگراف دیگه تموم کنم با اینکه گیج شدم یکی از شما را برای خوردن انتخاب میکنم. در حال حاضر دارم یک مقاله مینویسم، گاهی اوقات ناگهان به وضعیت صفحه نمایش آبی رنگ دوست داشتنی که از مرگ است خیره میشوم. بله وقتی که تو فکر بودم دوباره ویندوز یک حالت هنگ شدن را کاملاً مدیریت کرده.

نام گربه من پنه لوپه است که الان پرید روی میز کامپیوتر، خیلی آروم چشمک میزنه و با میو میو کردنش به من میگه: میدونی که میتونی.

در حال حاضر من یک مهندس سیستم هستم که بخش هایی از شبکه را که مداوم به هم وصل هستن را مدیریت میکنم در صورتی که تمام سرور های شبکه با عطر و بویی از لینوکس اجرا میشوند. من اغلب تعجب میکنم که چرا توی خونه با ویندوز دارم کار میکنم؟ این یک پارادوکس است. به نظرم به خاطر این باید باشه که چند تا از فولدر ها را

با Xbox به اشتراک گذاشتم. سپس نتیجه گرفتم که اشتراک گذاری پوشه ها بهانه خوبی برای اینکار نیست، حیوان خانگی من پنه لپه جرعه ای از این نوشیدنی انرژیزا بچش و برو پی کارت.

ویندوز شبیه این داره میره: ریست کردن رایانه، فایل های پشتیبان، برداشتن بسته هات داگ، قرار دادن بسته هات داگ در مایکروویو، دانلود اوبونتو ۱۲.۰۴، رایت کردن روی دیسک، برداشتن بسته هات داگ به همراه سس تند، ریست کردن رایانه، بوت کردن بوسیله سی دی، نصف بسته هات داگ را پر سس میکنم، سوختم! هات داگ هنوز داغه و از یک طرف دهانم به طرف دیگه میجوم. رسیدم به مدیریت پارتیشن های نصب اوبونتو و با نفرت به پارتیشن ویندوز میگم: «خدا حافظ ویندوز، من میخوام بگم که خوب بودی، اما نه تو زندگی منو خراب کردی» این آن نقطه آغازی بود که من راهم را با خوشدلی با ویندوز آغاز کردم. بر طبق تکرار قانون اساسی آمریکا من اجازه دارم که خوشبخت باشم.

چه کارهای کردم: نصب درایورهای اختصاصی، نصب Guake، هات داگم تموم شد، نصب Wine، نصب Foxit Reader، نصب VirtualBox، ناز کردن پنه لوپه، نصب

Chrome، نصب Opera، پیکربندی Ubuntu One، اضافه کردن Hotot ppa، پیکربندی لنز AskUbuntu، تمام کردن مجله حلقه کامل شماره ۶۴، نوشیدنی انرژی زا، همگام سازی مرورگرها، شگفتی از نصب جدید درخشان من به قول دکتر فرانکشتاین: این زنده است! زنده است.

برای حل مشکل استریم کردن Xbox، دیسک ویندوز XP pro را گرفتم و بهش گفتم: دوباره همدیگرو ملاقات کردیم، با اکراه یک ویندوز روی ماشین مجازی نصب کردم، ایده اینکار به این صورت است که زمانی که من بهش نیاز داشتم درایو خارجی را از اوبونتو جدا و به ماشین مجازی ویندوز اضافه میکنم. معمای استریم کردن حل شد. با این حال یک مشکلی هست که من پیش تر در نظر نگرفتم، همسرم.

همسر من در تمام خونه با لپ تاپ ویندوزیش ور میره، گاهی اوقات با یک چای روی مبل مینشیند و کار های مثل خواندن روزنامه، گشت و گذار در وب برای لوازم آرایشی، و بارگذاری عکس انجام میدهد. ظاهراً او به جز گهگاهی، با ویندوز شاد و خوشحال است. به نظر میرسه که این هم روز به روز داره کمتر میشه. هرچند که یک لپ تاپ داره ولی از رایانه مرکزی زمانی که

میخواد روی یک صفحه بزرگ انیمیشن ببینه برای استریم کردن از Xbox استفاده میکند، مطمئناً هیچ وقت نسخه ای از لینوکس را ندیده یا شاید تمایل داشته باشد که در مورد ماشین مجازی بداند.

در این لحظه میدانم که همسرم پس از اینکه دیشب انیمیشن مارتن را دیده تازه از خواب بیدار شده و لپ تاپ به دست در حال پایین آمدن از پله هاست.

مکالمه ای که کردیم چیزی شبیه به این بود:

صبح بخیر

صبح بخیر

چیکار میکنی؟

تعمیر کامپیوتر

چش شده؟

شک دارم شاید مشکل حافظه باشه

نمیدونم چی میگي اما خوبه، چکار کردی؟

اوبونتو نصب کردم

اوه بونتو، چه کلمه مسخره ای، چی هست؟

یک معجزه بر روی دیسک

میتونم ببینم؟

آره

[سکوت، من عصبی شدم] همسرم گفت:

من نمیتونم با این کار کنم.





پادکست اوبونتو بطور کلی آخرین اخبار و مسائل کاربران اوبونتو لینوکس و طرفداران نرم افزار های آزاد را پوشش میدهد. جدیدترین ها را به کاربران جدید و کدنویسان قدیمی نشان میدهد. مباحث ما توسعه اوبونتو را بصورت نه کاملاً فنی پوشش میدهد، برای داشتن مهمانهای بزرگ در برنامه به اندازه کافی خوش شانس هستیم. تحولات هیجان انگیز دست اول را که آنها بررویش کار میکنند و ما میتوانیم بفهمیم یا به هرچوری که متوجه می شویم را به ما بگویید. ما همینطور در مورد جامعه اوبونتو و اتفاقاتی که در آن رخ میدهد گفتگو میکنیم.

این برنامه را اعضای بریتانیایی جامعه اوبونتو لینوکس ارائه میکنند. زیرا Ubuntu Code of Conduct از آنها حمایت میکند و برای همه مناسبتر است.

این برنامه هر دو هفته یکبار سه شنبه ها عصر (زمان انگلستان) پخش میشود و میتوانید در همان روز دانلود کنید:

podcast.ubuntu-uk.org

میتونی این اوبونتو کنی؟

[ابراز پیروزی کردن] من گفتم:

اوه، چی، فکر نکنم، فقط بگو چی گفتم؟

اوبونتو، من درموردش خوندم و از مال تو استفاده کردم و تو درست گفتم، اوبونتو بهتره.

[دوباره ابراز پیروزی کردن] من گفتم:

بله، کاملاً همینطور، عشقم.

و من رفتم تا لپ تاپ همسرم را از چنگال امپراتوری آزاد کنم.

نکته اخلاقی داستان: گاهی اوقات حتی کاربران تازه وارد هم لینوکس را یک تجربه لذت بخش میدانند. زمانی زیادی بعلاوه بی خوابی و مراقبت های زیادی از ما دوست داران لینوکس گرفته میشه اگر بخواهیم از قابلیت های لینوکس برای کسانی فقط میخواهند لینوکس را ساده نگه دارند، اخبار بخوانند، در وب گشت و گذار کنند، تصاویر نگاه کنند و یک انیمیشن جذاب ماراتن را نگاه کنند، گرفته میشود.

ماشین مجازی را بهش توضیح بدم. لپ تاپ اون هنوز ویندوز دازه! ادامه دادم: چند دقیقه به من وقت بده تا برات بگم چطوری. Samba نصب کردم و به اشتراک گذاری را ایجاد کردم. بیا لپ تاپ تو نشون بده هانی. درایو شبکه دائم باید وصل باشه، مرکز رسانه ویندوز (Windows media center) برای اشاره به اشتراک گذاشتن شبکه پیکربندی کردم. حالا اینجارو ببین تو میتونی دانلود کنی و با لپ تاپ خودت استریم کنی!

خیلی عالی، چطور این کار کردی؟

ناخواسته جواب دادم: من انجام ندادم، اوبونتو این کارو کرد. بهت گفتم که این بهتره

حدود یک هفته ای میشه که همه چی خیلی خوب دازه کار میکنه، در حال پایین آمدن از پله ها انیمیشن ماراتن را ارسال میکنم، متوجه همسرم می شوم که روی مبل کنجاوانه به صفحه لپ تاپش خیره شده، یک سورپرایز بامزه که من متوجه شدم این بود که نوار وظیفه ویندوز رو از پایین صفحه به سمت چپ صفحه حرکت داده. سرخوشی تمام وجودم را گرفته. دازه سعی میکنه که ویندوز را شبیه Unity بکنه. به من نگاه کرد،

صبح بخیر

صبح بخیر

یک سؤال دارم

منم جوابشو دارم

لپ تاپ شو بست و به من داد،

من گفتم: یادت باشه که این کامپیوتر درست کرد.

این با مال خیلی فرق دازه

تصحیح میکنم، این از مال تو بهتره، میخوای بهت نشون بدم چرا؟

من هیچ وقت درک نمیکنم اینو، چرا تو نمیتونی به بعضی چیزها دست نزنی؟

اما من کامپیوتر درست کردم،

برای کتک خوردن آماده شدم، او ماوس را حرکت میده و میگه:

میتونم تو اینترنت گشت و گذار کنم؟

بله فایرفاکس دازه (مرورگر مورد علاقه)

آیا میتونم عکس آپلود کنم؟

بله

Super-key فشار دادم و نوشتم Shotwell، به او نشان دادم و روی لانچر قفلش کردم.

میتونم به آهنگام گوش بدم؟

بله

Super-key فشار دادم و نوشتم Rhythmbox، به او نشان دادم و روی لانچر قفلش کردم.

پس من بهت اعتماد دارم

من و بوس کرد.

صبر کن، یک سؤال دیگه

با عصبانیت

میتونم انیمیشن ببینم؟

گفتم: آره، با اون و شروع کردم به خاروندن سرم و به این فکر میکردم که چطوری وقتی که مطمئنم، به بهترین شکل



عقیده من

نوشته رونی تاکر / برگردان پارسی از مصطفی جلیلیانفر

ما از فیسبوک و گوگل+ برای اینکه خوانندگان زمان انتشار داستان چگونه استالمن با steam برای لینوکس موافقت نکرد استفاده کردیم. یک استثناء از مقاله اخبار بی‌بی‌سی در زیر آمده است:

بازی‌های غیر آزاد (مانند دیگر برنامه‌های غیر آزاد) غیر اخلاقی هستند زیرا آزادی‌های کاربران‌شان را نقض می‌کنند، نوشته شده در وبلاگش.

اگر شما آزادی می‌خواهید لازمه آن نداشتن برنامه غیر آزاد بر روی کامپیوترتان است

اگر شما قصد استفاده از این بازی‌ها را دارید، بهتر است آنرا بر روی ویندوز بازی کنید تا لینوکس

درون مایه حرف آقای استالمن این بود که عمل (یا همون حرکت) Valve تقریباً مزیتش بیشتر از ضررش بود. اما او اشاره کرد که عامل دیگری نیز وجود داشته.

هر توزیع گنو/لینوکی که با نرم افزارهایی ارائه می‌شود که اینگونه بازی‌ها را پیشنهاد می‌دهند این نکته را آموزش می‌دهند که آزادی مهم نیست.

نرم‌افزار غیر آزاد در توزیع‌های

گنو/لینوکس پیش‌تر در مقابل هدف آزادی کار می‌کردند افزودن این بازی‌ها این اثر را افزایش می‌دهد

<http://www.bbc.co.uk/news/technology-19065082>

نظرات شما

:Luis Carvalho

DRM یک سرطان است. محتوا با DRM فروخته نشده تنها اجاره داده شده و هرگز مال شما نیست. دیر یا زود دسترسی به آن را از دست خواهید داد. آوردن آن به لینوکس موجب مرض است.

:David White

او [شاید آقای ریچارد استالمن؟] هدفی داشت زمانی که آن [شاید نرم افزارهای غیر آزاد؟] به سیستم عامل و یوتیلیتی فایل‌ها آمد. ولی نه برای این [درک این نوشتار از توان مترجم خارج است]

:Davo Batty

انجامش بدید، من از Steam برای بازی

کردن civ5 و بازی کردن استفاده می‌کنم، من رو از مهاجرت 100% به لینوکس بازدارید.

:Joan Trabal

من طرفدار FOSS و مخالف DRM هستم، ولی هر شخصی باید در استفاده از هر مجموعه نرم افزاری که به آن نیاز دارد آزاد باشد. مردم تنها به مقداری مطالعه در مورد این مسائل نیاز دارند.

:Rey Angeles

سازنده هسته لینوکس از روح خودش در اون دمید [استنباط شخصی از جمله انگلیسی] درسته که DRM بده، از اونها [برنامه نویس‌ها] چطور انتظار دارید که کسب درآمد کنند اگر کدهاشون رو همینطوری آزاد کنن. دوستان این آرمانشهر نیست و هرگز نخواهد بود.

:Jeremy Davis

این یک انتخاب شخصیه اما من مجبورم به سمتی برم که کاربرای بیشتری رو به سمت لینوکس میاره، و بازی‌ها اینکار رو می‌کنند. در کنار اون می‌تونم از بوت دوگانه جلوگیری کنم

:Md. Rezaur Rahman

من ری انجل دوم. در دنیای واقعی ما باید چیزهای زیادی را مد نظر قرار دهیم. بازی در

لینوکس هنوز تأسف بار است، و فلسفه گنو در دنیای بازی خیلی خوب جواب نمی‌دهد

:Robin James Banfield

استالمن یک دایناسوره. استفاده از لینوکس یک انتخابه که هم می‌تونن داشته باشن خرید بازی برای بازی کردن یک انتخاب دیگه. چه فرقی داره بازی که شما می‌کنید روی یک پلتفرم آزاد باشه یا غیر آزاد. افراد بسیار بیشتری در صورتی که بتوانند بازی مورد علاقه خود را بر روی لینوکس بازی کنند به آن مهاجرت می‌کنند. ستایش برای تلاش برای انجام آن. کی به انتخاب (حق) تغییر کد بازی اهمیت میده. زمان برای استالمن در کمال پشت در فسیلش [منظورش رو نفهمیدم، جمله‌بندی درستی هم نداشت، اراجیف هم نوشته]

:Hassan Naderi

قطعاً مخالف اجازه نرم افزارهای غیر آزاد بر روی لینوکس [هستم]. شرکتها ممکن است مشکلاتی در رابطه با ایجاد مدل‌های اقتصادی پایدار برای انتشار نرم‌افزار بر روی لینوکس مخصوصاً کد آزاد داشته باشند اما اگر شما شروع کنید به پذیرفتن نرم افزارهای غیر آزاد در طی چند سال بیشتر برنامه‌های ما با کد بسته خواهد بود.



:Robin James Banfield

باید با حسن مخالفت کنم، ما پیش‌تر کد اپن سورس داشته‌ایم که بر روی سیستم عامل غیر آزاد استفاده شده است. من نتوانستم زره‌ای در مورد انتخاب [حق] تغییر کد بازی اهمیت بدم، من فقط می‌خواهم که بازی کنم. تغییر کد بازی برای کاربر پایانی چه اهمیتی دارد. به نظر می‌رسد که هدف داشتن یک سیستم عامل اپن سورس در آزادی گم شده. اما جنبش [نهضت] ناممکن که همه کدها رو آزاد کنیم. به اندازه‌ای که من از سیستم عامل Redmond بدم می‌اد، هنوز از اون برای بازی کردن استفاده می‌کنم چون مجبورم که از اون باری اجرای بازی‌هایی که دوست دارم ازش استفاده کنم. و حقیقت روشنه که اون بسیار بهتر از زمان xp و اجدادش است. با توجه به چیزی که گفته شد و اگه بازی‌ها برای استفاده بر روی لینوکس ایجاد می‌شدند هرگز اون [احتمالاً] ویندوز] رو نمی‌خرم. به نظر می‌رسد که جنبش خودش جنبش رو از واقعیت بدور نگهداشته. شاید یک سیستم عامل موفق می‌خواید؟ بازی‌های خوب بر روی آن از طرف شرکتهای نرم افزاری پشتیبانی شوند؟ اون برای Redmond و Cupertino به خوبی جواب داده چرا برای لینوکس اینچنین نبوده؟ زمانی که من دیگران را به ایجاد، پشتیبانی و نگهداری از بازی‌های اپن سورس تشویق می‌کنم، اونها خیلی خوب نیستند. اون فقط به همون اندازه‌ای که در شرکت های بزرگ

هستند نیست. من باید بیشتر حرف‌های اندی رو تایید کنم، تنها چیزی که مخالفم آینه که ما همه چیز را به استالمن مدیون هستیم. اون جنبش اون که لینوکس رو در جایگاه سوم market-share با دور کردن شرکت‌های بازی سازی از لینوکس قرار داده. لینوکس فراتر از کد باز و اپن سورس بودن است. اون هنوز یک سیستم عامله که بیشتر مردم از اون استفاده می‌کنن اگر بیشتر شرکت‌ها برای پشتیبانی کدهای بسته‌شان پذیرفته می‌شدند

:Magne Djuvik

شخصاً فکر نمی‌کنم که آزادی کاربرها در استفاده از Steam خطا باشد و خودم شخصاً ممکنه که روزی ازش استفاده کنم و فکر می‌کنم در حال حاضر مردم باید از بازی‌های آزاد پشتیبانی کنن: Shameless plug: SuperTuxKart (که من معتادشون هستم [برداشت مترجم از متن انگلیسی]) فاروم‌های خودشون رو در FreeGameDev.net دارن و قطعاً ما مایلیم که هر کمکی که بازی‌ها رو بهتر کنه مانند: دانیت، artwork، کدو چیزهای دیگر و یا هر بازخورد (انتقاد) سازنده دریافت کنیم. فاروم‌های FreeGameDev بسیار خوبن. و یک جای مهم (خوب) برای کمک به توسعه دهنده‌های مختلف که با بازی‌هایشان پول زیادی بدست میارن. و بی شباهت به بازی‌های تجاری این بازیها همیشه قادر خواهند بود کار کنند و بهتر شوند. اپن سورس و بدون DRM

:Andy Gait

ما کاربران لینوکس به استالمن مدیون هستیم اما زمانه پیشرفت کرده. استالمن نسبت به اعتقاداتش بسیار متعصب است و فکر می‌کند که هر آنکس که از راه و روش او پیروی نمی‌کند در اشتباه است. نه مباحثه، نه دلیل تنها اشتباه. او دیگر یک معلم اپن سورس نیست او یک دیکتاتور است.

:Brook Smith

کد باز، کد بسته؟ کی- اهمیت می‌ده اگه کاربر اونها رو بپذیره و کار کنند. ما کاربرها بیشتر از هر جنبش دیگر به نرم‌افزار اپن سورس اهمیت میدیم. آیا من راه حل‌های اپن سورس در جایی که امکان‌پذیر است را بر می‌گزینم؟ یقیناً اما همیشه ممکن نیست. حقیقتاً برنامه نویس‌ها باید تأمین شوند، تعدادی زندگیشان را از طریق نوشتن کدهای کامپیوتری می‌گذرانند. این بدین معناست که نرم افزارهایی که کارفرمایان انهامی‌فروشند حقوق آن‌ها را تأمین می‌کند. این برای آن‌ها غذایی برای خوردن، جایی برای زندگی و کمکی- برای پشتیبانی خانواده‌هایشان می‌باشد.

اون برگشته!

بازگشت پادکست
مجله حلقه کامل!

جدید

ممکنه یک تیم جدیدی از پادکست سازان باشد، اما فرمت همان فرمت قبلی است.

در پادکست در مورد موضوعاتی چون: مجله حلقه کامل، اخبار، بررسی و مصاحبه صحبت میکنیم. اعضای تازه تیم:

Les Pounder
Tony Hughes
Jon Chamberlain
Oliver Clark

تمام اعضا از لاگ Blackpool (بریتانیا) هستند.

<http://blackpool.lug.org.uk>

اپیزود اول در صفحه صلی FCM (مجله حلقه کامل) در دسترس است.

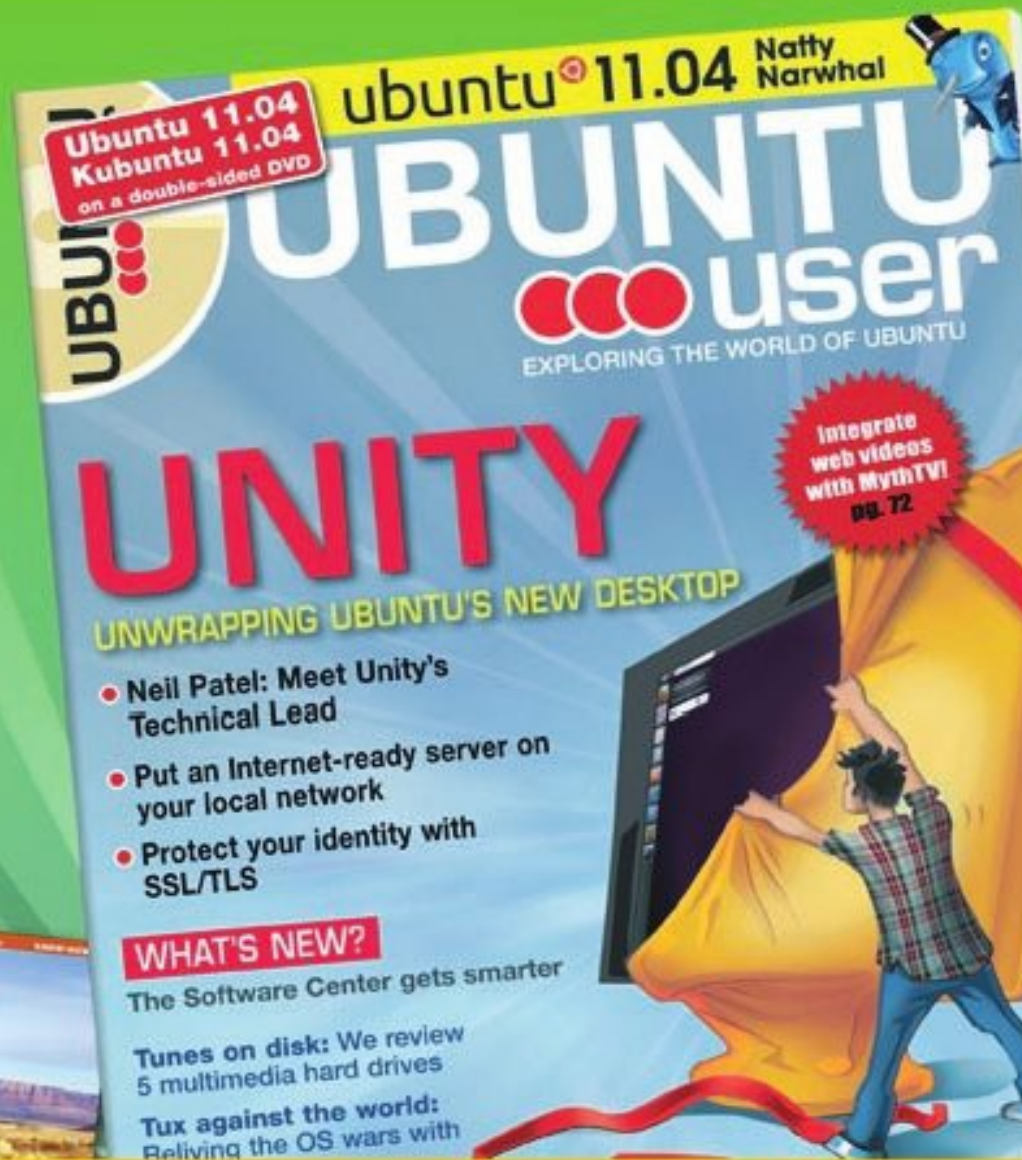
Download

MORE UBUNTU!

Can't get enough Ubuntu?
We've got a whole lot more!

Ubuntu User is your roadmap to the Ubuntu community. In the pages of **Ubuntu User**, you'll learn about the latest tools, best tricks, and newest developments in the Ubuntu story.

DON'T MISS ANOTHER ISSUE!



UBUNTU-USER.COM/SUBSCRIBE-NOW

FOLLOW US ON

TWITTER: UBUNTUSER

FACEBOOK: UBUNTUSERMAG



من اوبونتوی نسخه ۱۲.۰۴ را در یک درایو جداگانه روی مک بوک ام نصب کردم. تنها کاری که با مک بوک ام انجام میدم استفاده از برنامه XBMC برای مرکز رسانه هاست، که خیلی خوب با کنترل از راه دور اپل کار میکند. متأسفانه این مورد با اوبونتو یا بیشتر توزیع‌های دیگر کار نمیکند.



اگر شما از کار کردن lirc با کنترل از راه دور خسته شدید، میدانید که یک کار دلهره آور و احتمال داره که کار نکنه، Flirc آمده برای نجات شما. (www.flirc.tv) یک ترکیب سخت افزاری نرم افزاری است که تنظیمات کنترل از راه دور برای دریافت پول از خودپرداز را ایجاد میکند.

سخت‌افزار یک USB دانگل کوچک است که

فقط کافیسیت به یک درگاه USB متصل شود. Flirc از lirc استفاده نمیکند اما در عوض مانند یک صفحه‌کلید ثانویه عمل میکند که در واقع کلیدها را به XMBC ارسال میکنند برنامه نویسی دانگل نیازمند دانلود نرم‌افزار مربوطه از وبسایت است. این نرم‌افزار برای لینوکس، OS X و ویندوز ارائه شده است، برای لینوکس کافیسیت دستورات زیر را در ترمینال اجرا کنیم:

دستورات نصب برای اوبونتوی ۱۲ بییتی:

۱. اضافه کردن منبع:

```
deb
http://apt.flirc.tv/arch/i386
binary/
```

در فایل /etc/apt/sources.list/

۲. اجرای بروز رسانی

```
apt-get update
```

۳. نصب flirc

```
apt-get install flirc
```

دستورات نصب برای اوبونتوی ۶۴ بییتی:

۱. اضافه کردن منبع:

```
deb
http://apt.flirc.tv/arch/x64
binary/
```

در فایل /etc/apt/sources.list/

۲. اجرای بروز رسانی

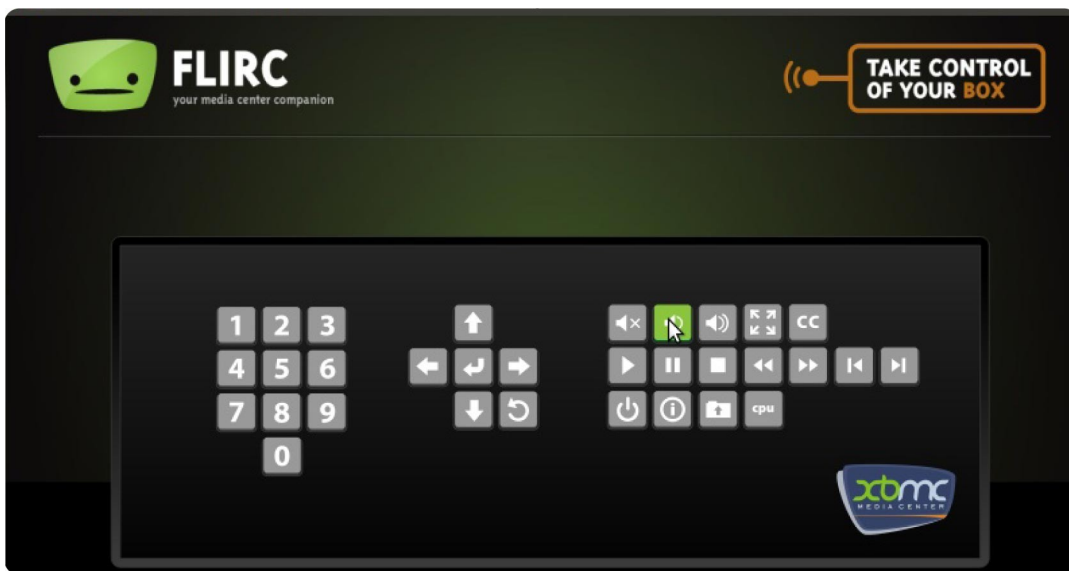
```
apt-get update
```

۳. نصب flirc

```
apt-get install flirc
```

یکبار نسخه مناسب را نصب کردی، دانگل را وصل کنید، روی آیکون خط تیره Home کلیک و واژه ی Flirc را در جعبه جستجو تایپ کنید و سپس روی آیکون Flirc کلیک کنید. عکس زیر تصویر اولیه را نشان میدهد که

شما میتوانید تابع های اصلی کنترل را برنامه نویسی کنید. اگر این اعداد روی کلیدها دقیقاً روی کنترل هم بود فکر کنم برای استفاده از کنترل اپل ایده‌آل باشد. برای عمل‌کرد Flirc در صفحه‌کلید یک روند نزولی وجود دارد. در مک (و شاید یک Lirc مناسب برای لینوکس)، XMBC میداند که کجای صفحه قرار دارد. اگر شما لیست فیلم‌ها را مشاهده کنید، با کلیدهای Up و Down میتوانید در لیست حرکت کنید. اگر شما یک فیلم تماشا میکنید، آن‌ها صدا را کنترل میکنند. تا زمانی که flirc کلیدها را ارسال میکند کلیدهای Up و Down از طریق فیلم به عقب و جلو هدایت میکنند. یک کنترل



سودوکو ۱۶x۱۶

اعداد 0 تا 9 و حروف A تا F باید در جدول 16x16 زیر قرار بگیرند بطوری که هر سطر، ستون و جدول های 4x4 شامل اعداد 0 تا 9 و حروف A تا F باشد.

F			9	6					4	7	1		8	B
2	E			F		8			6	A			3	9
	3	7	B			1	A					E	4	
6		A		E	4			B	9			5		D
B						3	5		E		0		A	9
0	7		4	D	E	B	1	C	5		8			
	9								D	F		E	7	
			F		9				2	3		B		
		E		1	6				3		C			
	A	2		B	5								1	
			3		A		4	E	7	1	2	B	6	5
4	1		8	3			9	5						E
8		1			7	9			B	5		2		A
		F	7				0	3			5	1	B	
	5	B			1	0		2		D			E	4
A	C		2	5	B					E	D			7

راه حل در صفحه یکی مانده به آخر

puzzles are copyright, and kindly provided by,

The Puzzle Club - www.thepuzzleclub.com

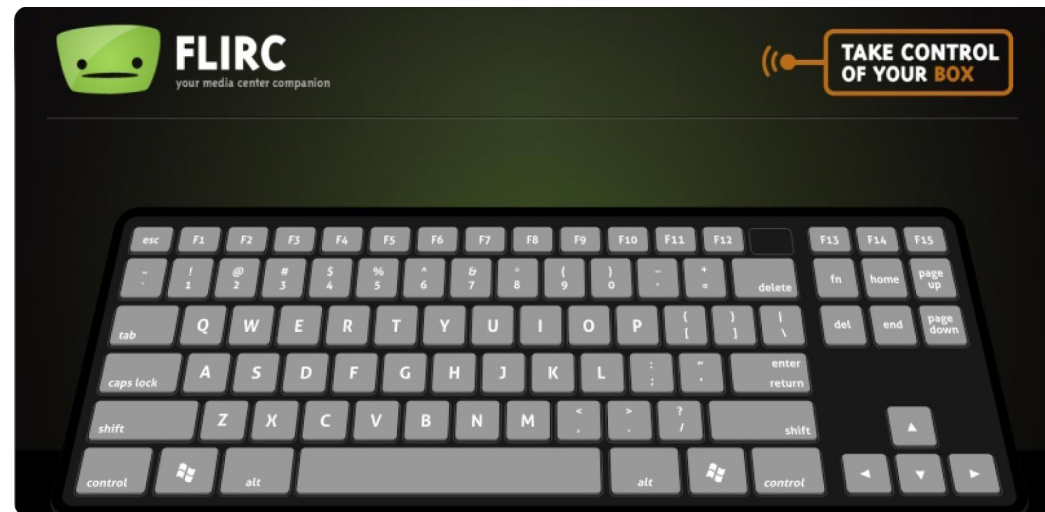
ارزان قیمت همگانی خریدم که کلید های بیشتری برای استفاده در اختیار من قرار میدهد. Flirc یک ویراشگر پیگردندی برای XMBC دارد. برای دسترسی به این در منوی اصلی برروی Controllers->XBMC کلیک کنید، همانطور که در تصویر فوق مشاهده میکنید. همانطور که مشاهده میکنید، هنگامی که یک تابع را انتخاب میکنید، آن دکمه مربوطه را برای فشار دادن به شما میدهد. برای مطمئن شدن از اینکه همه تابع ها فعال هستند من گزینه های DVD را در کنترل انتخاب کردم. برای بار اول ۱۰۰٪ کار نکرد، من برنامه نویسی کردم تا DVD Player مناسب را انتخاب کنم، یک بار راه را درست رفتم و کنترل از راه دور nirvana است.

Controllars->Full Keyboard : صفحه کلید: راهمای صفحه کلید در لینک زیر آمده است. کجا تو نیشگون گرفتن که اینقدر خوشتر اومده. برای یافتن لیستی از کنترل های صفحه کلید قابل دسترس.

جوانب مثبت: یک راه سریع و آسان برای استفاده از مرکز رسانه های (Media center), نصب XBMC در اوبونتو است. 24 دلار و ۹۵ سنت بعلاوه هزینه حمل و نقل، این یک معامله است.

جوانب منفی: تنها مشکلی که من بهش برخوردم این بود که یک DVD Player سالم را به کنترل (remote) وصل کردم، میتوان مشکل مشابه را با دیگر کنترل ها و سخت افزار هایی که در خانه برای سرگرمی استفاده میکنیم هم داشت و من این موضوع را یک مشکل در نظر نمیگیرم.

برای دسترسی به این در منوی اصلی برروی Controllers->XBMC کلیک کنید، همانطور که در تصویر فوق مشاهده میکنید. همانطور که مشاهده میکنید، هنگامی که یک تابع را انتخاب میکنید، آن دکمه مربوطه را برای فشار دادن به شما میدهد. برای مطمئن شدن از اینکه همه تابع ها فعال هستند من گزینه های DVD را در کنترل انتخاب کردم. برای بار اول ۱۰۰٪ کار نکرد، من برنامه نویسی کردم تا DVD Player مناسب را انتخاب کنم، یک بار راه را درست رفتم و کنترل از راه دور nirvana است. اگر شما به اندکی برنامه نویسی- احتیاج داشتید، Flirc برای شما یک صفحه کلید کامل فراهم میکند، برای دسترسی- به این





سریعترین لپ تاپ کوچولو

من بعد از خواندن مطلب «سریعتر کردن بوت *بونتو ۱۲.۰۴» در شماره ۶۳ به این فکر افتادم. سریعترین لپ تاپ کوچکی که من تا به حال دیده‌ام یک دل اینسپایرون ۱۱ زد است. این لپ تاپ دیگر ساخته نمی‌شود. اگر یکی- پیدا کردید و دنبال سریعترین لپ تاپ ارزان بودید به خریدش فکر کنید. این کاری است که من کردم تا سریع بوت شود و کار کند.

این بچه کوچولو، با ۲ گیگ رم فروخته می‌شود پس اولین کاری که باید بکنید این است که دو رم ۴ گیگی بگیرید و به جای ۲ گیگ، به لپ تاپ ۸ گیگ رم بدهید. کار راحتی است. کابل برق را قطع کنید و باتری را در بیاورید و با بازکردن یک پیچ، صفحه زیری لپ تاپ را باز کنید. بعد کافی است رم دو گیگابایتی را بیرون بیاورید و به جایش دو ماجول رم ۴ گیگابایتی در شکافها بگذارید. این لپ تاپ دو شکاف برای رم دارد. بعد صفحه زیری را سر جایش بگذارید و پیچش را سفت کنید. کار تمام است.

بعد دنبال یک اس.اس.دی. ارزان بگردید و هارد دیسک را با آن عوض کنید. اینکار

کمی قلق دارد. باید دوباره سیم برق و باتری را جدا کنید و با بازکردن سه پیچ از زیر لپ تاپ، صفحه کلید را آزاد کنید. بعد سمت راست لپ تاپ را بالا بدهید و با یک کارت اعتباری، صفحه کلید را بلند کنید. مواظب باشید خراب نشود! سیم‌های نازکی کیبورد را به بدنه متصل می‌کنند که نباید صدمه ببینند. یک پیچ را که باز کنید هارد آزاد می‌شود و می‌توانید آن را با اس اس دی خودتان جایگزین کنید. صفحه کلید را دوباره جا بزنید و سه تا پیچ پایین لپ تاپ را ببندید. باتری را وصل کنید و این مرحله هم تمام شده.

حالا از یک یو اس بی- دیسک، اوبونتوی ۱۲.۰۴ را نصب کنید. اینکار که تمام شد یک لپ تاپ i3 کوچک ۱۱.۶ اینچی با ۸ گیگ رم و هارد اس اس دی دارید که در کمتر از ۱۵ ثانیه بوت می‌شود و تقریباً بلافاصله هر برنامه‌ای را اجرا می‌کند. این کوچولو عمر باتری خوبی هم دارد. درست است که میخی- لپ تاپ‌ها و نت‌بوک‌ها بیش از حد کوچک هستند ولی این دستگاه به اندازه کافی قابل استفاده است.

حالا خبر خوب این است: اگر بگردید این جواهر کوچک را به قیمتی کمتر از ۳۰۰ دلار

می‌شود خرید. من یکی- به قیمت ۲۸۹ دلار پیدا کردم و اس اس دی ۱۸۰ گیگابایتی هم ۱۴۹ دلار و ۸ گیگ رم ۳۹ دلار. پس قیمت کل شد ۴۷۷ دلار. به نظرم این قیمت بسیار خوبی است و اگر دنبال یک کامپیوتر اوبونتویی کوچک سریع قابل حمل هستید این گزینه عالی است.

در خاتمه اجازه بدهید این را هم بگویم که اگر لپ تاپی قدیمی دارید و می‌خواهید سرعتش را زیاد کنید فقط کافی است به آن رم و اس اس دی اضافه کنید و مثل یک لپ تاپ نو سریع بشوند. من یک اینسپایرون ۱۵۲۱ داشتم که به ارتقای رم به ۴ گیگ و یک اس اس دی ۱۸۰ گیگی، به سرعت همین جواهر کوچک کار می‌کند اما به هر حال اندازه‌اش برای حمل و نقل دائم بزرگ است و باتری‌اش هم ضعیف‌تر. فکر می‌کنم 11z تنها ۳ اونس باشد در حالی که 1521 با یک باتری ۹ سلولی، ۷ اونس وزن دارد.

ایرو ریش

ما هر ماهه علاقمندیم که بخشی- از ایمیل‌های رسیده را چاپ کنیم؛ چه نقد چه تعریف. لطفاً ایمیل‌های خود را به آدرس letters@fullcirclemagazine.org بفرستید. توجه: به خاطر حجم محدود، ممکن است بعضی از ایمیل‌ها ادیت شوند.

راههای تماس با ما :



goo.gl/FRTMl



facebook.com/fullcirclemagazine



twitter.com/#!/fullcirclemag



linkedin.com/company/full-circle-magazine



[ubuntuforums.org/forumdisplay.php?f=270](http://ubuntuforums.org/forum/display.php?f=270)

وحشت یو.ای.اف.آی

در پادکست قبلی- حلقه کامل، شنیدن جریان یو.ای.اف.آی. و رفتارهای ضد-رقابتی مایکروسافت (عجیب هم نیست) شوکه کننده بود.

از آنجایی که من یک نرد هستم (از نوع اوپن سورسی) همیشه از این لذت می‌بردم که پی سی یا لپ تاپی که خودم می‌خواهم را بخرم، هاردش را فرمت کنم و از دست و بندوز خلاص شوم و یک سیستم عامل آزاد، مثلاً اوبونتو یا هر توزیع دیگر را روی آن



اما یک سیستم جدید بوت به نام یو.ای.اف.آی، ایجاد شده تا ویندوز ۸ را به سخت‌افزارها تحمیل کند یا در مواردی هزینه‌ای را به کاربرها تحمیل کند تا بتوانند یک کلید جدید بگیرند و سیستم‌عامل دیگری روی کامپیوترشان نصب کنند.

در مورد موضوع که می‌خواندم به این نتیجه رسیدم که به نظر عده‌ای حتی اگر این جریان یک دردسر به نظر برسد، هدف آن حل کردن مشکلی معتبر است و از دیدگاه آن‌ها همکاری بین مایکروسافت و سازندگان سخت‌افزار برای حل مشکل، امری اجتناب‌ناپذیر است.

برای من بسیار گیج‌کننده بود که چیزی که به نظر من یک رفتار خشن ضد رقابتی است، از نظر گروه بزرگی- از جامعه فنی-، کاری معقول شمرده می‌شود. چطور می‌شود از یک طرف چنین چیزی وجود داشته باشد و از طرف دیگر قوانین ضد انحصاری که مایکروسافت را مجبور می‌کنند به کاربران ویندوز ۷ گزینه‌هایی به جز اینترنت اکسپلورر را پیشنهاد دهد؟ در این مثال حتی اگر خود مایکروسافت پیشنهاد نصب بقیه برآوردها را ندهد، کاربرها حق دارند خودشان مرورگری که می‌خواهند را نصب کنند یا حتی سراغ سیستم عامل دیگری بروند که به شکل پیش فرض از مرورگرهای متفاوتی استفاده می‌کند.

شخصاً فکر می‌کنم که این کار مایکروسافت مثل بسیاری تصمیمات دیگر از طرف شرکت‌های غول نرم‌افزاری به ضرر خودشان تمام شود. این موضوع همچنین نشانه‌ای است که نگرانی- مایکروسافت از سیستم‌عامل‌های آزاد (مانند اوبونتو ۱۲.۰۴) را نشان می‌دهد که همین حالا هم قابلیت‌هایی بهتر از سیستم عامل ویندوز ۸ که هنوز حتی عرضه هم نشده، دارا هستند.

نکته دیگر این است که تعداد قابل توجهی کاربر آزاد وجود دارد و به نظر من تاثیر خودش را در این بازار خواهد گذاشت. یک سازنده باهوش سخت‌افزار می‌تواند با ارائه یک سخت‌افزار بدون یو.ای.اف.آی، خیل خریداران را ببیند که پشت در شرکتش صف کشیده‌اند.

اما بدنه‌های ضد انحصار چه می‌کنند؟ آن‌ها در مورد تاثیر یو.ای.اف.آی بر رقابت آزاد چه می‌گویند؟ حرف‌های چيست؟ آن‌ها در مقابل این جریان چه خواهند کرد؟

من حسی- دارم که به من می‌گوید در نهایت کار، مشکل خود به خود محو خواهد شد. چنین طرحی بزرگتر از آن است که در عمل به اجرا در بیاید.

آیا کس دیگری هم هست که نظراتی شبیه

من داشته باشد؟

یائو ولکینگ

رونی می‌گوید «من ایمیلی- به کمیسیون ضد انحصار اتحادیه اروپا زدم تا ببینم آن‌ها در مورد این جریان اطلاعاتی دارند یا نه و آیا قرار است عکس‌العملی نشان داده شود یا خیر. اگر جوابی بگیرم با شما به اشتراک خواهم گذاشت»

گورد اضافه می‌کند «یو.ای.اف.آی یک پیشرفت است و مشکلی که هست، ماجرای بوت امن است. مایکروسافت می‌خواهد درخواست دهد که پردازشگرهای آرم دارای بوت امن باشند که مساله خنده‌داری است چون اکثر این پردازنده‌ها در حال حاضر از اندروید یا انواع دیگر لینوکس استفاده می‌کنند. روی x86 (اینتل یا ای.ام.دی) این امکان وجود خواهد داشت که بوت امن غیرفعال شود».

یک ترفند سریع

بعضی مردم از یونیتی گله می‌کنند. متفاوت است و در این شکی نیست. از نظر من که مفید است. برای دسترسی- سریع به دستورات ترمینال که نیازی به بیشتر از یک

خط ندارند می‌شود از Alt-F2 یا کلید سوپر استفاده کرد. به عنوان یک مثال من از pdftk (<http://www.pdfplabs.com/tools/pdftk-the-pdf-toolkit>) برای جدا کردن صفحات فایل‌های پی دی اف استفاده می‌کنم. من با این دستور بدون باز کردن ترمینال دو صفحه را جدا می‌کنم:

```
pdftk MCI.pdf cat 28-29
output MCI2.pdf
```

برای اینکه این کار کند، فایل MCI.pdf را در هوم گذاشته‌ام و MCI2.pdf هم همانجا ساخته می‌شود. برای اینکه دستور مناسب خودتان را پیدا کنید، باید راهنما را بخوانید و برای اینکار احتمالاً باید ترمینال باز کنید ولی- بعد از اینکه دستوراتی که لازم است اجرا شود را می‌دانستید، این میانبر ممکن است برایتان ارزشمند باشد.

جس آویلس



O'REILLY®
Velocity
Web Performance
and Operations
CONFERENCE

June 25–27, 2012 | Santa Clara, CA
Register Now & Save 20% with code FULLCIR

2–4 October, 2012 | London, England
Register Now & Save 20% with code FULLCIR

See velocityconf.com for more details.



"Velocity is the conference where people talk about how to get things done in the real world—if you want to know how the best in the world handle their operations, Velocity is the place to learn."

—ADAM JACOB, OPSCODE

Velocity is much more than a conference; it's become the essential training event for web professionals from companies of all sizes.





اگره سؤالی مرتبط با اوبونتو داری میتونید اونو به آدرس ایمیل: questions@fullcirclemagazine.org ارسال کنید و گورد به سؤالات شما در شماره بعدی پاسخ میده. لطفاً در هنگام مطرح کردن مشکل جزئیات رو به شکل دقیق توضیح بدید.

س

هنگام راه اندازی کامپیوتر یک صفحه سیاه نمایش داده میشود، چطور مشکل را برطرف کنم؟

ج منم قبلاً اینطوری شدم، اما نه به این خوبی!:

<http://askubuntu.com/questions/162075/my-computer-boots-to-a-black-screen-what-options-do-i-have-to-fix-it>

س

من مشکل صدا دارم. از گوگل هم کمک گرفتم برای رفع این مشکل ولی تمام راه حل‌ها منسوخ شدند.

ج

<http://voices.canonical.com/david.henningsson/2012/07/13/top-five-wrong-ways-to-fix-your-audio>

نویسنده جایگزینی فراهم آورده که منسوخ شده، پیشنهاد من "model=auto".

س

من اوبونتو را بر روی یک هارد کم ظرفیت نصب کردم و در حال حاضر تمام ظرفیت هارد مصرف شده است، چطور میتوانم یک هارد با ظرفیت بالاتر را اضافه کنم؟

ج

(از OM55 در انجمن اوبونتو - سپاسگذارم) شما با استفاده از Image for linux میتوانید همین نصب موجود را در هارد جدید کپی کنید

<http://www.terabyteunlimited.com/image-for-linux.htm>

زمانی که این کار انجام دادی میتوانی هارد قدیمی (هارد کم ظرفیت) را برای اضافه کردن درایو جدید mount کنی.

س

وقتی که دو تا نمایشگر داشته باشی - و > System Settings Appearance > Behavior > Auto-hide the Launcher را فعال کنی، ماوس در یک نقطه تو Unity میچسبه و باید ماوس را تکان تکان بدی تا آزاد بشه.

ج

(از ResQue در انجمن اوبونتو - سپاسگذارم) به مسیر زیر برو: System Settings > Displays و مقادیر زیر را تنظیم کن:

Launcher placement = Laptop (نوار ابزار یونیتی را در هر دو نمایشگر نشان نمیده)
Sticky edges = Off (این باعث میشه که ماوس بین دو نمایشگر حالت چسبندگی را از دست بده، زمانی که از یک نمایشگر به نمایشگر دیگری حرکت میکند)

س

چگونه فرمت ویدئو فایل AVCHD را به MP4 یا WMV تبدیل کنم؟

ج

برنامه Winff را نصب و اجرا کن، شاید بخوای در مورد تنظیمات کیفیت بخونی، اگره هیجانزده شدی میتونی فایل‌های عظیم ایجاد کنی.

س

کجا میتونم یک توزیع Intel 64-bit پیدا کنم؟

ج

توزیع AMD 64 یک سیستم ۶۴ بیتی است که برای هر دو پردازنده Intel و AMD ایجاد شده است.

س

چگونه یک ویدئو را در openshot همیشه برید (Crop کرد)؟

ج

<http://www.openshotusers.com/help/1.3/en/ar01s15.html>

س

من در حال حاضر دو تا بوت دارم یکی ویندوز ویستا تجاری و دیگری اوبونتو ۱۰.۰۴. هر موقع از سیستم عامل ویندوز ویستا استفاده میکنم خیلی خوب هنگ میکنه. تصمیم گرفتم تا ویندوز ویستا را دوباره نصب کنم (برای کارم احتیاج دارم) برای اینکار از دو تا دی وی ریکواری که در سال ۲۰۰۹ تهیه کردم وقتی که لپ تاپ (Toshiba Satellite Pro) خریدم استفاده میکنم. وقتی که من این کار انجام

میدم به این باور میرسم که لپ تاپ من سیستم عامل لینوکس را نمیشناسه؟

ج (از darkod در انجمن اوبونتو - سپاسگذارم) نصب ویندوز باعث میشه grub2 bootloader از MBR حذف بشود و bootloader ویندوز نتواند لینوکس را بوت کند. اگر فرآیند ریکاوری فقط ویندوز ویستا را روی پارتیشن فعلی نصب میکند و به پارتیشن لینوک دست نمیزند، شما میتوانی از سی دی لایو اوبونتو ۱۰.۰۴ در حالت Live استفاده کنی و grub2 را به MBR با روال زیر برگردانی:

<http://ubuntuforums.org/showthread.php?t=1014708>

س من یک مشکل مزاحم با اوبونتو ۱۲.۰۴ دارم، آن تغییرات ساعت بایوس کامپیوتر را نگهداری میکند. من ساعت اوبونتو را بدرستی تنظیم میکنم اما زمانی که کامپیوتر را خاموش و روشن میکنم، ساعت بایوس هر دفعه چند ساعت عقب تره. من همچنین از ویندوز ۷ هم استفاده کردم (در یک درایو جدا) و چطور من متوجه این شدم که ساعت بایوس اشتباه است، در ویندوز آن با ساعت بایوس میره.

ج (از mcduck در انجمن اوبونتو - سپاسگذارم) مشکل تو از اینجا ناشی-

میشه که ویندوز و لینوکس هر دو از ساعت سیستم بایوس استفاده میکنند، هنگامی که ویندوز فرض میکنه ساعت جاری سیستم ساعت محلی است، لینوکس (مانند بیشتر سیستم عامل های Unix) فرض میکنه ساعت سیستم بجای ساعت محلی اجرا شده، برای تغییر دادن این رفتار:

https://help.ubuntu.com/community/UbuntuTime#Multiple_Boot_Systems_Time_Conflicts

س من روی یک کامپیوتر رومیزی قدیمی سیستم عامل اوبونتو سرور ۱۱.۱۰ نصب کردم. من دو تا درایو یک ترابایتی را با LVM (Logical Volume manager) یک کمک میکنه تا هر دو درایو را یک درایو تشخیص بده) و یک USB هشت گیگابایتی با سیستم عامل را نصب کردم، امروز دیدم USB را نمیشناسه. چگونه میتوانم LVM را برگردانم؟

ج (از darkod در انجمن اوبونتو دوباره سپاسگذارم) نصب کردن اوبونتو سرور روی یک فلش درایو جدید. بعد از نصب سیستم عامل یا در هنگام نصب سیستم عامل، میتوانی LVM را براحتی فعال یا وصل (mount) کنی. اگر این کار را در هنگام نصب سیستم عامل انجام دادی

حذفش نکن یا به عبارتی در هنگام نصب سیستم عامل بیخیالش شو (ارزش استفاده نکن)، و بعد از اینکه سیستم عامل نصب شد در /etc/fstab ایجادش کن.



راهنمایی و تکنیک ها

پاکسازی ویندوز

یکی از چیزهایی که کاربران لینوکس را خیره می کند، آزادی آن از بد افزار است. همین موقع برخی از کاربران دوگانه بوت (دو سیستم عامل) لینوکس به منظور اجرای بازی هایی که در ویندوز اجرا می شوند، مشکل در اینجا نهفته است: زمانی که یک بد افزار به پارتیشن ویندوز تجاوز کرد چکار کنیم؟

من هیچگونه بد افزاری ندارم ، اما پاسخ پرسش مربوطه را پیدا کردم.

من لپ تاپ سه گانه بوت دارم Windows 7 و Linux Mint 13 و Ubuntu 12.04 همه این سیستم عامل ها نسخه ۶۴ بیتی هستند.

وقتی که در وب جستجو میکردم مشخص شد که بهترین راه برای پاکسازی پارتیشن ویندوز، استفاده از نسخه لینوکسی- Avast است، هنگامی که نسخه 32 بیتی Avast را روی اوبونتو 12.04 ، - ۶۴ بیتی نصب کردم پیام خطای Avst! An error occurred in Engine: Invalid argument نمایان شد.

بسیار خوب روی اوبونتوی ۳۲ بیتی امتحان میکنم، فایل ISO را دانلود کردم و به صورت Multisystem نصب کردم، که روشی قابل اعتماد و اثبات شده برای ایجاد فلش درایو پایدار است. (پایدار یعنی- وقتی که چیزی نصب و ریست شد آن چیز هنوز نصب است(از بین نرفته است)) ساخت فلش درایو در چند دقیقه و ایجاد ۴ گیگابایت فضای پایدار یا ماندگار در چندین دقیقه. خوشبختانه فلش درایو من نور چشمک زن داره و من میتوانم ببینم که چه اتفاقی در حال رخ داده.

بوت از طریق فلش درایو، بسیار زیبا! و تنظیمات شخصی- من آمدن که واقعاً داره آهسته پیش میره. من software center اجرا کردم و Synaptic Package Manager نصب کردم. System Settings اجرا کردم و Brightness and Lock را انتخاب کردم و گزینه ی Never را برای Turn screen off when inactive for Synaptic. انتخاب کردم. را اجرا کردم و repository را اضافه کردم. بارگذاری دوباره و نصب Conky و lm-sensors و hddtemp زیرا من همیشه میخواهم ببینم که چه چیزهایی داغ هستند. و بزرگترین اشتباه ام را درست کردم و تمام بروزرسانی ها را نصب کردم. اجرا کردن از روی فلش درایو که میتونه چندین ساعت طول بکشه. سپس:

```
sudo aptget clean
```

کدواژه

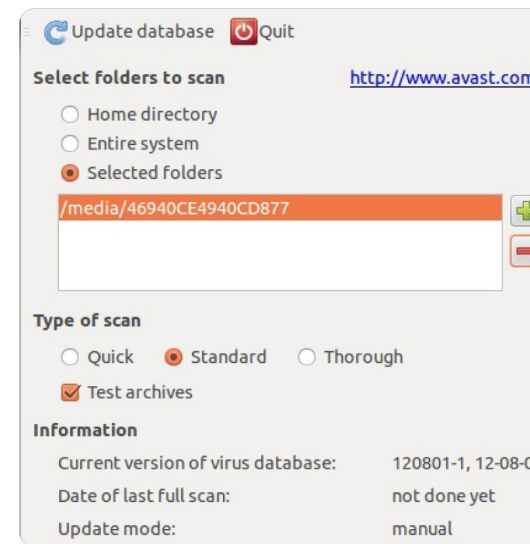
هر کدام از اعداد داخل جدول، کدی برای یکی از حروف الفبای انگلیسی هستند. مثلاً ممکن است عدد ۲ به حرف L اشاره داشته باشد در قسمت پایین برخی از حروف نشان داده شده‌اند. باقیمانده حروف را پیدا کرده و جدول را کامل کنید.

25	4	18	14	23	4	22	25		23	3	23	4													
	23		25		25		23		4		9														
12	1	4	23	19	25		14	23	4	18	25	14													
	24		26		21	10	4		25		14														
6	1	20	19		24		19	25	5	1	19	26													
	4				25			25																	
23	13	14	25	25	21		26	1	21	15	23	17													
			17				16				22														
22	1	4	25	26	23		21		11	23	18	25													
	13		24		19	10	21		1		16														
2	24	1	23	4	18		1	4	14	10	23	21													
	10		19		25		25		25		14														
8	10	2	7		14	25	19	2	14	23	17	19													
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13													
	P					H	Q		O																
14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26													
A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	K	L	M	N	O	P	Q	R	S	T	U	V	W	X	Y	Z

حل در صفحه یکی مانده با آخر

puzzles are copyright, and kindly provided by,
The Puzzle Club - www.thepuzzleclub.com

برای آزاد سازی فضای استفاده شده بروزرسانی (Update) های دانلود شده. در Avast! دایرکتوری ها را برای اسکن کردن انتخاب کردم. از طریق Root (دکمه سمت راست) media را انتخاب کردم و درون آن فقط یک آیتیم وجود داشت: پارتیشن ویندوز. آن را انتخاب کردم و دوباره اسکن کردم. همانطور که انتظار میرفت هیچ بدافزاری شناخته نشد و نباید هم تو این هارد وجود داشته باشه.



بعد از یک دوره طولانی کار در صنعت کامپیوتر و مدتی محدود به عنوان سردبیر مجله کمپیوتینگ کانادا و کامپیوتر دیلر نوز، گورد تقریباً بازنشسته شد.

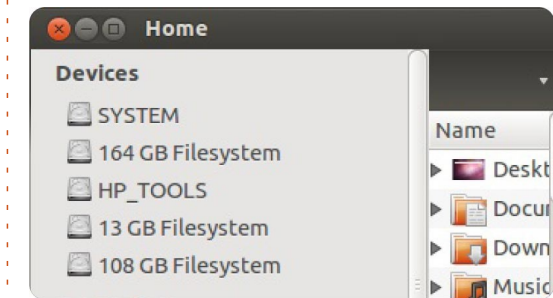
برای آزاد سازی فضای استفاده شده بروزرسانی (Update) های دانلود شده.

حالا من فایل Avast!.deb را که قبلاً دانلود کرده بودم را میتوانم نصب کنم. یک پیام خطا وجود داره که نادیده میگیرم. اجرا میکنم و کلید ثبت (Registration Key) را که از قبلی بدست آمده را کپی میکنم. دیتابیس را آپدیت میکنم و اینجا چند تا پیام خطا ظاهر شدن. اه!

این نمیتونه درست باشه. گوگل کردم: (در گوگل جستجو کردم)

avast invalid argument solved

به لینک زیر رفتم و راه حل را پیدا کردم:
<http://crunchedd.com/2012/03/26/solved-an-error-occured-in-avast-engine-invalid-argument/>



راه حل را روی هارد درایو ام اعمال کردم و حالا Avast! اجرا شده است و من چندین بار گول خوردم! File manager را اجرا کردم و پارتیشن ویندوز (164 GB Filesystem) در my



بازی‌های اوبونتو

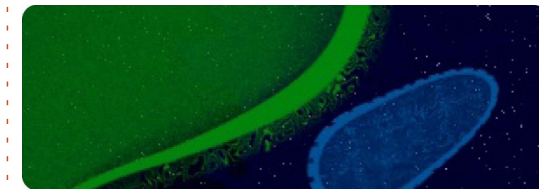
نوشته جنیفر راگر/ برگردان پارسی از توفیق نظارت و سجاد محمدزاده

Top 5

نیمه اول سال 2012 به نظر میرسد که بمانند یک انفجار برای بازی‌های جدید می‌باشد. باید بخاطر داشتن سایت‌های پربازدید و انجمن‌هایی که در اشتراک سخاوتمند هستند سپاسگزار بود. خوشبختانه همیشه بازی‌هایی که برای لینوکس ارائه میشوند بسرعت رشد میکنند. در اینجا من پنج بازی جدید از بهترین‌های ارائه شده را برای آشنایی شما قرار میدهم.

Bacillus

زمان ارائه: آگوست 2012



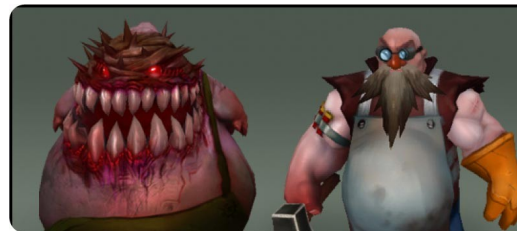
Bacillus یک رویا برای دوستداران علم میباشد. هدف شما در این بازی ادامه حیات با کنترل یک جمعیت از باکتریها با تکثیر آنها و کاوش در جهان اطرافتان میباشد. جان هالتر در این بازی سعی نموده که جهان بزرگی از زندگی میکروبها را بدرستی خلق نماید و ان را قابل دستیابی برای تجربه بازی دوستان قرار دهد.

در بازی موضوعات بیولوژیکی مانند آنزیم ها ، ژنتیک، و تکامل به یکدیگر پیوند داده شده اند. در Bacillus بشدت جزئیات به هم پیوسته است اما این همان قسمتی است که بازی را جذاب مینماید. این بازی برای ویندوز در ویرایش بتا و برای لینوکس و مک در سطح الفا میباشد.

Nekro

زمان ارائه ژوئن 2013

اگر شما میخواهید که همیشه در بازی‌ها با



آدم‌های بد بجنگید Nekro بازی مورد علاقه شما خواهد بود. در این بازی اکشن سیاه شما یک جادوگر را که او بوسیله سحر مخلوقات شیطانی را احضار میکند . شما عضوی از Nekro هستید که یکی از سه قبیله ای است که برای کنترل دنیا مبارزه میکند. هدف شما شکست دادن انسانها و گروه

های بیطرف و تسخیر کردن ملیتها و مبارزه آخر با پادشاه و شکست دادن آن. به این بازی توسط Darkforge امکان بازی چند کاربره به آن اضافه گردیده بنابر این بازی کنان میتوانند با دوستان خود به بازی میپردازند. Nekro دارای گرافیک و استیل منحصر بفرد و بازی خلاقانه است که این بازی را برای تجربه یک بازی جدید اکشن پیشنهاد میکنیم.

Super Retro Squad

زمان ارائه مارس 2013

چند سال پیش از این jay pavlina برنامه نویس ارشد در exploding rabbit بازی ماریو متقاطع را برای نتندو ارائه نمود که



گونه ای متفاوت برای این بازی بود. با تشکر از او که پایه گذاری نمود این شیوه را و چندین شخصیت به آن اضافه کرد exploding rabbit بر روی ان با پلتفرم دو بعدی کار نمود با نام super retro squad.

این بازی بیش از 40 مرحله با هشت جهان متفاوت که بر پایه هر شخصیت بنا شده است. هر کدام از این شخصیتها داستانهای خاص خودشان را دارند بطور مثال Manii و Lanzo دو معدنچی آلمانی هستند که خود را در پادشاهی asparagus می‌یابند و باید از پرنسس apricot حفاظت نمایند. super retro squad بیش از یک بازی با گرافیک 8 بیتی و یک چیپ صدا میباشد بلکه بسیار زیرکانه از صدا های کلاسیکی که همه ما در کودکی از ان لذت برده ایم استفاده نموده است.

Auro

زمان ارائه دسامبر 2012

Auro یک بازی با شکوه که با یک استراتژی چرخشی- و تغییر از حالت سیاه و روشن بسمت حالتی زیبا تر حرکت میکند. شما در نقش یک شاهزاده فاسد بازی میکنید که از فاضلاب ها محافظت میکند و





KDE و Ubuntu One

برای داشتن یک فولدر Ubuntu one میتوانید آنرا روی KDE هم نصب کنید. تنها چیزی که شما نمیتوانید انجام بدید توانایی راست کلیک کردن روی فایل و منتشر کردن و دریافت لینک آن در پوشه Ubuntu one است که معمولا برای دریافت لینک به اشتراک گذاری به وبسایت ubuntu one احتیاج پیدا میکنید. خوشبختانه، *ShaneQful* (www.softwareontheside.info) با کمی اسکریپت رویایی-روبی برای نجات آمده است که قابلیت‌های از دست رفته راست کلیک را برای ما ایجاد میکند. ابتدا، نصب ubuntu one:

```
sudo apt-get install ubuntuone-control-panel-qt
```

حالا، ubuntu one را اجرا میکنیم و به setup wizard میرویم. سپس باید اسکریپت‌های ShaneQful را نصب کنیم که قبل از نصب ابتدا موارد زیر را نصب میکنیم:

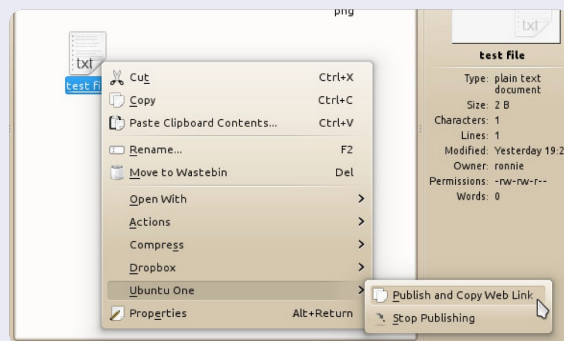
```
sudo apt-get install ruby && sudo apt-get install git
```

```
cd ~/.kde/share/kde4/services/ServiceMenus/
```

```
rm -rf Ubuntu\ One/
```

```
git clone https://github.com/ShaneQful/u1-dolphin.git
```

```
mv u1-dolphin/ UbuntuOne
```



فایل مورد نظر روی پوشه ubuntu one درگ کن تا روی ابر آپلود بشود. روی فایل راست کلیک کن این گزینه **Ubuntu One > Publish and Copy** Web Link را مشاهده می‌کنید. همچنین یک گزینه دیگر برای متوقف کردن اشتراک گذاری برای یک فایل را مشاهده میکنید.

باعث میشود یک نیروی شیطانی بیدار شود. بازی RPG موجودات افسانه‌ای را (elves و orcs) رهبری میکنید.

جای تاثیرات فانتزی، Aterdux زندگی را از دوران قرون وسطی بدست آورده است که دیدنش تازگی دارد. مبارزات به نوبه خود بر روی بهره‌وری متمرکز است.

بازیکن می‌بایست هر حرکت و تصمیم عاقلانه‌ای را که روی نتیجه بازی و نبرد تاثیر میگذارد را انتخاب کند. انواع گزینه‌ها برای ارتقا واحد، سلاح، طلسم و جادو که به نظر بسیار امیدوارکننده میرسد. بطور دیدنی جزئیات باورنکردنی در شخصیت و محیط وجود دارد. بدون کمک‌های مالی شما

Aterdux به هدفش که ۱۰۲۴ بازیکن روی لینوکس است نمیتواند برسد، شما میتوانید از طریق پی-پال به آنها برای رسیدن به هدفشان در نسخه ۲۰۱۳ برای لینوکس کمک کنید.

Legends of Eisenwald

زمان ارائه: زودتر از 2013

legends of Eisenwald یک بازی زیبای سه بعدی از نوع بازی‌های Role Playing Game میباشد (آن دسته از بازی‌ها گفته میشود که در آن بازیکن کنترل قهرمان خود را در اختیار داشته باشد و دارای نقشه بزرگی بوده که به هر طریقی ممکن است پایان یابد). جهان Eisenwald یک جهان منحصر به فرد

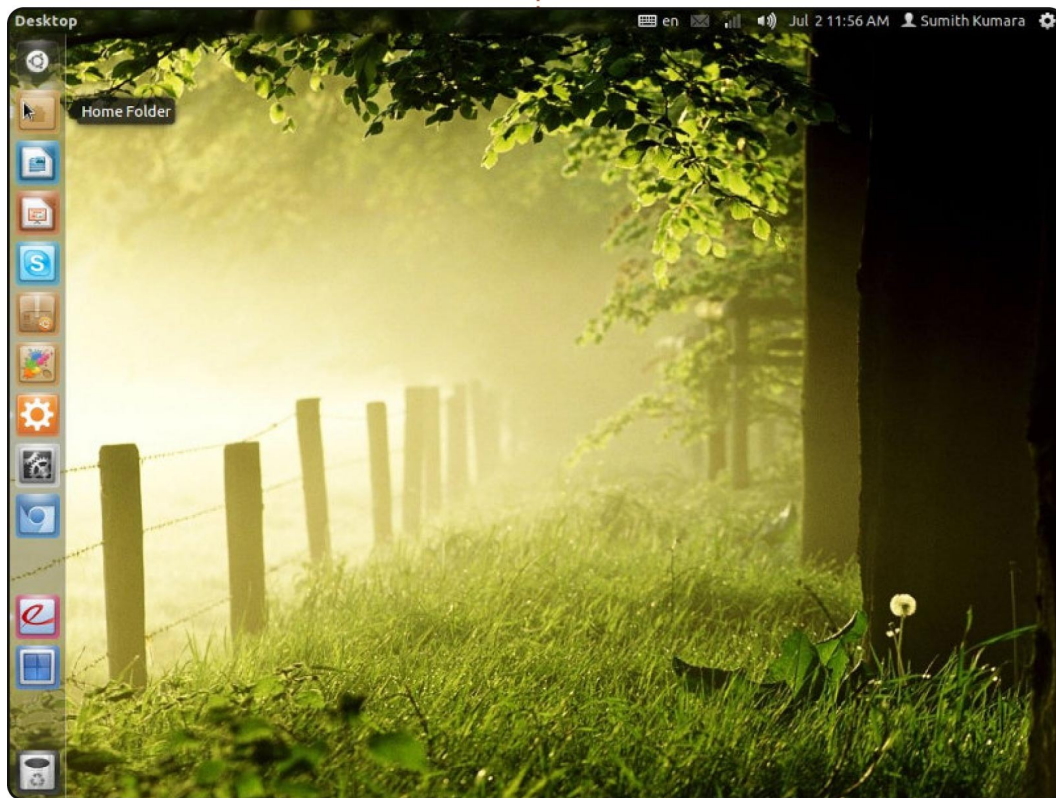


جنیفر یک دانشجوی خوب هنر از Chicagoland است. شما میتوانید در تویتر @missjendie را دنبال کنید یا به وبلاگ او سر بزنید: <http://missjendie.com>





شانی- برای شما که دسکتاپ یا کامپیوتر خودتون رو به تمام دنیا نشون بدین! تصاویر خودتون رو به آدرس ایمیل misc@fullcirclemagazine.org ارسال کنید و چند خط خلاصه وار در مورد دسکتاپ یا مشخصات سخت افزاری کامپیوترتون و هر چیز جالب دیگه ای که درمورد سیستمتون باشه بنویسید.



من اهل سریلانکا هستم و این دسکتاپ منه. من از سال ۲۰۱۰ کاربر اوبونتو هستم. من از نسخه ۱۰.۰۴ شروع به استفاده از اوبونتو کردم. دسکتاپ من خیلی سادست. من از compiz استفاده کردم تا پنل بالایی رو شفاف کنم و آیکون‌های لانچر رو کوچیکتر کنم.

OS: Ubuntu 11.10, Icons: Faezna Darker, GTK+ Theme: Aldabra, Windows Theme: Shiny, CPU: Intel Pentium Dual Core 2.0GHz, RAM: 3GB, HDD: 160GB+500GB

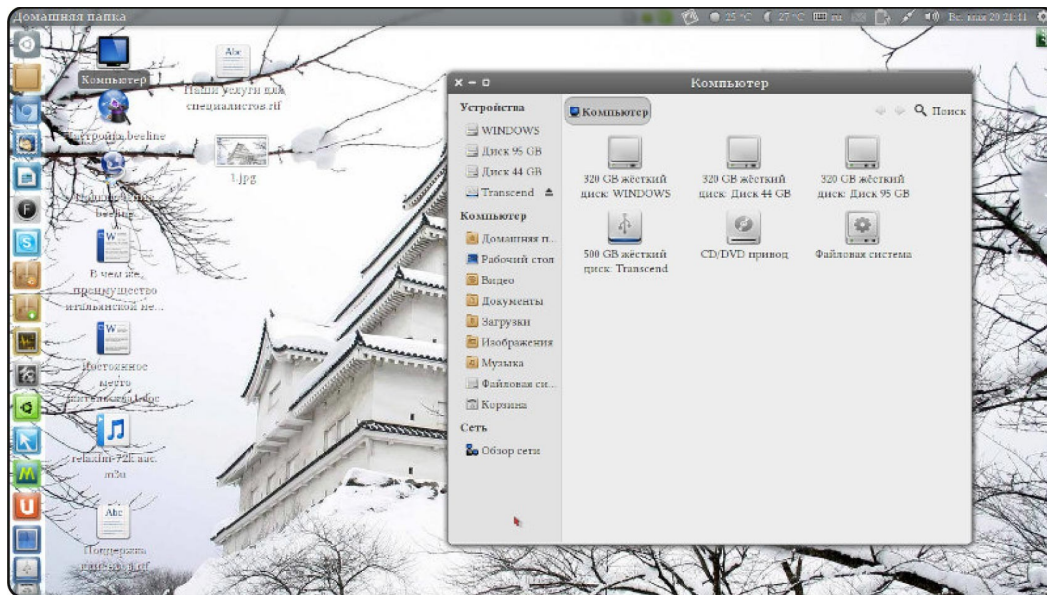
Sumith Kumara



من از سال ۲۰۰۷ شروع به استفاده از لینوکس کردم و الآن هم از مینت ۱۲ (لیزا) استفاده میکنم. Hot-babe تو گوشه سمت راست پایین با بالا رفتن فعالیت CPU شروع به رقص میکنه. Sticky notes هم در سمت راست بالا بهم کمک میکنه تا چیزهای مهم رو فراموش نکنم و همیشه دم دست داشته باشم. تم و والپیپر هم به راحتی قابل نصب شدن هستن. مشخصات سیستم:

Core 2 Duo, 3 GHz, 2GB RAM, 250GB HDD, 17" TFT Monitor @ 1280x1024 Resolution, Keyboard configuration DVORAK

HM Chandrasekhar

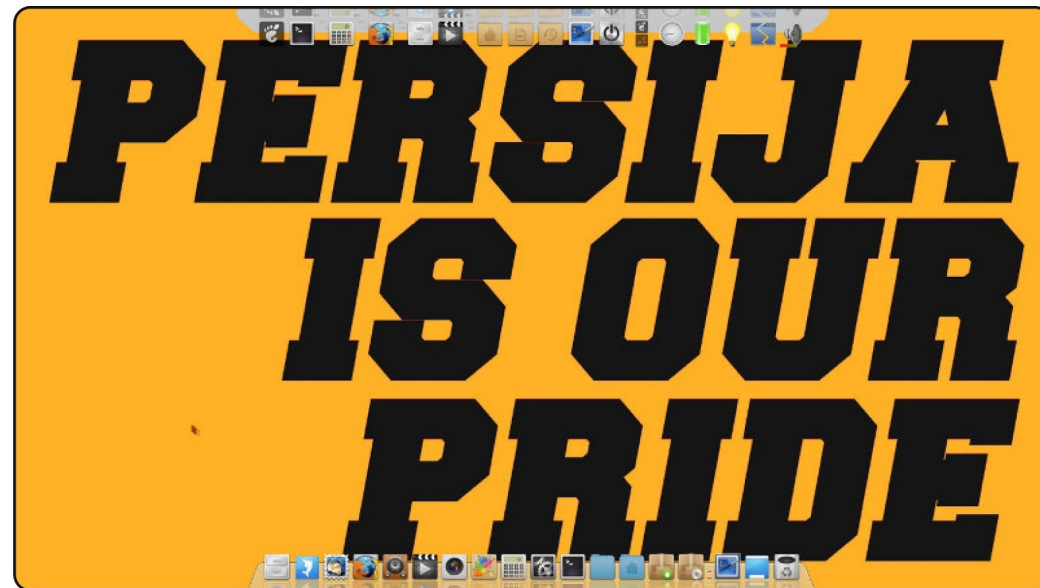


من اهل روسیه هستم و به تازگی به اوبونتو نقل مکان کردم و خیلی خوشحالم. این دسکتاپ منه. من با اوبونتو 12.04 LTS کار میکنم. کامپیوتر من Toshiba Satellite L 500 1Q6 هست. مشخصات کامپیوترم:

Processor: Pentium (R) Dual-Core CPU t4300@2.10GHz2
RAM: 2.8GB memory
Graphics: Mobile Intel ® GM45 Express Chipset
64-bit Os

Themes Gtk and windows: Lucidity
Themes icon: faezna-darker
Themes cursor: handhelds

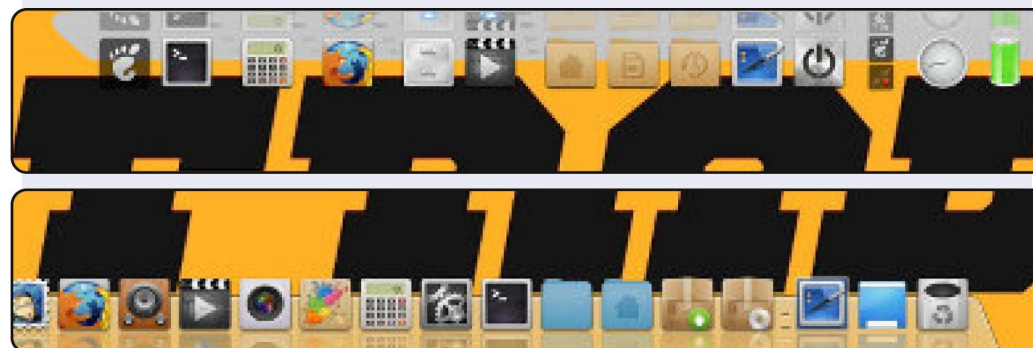
Dmitry



اینم دسکتاپ من که توش از ترکیبی از cairo-dock و docky استفاده شده. بالای صفحه cairo-dock هست و پایین صفحه هم docky هست. والپپیور هم "persija" هست. تیم فوتبال شهرم هست، جاکارتا، اندونزی. من روی لپتاپم اوبونتو ۱۱.۱۰ رو نصب کردم. مشخصات لپتاپ من اینه:

Acer Aspire 4740G, CPU: core i5 430M, nVidia GeForce 310M, 2G RAM
من عاشق سادگیم، به همین خاطر تو دسکتاپم فقط دوتا داک به کار بردم. پیروز باد دنیای لینوکس.

Ashwin Dexter Winongo



E	N	T	R	A	N	C	E		A	Z	A	N	
	A		E		E		A		N		V		
K	I	N	A	S	E		R	A	N	T	E	R	
	L		M		D	O	N		E		R		
J	I	B	S		L		S	E	X	I	S	M	
	N				E				E				
A	G	R	E	E	D		M	I	D	W	A	Y	
			Y				U				C		
C	I	N	E	M	A		D		F	A	T	E	
	G		L		S	O	D		I		U		
P	L	I	A	N	T		I	N	R	O	A	D	
	O		S		E		E		E		R		
Q	O	P	H			R	E	S	P	R	A	Y	S
1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11	12	13	
I	P	Z	N	X	J	H	Q	V	O	F	K	G	
14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	
R	W	U	Y	T	S	B	D	C	A	L	E	M	

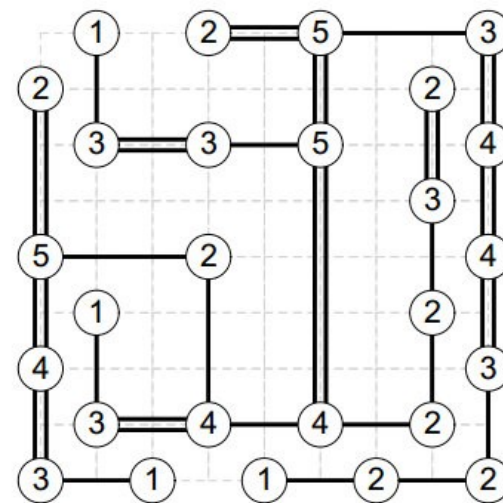
ABCDEFGHIJKLMNOPQRSTUVWXYZ

کدواژه و سودوکو ۱۶×۱۶ مشمول قانون کپی
رایت هستند. سازنده:

The Puzzle Club
www.thepuzzleclub.com

کدواژه

پلها



سودوکو

F	0	C	9	6	2	5	D	3	E	4	7	1	A	8	B
2	E	4	D	F	C	8	B	5	6	A	1	7	3	9	0
5	3	7	B	9	0	1	A	2	D	F	8	E	4	C	6
6	8	A	1	E	4	7	3	B	C	9	0	2	5	F	D
B	2	8	C	4	F	3	5	7	1	E	6	0	D	A	9
0	7	3	4	D	E	B	1	C	A	5	9	8	6	2	F
1	9	5	A	2	8	6	0	4	B	D	F	3	E	7	C
E	6	D	F	7	9	A	C	8	0	2	3	4	B	5	1
7	B	E	5	1	6	9	8	D	F	3	A	C	0	4	2
D	A	2	0	B	5	E	7	6	8	C	4	F	9	1	3
C	F	9	3	0	A	D	4	E	7	1	2	B	8	6	5
4	1	6	8	C	3	F	2	9	5	0	B	A	7	D	E
8	D	1	E	3	7	C	9	F	4	B	5	6	2	0	A
9	4	F	7	A	D	2	E	0	3	6	C	5	1	B	8
3	5	B	6	8	1	0	F	A	2	7	D	9	C	E	4
A	C	0	2	5	B	4	6	1	9	8	E	D	F	3	7



چطور کمک کنیم

برگردان پرسی از سجاد محمدزاده



ما هرروز برای قرار دادن مقالات جدید در مجله حلقه کامل جستجو میکنیم. برای راهنمای مقاله، ایده، و برای ترجمه مجله، لطفاً از ویکی ما دیدن نمایید:
<http://wiki.ubuntu.com/UbuntuMagazine>
لطفاً مقالاتتان را به این ایمیل ارسال کنید: articles@fullcirclemagazine.org

اگر به ثبت خبر علاقه‌مند هستی، ایمیل بفرست به: news@fullcirclemagazine.org
نظرات خود را به این ایمیل ارسال کن: letters@fullcirclemagazine.org
برای نقد نرم افزار/سخت افزار به این ایمیل ارسال کن: reviews@fullcirclemagazine.org
هرگونه پرسشی برای بخش پرسش و پاسخ : questions@fullcirclemagazine.org
عکس میزکار (Desktop) ایمیل کن به: misc@fullcirclemagazine.org
یا شما میتوانید از انجمن ما دیدن نمایید: <http://ubuntuforums.org/forumdisplay.php?f=270>

حلقه کامل به شما نیاز دارد!

یک مجله بدون مقاله مجله نیست و حلقه کامل هم استثناء نیست. ما به نظرات شما و دسکتاپ شما و داستان‌های شما نیاز داریم. همچنین به نقد (بازی‌ها، برنامه‌ها، سخت افزار) نیاز داریم.
مقالات بخش How-To (شامل هرکدام از این عناوین K/X/Ubuntu) و هرگونه پرسشی یا پیشنهادی که شما دارید را ارسال کنید به: articles@fullcirclemagazine.org

تیم حلقه کامل:

ویرایشگر: رونی تاکر
ronnie@fullcirclemagazine.org
ویمستر: روب کرفیا
admin@fullcirclemagazine.org
مدیریت نظرات: رابرت کلیپ شام
mmonday@fullcirclemagazine.org
پادکست: لس پاندر
podcast@fullcirclemagazine.org

ویرایش و غلط گیر:

مایک کندی
لوکاس وسترن
گورد کمبل
رابرت اورسینو
جاش هرتل
برت جرد

از کانونیکال و تیم مترجمین از سراسر جهان و همینطور از تورستین ویلمس برای لوگوی FCM ممنونیم.

آخرین مهلت برای حلقه کامل شماره ۶۵:

یکشنبه ۹ سپتامبر ۲۰۱۲

یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۱

تاریخ انتشار حلقه کامل شماره ۶۵:

جمعه ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲

جمعه ۷ مهر ۱۳۹۱

